تشخیص فرسخ عالم

نقل است که از حضرت [illegible] از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پرسیدند که [illegible]

چند فرسخ است حضرت فرمودند که [illegible] و چهار صد فرسخ [illegible]

پنجاه و [illegible] فرسخ [illegible] فرسخ [illegible]

از آن [illegible] آبادانی [illegible] فرسخ [illegible]

هندوستان است و چهار [illegible] فرسخ عراق و ترکستان [illegible] قپچاق [illegible]

[illegible] فرسخ ولایت روم است و ده [illegible] فرسخ ترکستان [illegible]

عراق عرب [illegible] فرسخ [illegible] قپچاق [illegible]

فرسخ ممالک [illegible] است و بیست [illegible] فرسخ [illegible] است و چهار [illegible] فرسخ [illegible]

[illegible] است و [illegible] فرسخ [illegible]

۱۲

هو الله تعالی شانه

از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند از ابتداء سلطنت کیومرث که بعضی او را آدم علیه السلام و بعضی از فرزندان آدم و بعضی فرزند هفتم حضرت نوح علیه السلام میدانند و حمد الله مستوفی در تاریخ گزیده نسب او را چنین نوشته که کیومرث بن ولاود بن اسم بن ارم بن ارفخشد بن سام بن نوح علیه السلام و بعضی گفته اند که قبل از نوح از فرزندان حضرت شیث پیغمبر علیه السلام است العلم عند الله و حکیم طوسی ابو القاسم فردوسی درین باب فرموده

نخستین خدیوی که کشور گشود سر تاجداران کیومرث بود

الی جلوس شاه ...

[illegible]

از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

۴ صفحه

اول احوال پادشاهان که قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده اند مشتمل بر چهار دفتر

عام

له ع

لی عرب

۳ صفحه

اطلاع احوال پیشدادیان و آثار و اختراعات ایشان

عام

ع

ای

لیومرث

و غیره

تو

عام

اول ملوک پیشدادیان و آیین شاهی در جهان او گذاشت ... بن سیامک بن کیومرث نام او بوم شاه بود چون

وقبل از آن هیچیک از فرزندان ادم علیه السلام بر مسند سلطنت متمکن نشده بسیار دانا بود و به هوشنگ ملقب شد و بعضی برانند

که ادریس علیه السلام در زمان او بود و او نهصد سال عمر کرد

مدت سلطنت

مدت سلطنت

عام

عام

معز آثار

راحراعا

صطخر و ما

فارس

شوشتر

فارس

از پوست روباه و سنجاب

کوفه

دجله

حفر

و زر و سیم از معدن بیرون آورد

در اصطخر فارس

طهمورث

بن هوشنگ بن سیامک بن کیومرث لقب او دیوبند [illegible] بن طهمورث بعضی برآنند که برادر طهمورث بود اقوام مردم را
با دیوان و دیها [illegible] خون سیامک حرب کرد و بسیار را بقتل رسانید بچهار صنف منقسم گردانید گروهی سپاهیگری و گروهی [illegible]
و ما تقدم الحکوم حکم کرد [illegible] بیاورد [illegible] اسلحه کار فرمایند و گروهی را بصنعت و کشت و ورزی و غیره مشغول گردانیدند و
آیین روزه داشتن [illegible] قحطی که در ایام او بهم رسیده بود [illegible] سیصد سال در زمان او مرگ نبود و زمره [illegible] اعتقاد
و در آن ایام هر کس که فوت یا غایب شد [illegible] تسکین خاطر صورت [illegible] که او حضرت سلیمان علیه السلام بود و بعضی از آن [illegible] کرد
او را از چوب یا از سنگ میساختند بعد از او از آن بتان [illegible] پرستش [illegible]

مدت سلطنتش

مدت ملکش

عام

[illegible] عام

[illegible]

[illegible]

ازین [illegible] اعراب [illegible]

[illegible] فارس [illegible] همدان [illegible] از [illegible]

خیاط [illegible]

[illegible] زار

[illegible] خانه

[illegible] ولایت [illegible] طوس [illegible] خراب است

از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

احوال پادشاهان که پیش از ظهور اسلام سلطنت کرده اند

اول احوال پیشدادیان

ضحاک و غیره

ضحاک

بن مرداس بن [illegible] بن [illegible] بن تاج بن [illegible] بن سیامک
بن کیومرث خواهرزاده جمشید بود پدر و مادر خود را [illegible] شیطان
علیه اللعنه بکشت و بعد از آن بر جمشید خروج کرده پادشاهی از او بستد
ظالم و ستمکار بود و گوشت پاره بطریق مار در هر دو دوش او بود
و بغیر از مغز سر آدمی بهیچ چیز تسکین نمی یافت [illegible] مردم صحرا [illegible]
در ایام او بهم رسید بسبب آنکه [illegible]
هر روز دو آدم را بکشتن او می بردند که مغز [illegible] ایشان را
او یکنفر را بقتل رسانیده مغز سر او را با مغز گوسفند ممزوج [illegible]
و یکنفر دیگر را اغنام [illegible] داده بصحراها می فرستاد و در آخر
کاوه آهنگر اصفهانی بر او خروج کرده افریدون بن [illegible] را که
از نسل جمشید بود به پادشاهی برداشت ضحاک را گرفته [illegible]
او را بسته در دماوند کوه محبوس ساخت

مدت ملکش

الف عام

فریدون

بن [illegible] بن [illegible] از فرزندان جمشید بود با امداد کاوه آهنگر [illegible]
خروج کرده و او را گرفته در دماوند کوه محبوس ساخت و آن [illegible]
بار دیگر کاوه هنگام کارش [illegible] در روز خروج بر سر [illegible] کرده
بفال نیکو گرفتند و مرصع نمودند تا زمان عمر بن الخطاب [illegible]
پادشاهان مرصع [illegible] زیاده میکردند و آنرا علم کاویانی
نهادند و در ایام او گوش فیل دندان برادرزاده ضحاک [illegible]
از ولایات ایران مستولی شده دعوی خدایی کرد [illegible]
جهان پهلوان سام بن نریمان را بجنگ او فرستاد [illegible]
محاربات عظیم رفته آخر ظفر سام را بود و گوش فیل [illegible]
و خبر وزرا [illegible] افریدون جهان پهلوانی سام نریمان داد

مدت ملکش

[illegible] عام

[illegible]

[illegible] ایرج [illegible] برادرون [illegible]

[illegible]

منوچهر

منوچهر بن مخوریار بن پشنگ بن افریدون بعد از کشتن ایرج پادشاهی بر او مسلم شد و با سام نریمان و قارن بن کاوه و گودرز لشکر آراسته بکین خواهی ایرج بترکستان و روم رفت محاربات عظیم با سلم و تور کرد و عاقبت بر ایشان مظفر گشته هر دو را بقتل رسانید

مدت ملکش

نوذر

نوذر بن منوچهر مشهور بنوذر شهریار بعد از منوچهر بر سریر پادشاهی نشست و اولاد تور بن فریدون افراسیاب با او مخالفت کرده میان ایشان محاربات عظیم روی داده آخر اسیر و بر دست افراسیاب کشته شد

مدت ملکش

[illegible]

۱۲۰ عام

ما عام

هو

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

احوال پادشاهان که قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده اند

اول احوال پیشدادیان

افراسیاب

وغیره

هم بعد

افراسیاب بن پشنگ بن زادشم بن تور بن فریدون اگرچه در نژاد او سلاطین ایران نبود و چون نوذر را کشت تاج شاهی بر نهاد و علم کاویانی برافراشت بنابرین در سلک پادشاهان عجم در آورده شد بعد از نوذر بر مملکت ایران مستولی شده قتل و غارت تمام در ایران کرد و در ویرانی ملک و منهدم نمودن عمارات و خرابی قنوات و قطع اشجار سعی تمام نمود و در آن ایام باران نیامده قحط عظیم در ایران بتخصیص در ملک ری بهم رسید و در این احوال سام نریمان رخت بسر منزل عقبی کشیده زال بتعزیت مشغول بود چون فارغ شد بمال خود لشکر بسیار آراست و او را از ملک براند و پادشاهی بزو طهماسب داد و پهلوانان ایران را که افراسیاب در جنگ نوذر گرفته در قلعه ساری محبوس کرده بود آخر الامر چون رایات زال بدان حوالی رسید اغریرث ایشان را نجات داد و خود پیش افراسیاب رفت افراسیاب در غضب شده اغریرث برادر خود را بکشت

مدت سلطنت افراسیاب در ایران

۱۲ عام

زو

زو طهماسب بن منوچهر و بروایتی زال پادشاه شد مدت هفت سال در ایران خراج برداشت مملکت معمور ساخت از آثار او رود خانه دیگر است ... قیر و ... کرده به جلبه رسانید بدان رود خانه ... ساختند

مدت ملکش

۵ عام

حه عام

گرشاسف

بن زو طهماسب در حال حیات پدر پادشاه شده و افراسیاب
با او جنگ کرده و در آن جنگ منهزم شده و افراسیاب
بار دیگر بر ایران مستولی شد و بعضی از مورخان پادشاهی
او را مسلم ندارند و گویند چون در حال حیات پدر
پادشاه شده و هم در حال حیات او بمرد زمان او
داخل زمان پادشاهی پدرش شد

مدت سلطنتش

حکیم طوسی ابوالقاسم فردوسی ...
ایران بتفتیش ... سیستان از زال ... پهلوان تهمتن ...
ایران بجنگ افراسیاب ... رستم ...
منهزم شد و در ...

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

اول احوال پادشاهانی که قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده اند

طبقه دوم در پادشاهان کیان

کیقباد

بن زاب بن زو طهماسب بن منوچهر بامداد زال و رستم پادشاه
شد و ایران از دست افراسیاب بستد و ده یک
خراج بر لشکر بنهاد و مردم در عهد او بکشاورزی کوشیدند
و شهرها بنا کرد و چون کیقباد با افراسیاب
صلح کرد مقرر شد که آرش تیری از روی دماوند اندازد
در هر جا که تیر او بنشیند سرحد باشد آرش تیری
از ساری انداخت بر آن روی مرو بزمین افتاده بدان سبب سرحد
ایران و توران جیحون شد

مدت ملکش

کیکاوس

بن کیقباد دگر روایتی گویند نبیره البرس عزم رفتن ایران
کرد و در شیراز عزم هوا کرده ... مازندران کرد پادشاه
مازندران او را با پهلوانان بعلم سحر کور کرد و بامداد جهان
پهلوان رستم خلاص یافت و او را پادشاهی ... مقرر و
بیهش بود حکیم طوسی ابوالقاسم فردوسی فرموده
سر مغز کاوس آتشکده است ... همه پهلو
و بعضی را عقیده آنست که او نمرود بود

مدت ملکش

لهراسب

بن سیاوش بن کیکاوس در توران بعد از قتل پدر
بچهار ماه متولد شد چون بحد بلوغ رسید گیو بن
گودرز از ایران رفته او را بایران آورد و در راه با
افراسیاب محاربات واقع شده گیو مردیها نمود
کیخسرو را بایران آورده بر تخت سلطنت نشاند و مدتی
با افراسیاب محاربه نمود و اخر الامر افراسیاب را
بدست آورده بقتل رسانید

مدت ملکش

بن اروندشاه بن کی منشین بن کیقباد چون کیخسرو را
بسر نمود و پادشاهی را باو داد و همین بر زال و اکابر ایران
گران آمد چون پادشاهی براو قرار گرفت دیوان و
عرض لشکر بنهاد و جهت سردار تخت سیمین و جهته
خود سراپرده زد و گشتاسب پسر او از او پادشاهی
[illegible] نمود لهراسب بتدارک گشتاسب آزرده خاطر از آنجا
بروم رفته کتایون دختر پادشاه روم را خواستگاری
نموده بعد از آن لهراسب تاج و تخت باو داده در شهر
بلخ بعبادت مشغول شد و ارجاسب نبیره افراسیاب
ببلخ آمده لهراسب را بکشت

مدت ملکش

در آن تاریخ حضرت سلیمان علیه السلام [illegible]
[illegible] ایمان آورده و بعد از آن [illegible]
[illegible] لا اله الا الله [illegible]

ماعا عام

ماعا عام

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

فصل اول در احوال پادشاهان که قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده اند

طبقه دوم پادشاهان کیان

بن لهراسب در شهر بلخ بپادشاهی نشست در عهد او
زردشت دعوی پیغمبری کرده مذهب مجوس شایع شد
و اسفندیار پسر خود را در گنبدان محبوس کرد
در آن اثنا ارجاسب از ترکستان آمده لهراسب را کشته خانواده
بکشت و دختر او را باسیری بتوران برد و اسفندیار
از راه هفتخوان بترکستان رفته در راه پهلوانیها نمود
و ارجاسب را کشته خواهران خود را آورد و در
یکی از فرزندان او غزیر شد و بعد از مراجعت گشتاسب
او را بجنگ رستم فرستاده کشته شد

مدت ملکش

بن اسفندیار اول کسی که نام خدا در مکتوب نوشت او بود
او با همای دختر خود وصلت کرد و با زال محاربه کرد و او را
بگرفت و در قفس آهنین کرد و فرامرز پسر رستم را
[illegible] رستم را استیصال ساخت و ساسان
پسر خود را از پادشاهی محروم ساخت و همای را که از او
حامله بود ولیعهد کرد و ساسان چون از پادشاهی
محروم گردید قلندری اختیار کرده سیار شد و از نسل
او [illegible] گدایان سیار را ساسانی گویند

مدت ملکش

ماعا عام

ماعا عام

همای دارا

بنت بهمن چون تاج شاهی بر سر نهاد در عدل و رعیت پروری بر بهمن [illegible] فیلقوس رومی را بدست آورده باج بر او مقرر نمود
کوشید و داراب از او متولد شد او را در صندوقچه [illegible] و مخدره فیلقوس [illegible] خود در آورده در شب اول کر
گذاشته در آب انداخت گازری او را بدست آورده پای در فراش او بنهاد بسبب بوی دهان از او متنفر شده
بپرورد و بوساطت ملازمان همای حقیقت با تشخص شد او را بروم فرستاد چون دختر حامله بود در راه پسری
کر فرزند او است و سلطنت را بر او مسلم داشت در بیابانی گذاشت چوپانی برداشت و بپرورد و او را
اسکندر نام کرد در آخر الامر مشخص شد که دختر را دره
فیلقوس است و چون فیلقوس را پسری نبود او را ولیعهد خود کرد

مدت ملکش

مدت ملکش

دارا بجز دو فارس [illegible]
و از حکما افلاطون [illegible]

لب عام

ی عام

مقر او غن آثار

جرفادقان — استوان اصطخر که اسکندر رومی خراب کرد

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

اعنی احوال ملوک [illegible] که قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده اند

چهارم پادشاهان کیان

دارا — اسکندر

بن داراب بسیرت مذموم و طبع ناپسندیده داشت رومی بن داراب که او را ذوالقرنین اصغر خوانند نام
چنانچه اکثر اعیان و اشراف از او آزرده شده نامها اسکندر بلغت یونان اخشند زروس است یعنی فیلدوف
باسکندر نوشتند و او را تحریک و تحریص نمودند چون تا لشکر که باعتقاد اینطایفه ذوالقرنین صاحب سد است و ذکر او
فریقین دست داده دو نفر از سرهنگان او را بقتل آوردند در قرآن مجید شرف ورود یافته و او عالم را مسخر کرد و باتفاق
خضر والیاس بطلب آب حیوان رفته خضر والیاس علیهما السلام
بدست آوردند و او را نصیب نشد

مدت ملکش

مدت ملکش

لل عام

مقر او عن آثار

کلدان

مرو — هرات

سمرقند

ی عام

حکماء [illegible] ارسطو [illegible]
[illegible] دارا [illegible]

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

اول احوال پادشاهانی که قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده اند

سیم در ذکر ملوک طوایف که از عهد اسکندر تا زمان اردشیر بابکان سلطنت و ایشان با یکدیگر بمسایل مشکله بحث کردند لاجرم در عهد ایشان مردم در تحصیل علوم کوشیده اهل علم بدرجه اعلا رسیدند کتاب ... ما دوسماس و یو ساسن و غیر ان مقا دباره کتاب در عهد ایشان ساخته شد و ایشان سه فرقه و چون کیفر ...

ر عت ... عام

اول اشکانیان

... عام

اول اشک ابطحس رومی است چون اسکندر ملک بر ملوک طوایف بخش کرد خراسان و عراق و بعضی از فارس بر و دلو مدت چهار پانصد سال مباشر بود تا بر دست اشک بن دارا کشته شد

مدت ملکش ... عام

دویم اشکانیان و اصحاب کهف در عهد ایشان بغار رفتند

... عام

اشک بن دارا در زمان عم اسکندر پنهان بود برابطحس رومی خروج کرد بن اشک بعد از پدر پادشاه شد و بطریق مردم سلوک کرد و او را اشک وملک بر او مسلم شد و باد دیگر پادشاهان مدت ملکش مقرر کرد که در فرمانها نام او را بالای نامها نویسند و بوقت ... مردم بدهند

مدت ملکش

ر ع ... عام

بن اشک بن دارا بعد از برادر پادشاه شد و او بجنگ روم رفته خلقی بیشمار بقتل آورد و اموالی که اسکندر از ایران بروم برده بود بسیاری باز آورد و بران اموال جوی نهری بعراق آورد
مدت ملکش
ی عام

بن شاپور بن اشک بعد از پدر بحکم وصیت پادشاه شد
مدت ملکش
ع عام

بن بهرام بن شاپور بعد از پدر پادشاه شد
مدت ملکش
ع عام

بن بلاس بعد از پدر پادشاه شد
مدت ملکش
ع عام

بن بلاس بعد از برادر پادشاهی برد و متعلق گشت
مدت ملکش
لی ع عام

بن هرمز بعد از عم بر سریر پادشاهی نشست
مدت ملکش
ا ع عام

بن فیروز بعد از پدر پادشاه شد
مدت ملکش
ی ع عام

بن بلاس بن شاپور بعد از پسر عمزاده پادشاه شد
مدت ملکش
سه عام

بن بلاس بعد از خسرو سلطنت برو قرار یافت و مرغزار بلاسان در حد و اصفهان برو منسوب است
مدت ملکش
ی ع عام

بن بلاس بعد از پدر پادشاه شد و در جنگ اشقانیان کشته شد
مدت ملکش
ع عام

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند

اول احوال پادشاهانی که قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده‌اند

سیم در ذکر ملوک طوایف

سیم اشقانیان
ع عام
سه بعر

بن اسج با اشکانیان جنگ کرده دولت از خاندان ایشان بیرون آورد و با ملوک طوایف پیمان و شرط کرد
مدت ملکش
ع عام

بن اسج بوصیت برادر پادشاه شد
مدت ملکش
ع عام

بن اسج بعد از برادر پادشاه شد و حضرت عیسی علیه السلام در زمان او تولد یافت
مدت ملکش
ی ع عام

بن بلاس بن اسج او را گودرز بزرگ خوانندی و در زمان او یحیی پیغمبر علیه السلام از بنی اسرائیل او خواست
مدت ملکش
ه عام

بن گودرز بعد از پدر پادشاه شد مؤید و بر این از قبل او حاکم مازندران و خراسان بودند
مدت ملکش
ع عام

بن نرسی بعد از پدر پادشاه شد
مدت ملکش
ع عام

اردوان

بن نرسی بعد از برادر پادشاه شد رومیان در عهد او
قصد ایران کردند و او از ملوک طوایف مدد خواست
و ایشان را از ایران دفع کرد
مدت ملکش

اردوان بن نرسی او آخر ملوک طوایف است بعد از برادر
به پادشاهی نشست و در جنگ اردشیر بابکان
کشته شد
مدت ملکش

ﻪ عام — ﻪ عام

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند ۱۰

اول احوال فرقه که قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده‌اند ۹

چهارم در ذکر پادشاهان ساسانی که ایشان را اکاسره خوانند

۴ فرقه

عام — عام

اردشیر

بابکان و غیره — عام

اردشیر

بابکان که پدر او ساسان نام و از نسل ساسان بن بهمن بود
چون اردشیر به بلوغ رسید به تحصیل ... از خدمت پادشاهان
از مجوسیه اردوان سرکرده ... و اردوان ...
بجنگ او فرستاد و اردشیر مظفر شد و بعد از آن ...
بشکست و ... دختر ... اختیار ... خود
در آورد دختر خواست که او را مسموم سازد و اردشیر دریافت
وزیر خود را به قتل آن زن مامور کرد و چون حامله بود وزیر
او را نگاه داشته آلت رجولیت خود را قطع و در حقه
سر مهر کرده نگاه داشته ... و چون شاپور
ده ساله شد و اردشیر را فرزندی نبود روزی موی سفید در محاسن
خود ملاحظه نمود آزرده شد وزیر احوال نگاهداشتن زن
و قطع نمودن آلت رجولیت خود و تولد شاپور عرض کرد اردشیر
وزیر را معزز کرد ... شاپور را ولیعهد ساخت و ... که
از نسل وزیر ... در کرمان ... دختر او را ...
سبب بیرون آورده ... اردشیر ...

و غیره

شاپور

بن اردشیر بعد از پدر پادشاه شد
مدت ملکش

اردشیر

بن شاپور بعد از پدر ... پادشاه ...
مدت ملکش

عام

بهرام

بن هرمز بن شاپور بعد از پدر پادشاه شد
مدت ملکش

بهرام

بن بهرام بن هرمز بعد از پدر ولیعهد شد
مدت ملکش

عام

بهرام

بن بهرام که او را بهرامیان ... خواندند ...
و چون در ایام ... حاکم
سجستان بود او را ... شاه
میگفتند و بعد از پدر پادشاه شد
مدت ملکش

نرسی

بن بهرام بعد از پدر پادشاه شد
مدت ملکش

عام

بجنگ او رفته شکست خورد و آخر بحیله کرم را کشته
بر هفتواد مظفر شد
مدت ملکش

او...
بن نرسی بعد از پدر پادشاه
شد اول پادشاهی که بنفس خود
در دیوان مظالم نشست
او بود سیرت نیکو داشت
و داد و دادی از آثار او در
خوزستان عمارات بسیار است
مدت ملکش

ده عام

الف عام
دو ماه

از پانزده پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند ۱۰

الطبقه احوال پادشاهانی که قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده اند ۳

چهارم

بن اردمزد و غیره

بن اردمزد بعد از فوت پدر بچهل روز متولد شد و غیره
چون طفل بود طایر رئیس عرب طیفسون را که تختگاه ساسانیان بود غارت کرد و نوشه خواهر اردمزد را بغارت برده
زن کرد و شاپور بعد از مدتی بجنگ طایر رفته بوساطت
دختری که از نوشه بهم رسیده شیفته شاپور شده بود
قلعه را بدست در آورده دختر را بخواست شبی آن دختر را
از درد پهلو خواب نبرده صباح برگ گلی در جامه خواب
او یافتند که پهلوی او را افگار کرده بود و شاپور از قوم
عرب بسیاری را کشته و بسیار را شانه بیرون آورد
و در سبب [illegible] پیش سالکی بروم رفته قیصر او را گرفت و بایران
آمده خراب بسیار کرد و آخر بوساطت کنیزان چنگی
خود را خلاص ساخته بایران آمده و بجنگ قیصر رفته او را
بگرفت و بانقدر نگاهداشت که محالها را که خراب شده بود
آباد ساخت و در آن زمان مانی نقاش دعوی
پیغمبری کرده بقتل رسید
مدت ملکش

الف عام

بن [illegible]
برادر شاپور چون شاپور بن [illegible]
شاپور کوچک بود او را [illegible]
ولیعهد کرده و او دل [illegible]
برو [illegible] عادل [illegible]
نیکویی کرد ملقب به نیکوکار شد
چون برادرزاده اش بحد مردی
رسید ملک بدو تسلیم کرد
مدت ملکش

ع عام

بن شاپور بعد از عم پادشاه
شد در تختگاه [illegible]
در نزد و ستون از [illegible]
بر سر او آمده در گذشت
مدت ملکش

هـ عام و
[illegible] ماه

بهرام
بن شاپور بعد از پدر پادشاه شد
چون در ایام پدر حاکم کرمان بود
ملقب بکرمانشاه گردید
ظالم و جبار صفت بود
مدت ملکش

یا عام

یزدگرد
بن بهرام بعد از پدر [illegible]
شد و فارسیان او را
در عداد پادشاهان نیاورده
حمزه اصفهانی و بعضی مورخان
نوشته اند
مدت ملکش

یک عام

[illegible]

که اکنون محله ایست از محلات مداین

قزوین

عمارت شاپور و سابور و ایوان شاپور که اوراوس میگویند
شوشتر و علی آباد شاپور

بن شاپور بعد از برادرزاده پادشاه شد عظیم ستمکاره
بود در کار سیاست و رعیت او را اثیم گفتند و منجمان
مرگ او را در کنار چشمه طوس گفته بودند و او هرگز دیگر آن
نرود و در آخر رعاف بر وی مستولی شد و هیچ چاره نیافت و از
بهر رفت طبیبان علاج او در غسل در چشمه گفتند با جبار
آنجا رفت از مرض خلاص شد ناگاه اسبی از آن چشمه
بیرون آمد و هیچکس رام نمیشد یزدگرد خود زین بر او نهاد
خواست بار دوم چند از دیگری بر سینه او زد که
بدان در گذشت و اسب باز بآب رفت
مدت ملکش

بن یزدگرد بعد از پدر ارکان دولت بسبب ظلم پدر او
او را اختیار نکرده کسری نامی را پادشاه کردند بهرام
با او منازعه کرده آخر بر آن قرار یافت که تاج در میان
دو شیر نهند هر که بردارد پادشاه باشد بهرام برداشت
و پادشاهی بر او مقرر شد و بر جراحات مردم مرهم نهاد
و شکار گور بسیار کرد و با خاقان محاربه نموده
او را شکست داد و بر رسم رسل بهند و ستان رفته فیل
از او بکشت و دختر شنکل را خواستگاری نموده
و دوازده هزار خانه اهل طرب با ایران آورد
مدت ملکش

بیست و یکم ماه

از ازمنه پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند 12

اول احوال پادشاهان که قبل از ظهور اسلام سلطنت کرده اند 3

چهارم

و غیره

بن بهرام بعد از پدر پادشاه شد و فیروز برادرش کشته
خود در سند سلطنت متمکن گشت
مدت ملکش

بن یزدگرد بعد از پدر پادشاه شد چون در ایام او قحط
شد هفت سال خراج از رعایا برداشت و با خوشنواز
پادشاه ترک محاربه نموده او را بقتل رسانید
مدت ملکش

مقر را عن الآثار

بن فیروز بعد از پدر پادشاه شد برادرش قباد از او
بگریخت بعد او سوفرای شیرازی رفته کین او از خوشنواز
ترک باز خواسته خوشنواز را بکشت
مدت ملکش

بن فیروز بعد از برادر پادشاه شد و در زمان او
مزدک دعوی پیغمبری کرده مال و زن همه را مشترک کرد
قباد بد و بکر و بد و جهان بر قباد شوریده غلبه یافت
و بعد از آن بمرد و پادشاهان طلبان ملک بگرفت
مدت ملکش

مقر را عن الآثار

فارس کازرون
اصفهان نو
فیروز جوجان
رامرود

حلوان
اوجان

انوشیروان — هرمز

ابن قباد در عدل و رعیت پروری کوشیده مزدک و مزدکیان را
برانداخت دیواری که اسفندیار در دربند خزر بنا کرده
بود با تمام رسانید و انجا پاسبان نشانید تا ترک
قوم قبچاق دفع نماید کتاب کلیله و دمنه و شطرنج
در عهد او آورده از هند و اصحاب فیل در ایام او قصد خانه
کعبه کردند و بمرغان ابابیل کشته شدند و حضرت صدر
صفه صفا و ماه روی والشمس والضحی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله
در ایام او جهان را بنور مقدم مطهر مبارک خود منور گردانید
مدت ملکش

ابن انوشیروان ظالم و ستمکار بود ارکان دولت
برانداخت و ساوه شاه بطرف خراسان آمده بر هرمز هجوم
مؤبدان بهرام چوبین را که یکی از امرای خود بجنگ او فرستاد
تا پادشاه چین را کشت و اموال بسیار نزد هرمز آورد از
بهرام رنجیده بهرام عاصی شد و خواست که قطع پادشاهی
از اکاسره نماید سکه بنام خسرو پرویز زد و پرویز از
ترس پدر فراری بوده بار بن رفت و سپاهی متفق
شده هرمز را میل کشیدند و بعد از آن کشتند
مدت ملکش

از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده‌اند ١٣

١٢

٤ چهارم

بهرام چوبین و غیره — خسرو پرویز

چوبین بقولی از نسل گرگین میلاد و بقولی از نژاد گرد
تیره کار است پرویز از بهرام منهزم شده بروم رفت
و مریم دختر قیصر را در نکاح آورد و با مدد قیصر بایران
آمده بر بهرام چوبین ظفر یافته او را بکشت
مدت ملک بهرام

ابن هرمز در انچه اورا از پادشاهی میسر بود هیچ پادشاه را
نبوده دوازده هزار مطربه و خدمتکار کنیزک و سی هزار خادم
و طاوس و سپید بازی و پانصد عرابه هزار
اشتر زینی و نهصد و شصت زنده پیل سفید
و دویست مجمره گردان و هزار سقای گلاب پاش
و طلای دست افشار و تخت طاقدیس و جامی که چون
بی آنکه در دور زنند بار پر شدی و فیل سفید که در عهد او
آورد و باربد مطرب و گنج باد آورد و مثل شیرین
که جامع اشیاء حسن و ملاحت بود چون پانزده سال از پادشاهی
او بگذشت حضرت صدر مهتر کاینات محمد مصطفی صلی الله علیه و آله
بشرف وحی مشرف شدند و نامه به پرویز نوشته او را
باسلام دعوت فرمودند و او از شقاوت و بدبختی نامه مبارک
آنحضرت را پاره کرده و بر بچه شیرویه بشکم او را درید
مدت ملکش
مقرر عمر آثار
قصر شیرین — صنعت شبدیز — کوه بیستون

شیرویه بن پرویز بعد از پدر بپادشاهی رسید بعد از شش ماه بعلت طاعون درگذشت

مدت ملکش ۶ ماه

فرائین امیر لشکر پرویز حاکم روم بود و طمع در ملک کرده بتغلب و استیلا پادشاه شد ارکان دولت با وی خیانت در شکارگاه او را کشتند

مدت ملکش [illegible]

پوران دخت بنت پرویز و غیره

یک عام

آزرمی دخت بنت پرویز چون ذکوری نماند او را پادشاه کردند او کینه شیرویه و اردشیر باز خواست نموده کشنده ایشان را بکشت

مدت ملکش ۶ ماه

ارزن دخت بنت پرویز بعد از خواهر پادشاه شد بغایت جمیله و عاقله و زیرک بود امیر لشکرش خواستی که با او عشق بازی کند او را بخلوت راه داده بکشت و چون پسر او نیز با او بد آزری کرده کشته شد

مدت ملکش [illegible] ماه

فرخزاد بن پرویز از لشکر اصفهانیه حاصل شد و در دو ماه کشته شد مدت ملکش یکماه

یزدجرد بن شهریار آخر ملوک عجم بود چون شیرویه برادران خود را بکشت یزدجرد را بفارس گریزانیده آنجا او را روزی [illegible] چون از آن تخم جز او کسی نبود بپادشاهی او دادند و عمر علیه اللعنه سعد وقاص را بجنگ او فرستاده شکست یافت و پناه با ماهوی سوری امیر لشکر خراسان برد ماهوی او را لشکر داده بهوای عراق کرد باز خبر شد که پادشاه ترکان قصد ایران دارد بجنگ او رفت ماهوی با پادشاه ترکستان متفق گشته با یزدجرد جنگ کرده یزدجرد گریخته در آسیایی پنهان شد شخصی ماهوی را از حال او آگاه کرد و ماهوی حکم بقتلش کرده [illegible] ماهوی او را در آن آسیا بقتل رسانیدند

مدت ملکش

۲۰ عام

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند ۱۴

تاریخ چهارده دفعه بعد از ظهور اسلام

اول احوال بنی امیه علیهم اللعنه والهاویه

معاویه علیه اللعنه والهاویه و غیره

معاویه بن ابوسفیان علیهما اللعنه او را در عقل معاش و کار دنیوی درجه بلند بوده و در سنه ۶۰ از اهل عالم حتی حضرت امام حسن علیه السلام و عبد الله عباس و عبد الله زبیر و عبد الله عمر و عبد الرحمن ابوبکر بنام یزید پلید بیعت ستد و یزید را گفت که چون من عزم جهنم میکنم ضحاک قیس و مروان حکم را بگو که پدرم وصیت کرده است که شما او را تربیت خود بخاک سپارید چون بگور فرو روند تیغ کشیده برسر گور ایستاده از ایشان بیعت ستانند و یزید همچنین کرد و مروان بلگدی بر گور معاویه زد که در مرگ نیز از تدبیر تو خلاصی نداریم

مدت ملکش

یزید بن معاویه علیه اللعنه بعد از پدر پادشاه شد و بنا انداختی تمام نسبت با خاندان ولایت رسالت و امامت کرد و مسجد الحرام را بسنگ منجنیق خراب کرده جامه کعبه را بسوزانید و حضرت امام حسین علیه السلام را شهید کرد

مدت ملکش

معاویه بن یزید بعد از پدر در سنه ۶۴ بر وی بیعت کردند اول کودکی که در اسلام بجای بزرگان نشست او بود

مدت ملکش

مروان و آل عبدالملک

حکم بن ابی العاص از مطرودان حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود و مردم در سنه ۶۴ بیعت کردند و در آخر زنش بالش بر دهانش نهاده بر رویش نشست تا بجهنم واصل شد

مدت ملکش عام ده ماه

عبدالملک

بن مروان بعد از پدر پادشاه شد در بنی امیه بعد از معاویه از او صاحب تدبیرتر نبود و بعد از مروان حمار از او شجاع‌تر و اکرم قوم نبود و در ایام او مختار بن ابو عبیده خروج کرده ابراهیم بن مالک اشتر مدد او شد و او بنام محمد حنفیه دعوت میکرد

مدت ملکش عب عام و ۲ ماه

ولید بن عبدالملک

بن عبدالملک مروان بعد از پدر پادشاه شد مردی کریم نهال فراخ عطا بود و مجربان خبار در شهرها و مسجدها مقرر کرد از برای یتیمان معلم نشاند و اخراجات تعیین کرد و عمر بن عبدالعزیز را بمدینه فرستاده تا موضعی چند از حجرات بخرید و اضافه مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله کرد و در مسجد الحرام ستونهای سنگین نشاند و از شام بدانجا نقل کرد و سقوفش از چوب عاج و در دمشق مسجد جامع بساخت در جهان بود که مشهور است آثار او بغیر آلات که پادشاهان بعد داو فرستاده اند

مسجد جامع که در دمشق ساخت هزار و غیره در دمشق هزار دینار سرخ صرف کرد دار الشفا و دار الضیافه

مدت ملکش عام و سه ماه

سلیمان

بن عبدالملک بن مروان بعد از برادر پادشاه شد در قوم بنی امیه از او فصیح‌تر نبود و فتح گرگان و طبرستان کرد که هیچ پادشاه را از اکاسره و خلفا دست نداده بود او را دست داده میسر شد چندان خزانه یافت که هزار هزار دینار سرخ خمس آن بود و وزارت خود را بجعفر برمکی داد جعفر فرمود تا زر و نقره صاف سکه کردند و زر جعفری بر او منسوب است و بنا بر امر عمر عبدالعزیز را نصب کرد و او را مفتاح الخیر خواندند

مدت ملکش

دو عام و سه ماه

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند ۱۵

حصه چهارم دفعه بعد از ظهور اسلام

در احوال بنی امیه علیهم اللعنه

عمر بن عبدالعزیز و غیره

بن عبدالعزیز بعد از عم‌زاده پادشاه شد مادرش دختر پسر عمر خطاب بود از احکام بنی امیه هیچکس مثل او نبود چرا که محبت در دل داشت و ناسزای اهل بیت گفتن برطرف کرد و باغ فدک را متصرف اولاد رسول الله صلی الله علیه و آله داد آخر غلامی او را مسموم ساخت

مدت ملکش عامان و پنجاه

یزید

بن عبدالملک بعد از عم پادشاه شد او را کنیزکی متعه بود که نام ایشان حبابه بود بعد از یکسال یکیمرد تا سه روز دفنش نکرد و با او مجامعت میکرد و بعد از سه روز دفنش کرد و بر سر او زاری میکرد

مدت ملکش

لعه عام و ع

هشام

بن عبدالملک بعد از برادر پادشاه شد در آن ایام خزریان خروج کردند و از ارمنیه گذشته تا اردبیل آمدند جراح بن عبدالله حاکم آذربایجان بود بجهت دفع ایشان شتافته بصحرای اوجان رفته بود خزریان در ولایت اران و مغان خرابی بسیار کردند جراح بدفع ایشان شتافته در محاربه بقتل رسید و خزریان بر ولایت استیلا یافتند و در سنه ۱۲۲ زید بن امام زین العابدین علیه السلام در کوفه خروج کرده پانزده هزار مرد بیعت کردند

مدت ملکش یط عام احد ماه

ولید

بن یزید بن عبدالملک بعد از عم پادشاه شد و یحیی بن زید را خلاص کرد و یحیی عزیمت عراق کرده در کار دعوت مبالغه مینمود و خلقی دعوت او را اجابت نمودند و والی نیشابور با او محاربه کرده شکست داد یحیی در بلخ کشته شد تا در عهد مروان حمار ابو مسلم ایشان را از فتنه زنده در گور کرد و ابو مسلم از اتباع بنی امیه زیاده از ششصد هزار کس را بکشت و ولید مذهب زنادقه داشت مصحف را بدریدی و روزی جهت مستی با کنیزک مجامعت کرد چون اقامت گفتند همان کنیزک را در بستر مست و جنب بامامت فرستاد تا خطبه کرد بعد از آن محمد بن خالد العزیز بر او خروج کرد و او را بقتل رسانید در روز چهارشنبه ۲۱ شهر جمادی الاول سنه ۱۲۶

مدت ملکش یکعام و دو ماه

یزید

بن ولید عبد الملک مروان بعد از عمزاده پادشاه شد به
مادرش شاه آفرید دختر یزدجرد شهریار بود او را ناقص خواندندی
جهت وظایف و مبرات که در عهد بنی امیه مجری بود و او قطع
کرد و بوقت بیعت او مروان محمد بارمنیه بود و یزید بر
معتبر مانده بود و در سنه ۱۲۶ درگذشت
مدت ملکش ۶ ماه

ابراهیم

بن ولید بعد از برادر پادشاه شد مروان حمار بروی خروج
کرد و او بگریخت و در صفر سنه ۱۲۷ پسر عمزاده اش
عبد العزیز بن حجاج او را کشت
مدت ملکش ۲ ماه

مروان

الحمار بعد از پسر عمزاده پادشاه شد که مالی بن بهلب در
خراسان خروج کرد و او را با نصر سیار محاربات رفت
و در اثنای حرب با ابومسلم با او متفق شد نصر سیار
بمروان الحمار احوال را نوشته مدد طلبید و مروان
تغافل نمود نصر سیار از ابومسلم بگریخت و عابد بن اسمعیل
الجرجانی با مروان جنگ کرده کشته شد و بعد از آن
سفاح اولاد بنی امیه را از خورد و بزرگ طلب نمود هشتاد
کس را یافته تمامت را از زده استخوان اعضا خورد کرد
و بر یکدیگر ریخته بساطی بالای ایشان گسترده طعام خوردند
و ایشان در زیر بالا نالان و افغان جان میدادند گویند
که آن جماعه در مهد زرین پرورده بودند
مدت ملکش

از تواریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

... بچهار دفعه بعد از ظهور اسلام

دویم در ذکر خلفای بنی عباس سه ای جماعت مذکور ده دیگر که در آن سوار علی شده که معاصر و باج گذار خلفا بوده
حلقه بندگی خلفا در گوش داشتند و چون حکومت ایران کرده اند اسامی ایشان سر گوشته میشود و ذکر احوال ...

لیث

صفار لیث رهزن و عیار بود باتصاف عیاری کرد شبی در خزانه نصر بن رافع براه ... چیزی
شکاف یافت تصور گوهر قیمتی کرده چون بر زبان زد نمک بود حق نمک ترک قبض مال غالب آمد صباح
خازن احوال شکافتن خزانه و چیزی نبردن را بعرض نصر رسانید نصر منادی کرد که دزد در امان
لیث بخدمت او رفته مقدمه نمک را خاطر نشان نمود پادشاه او را خدمت چاووشی داد امیر
لشکر شد

یعقوب بن لیث و عمرو بن لیث

یعقوب

بن لیث بعد از وفات درهم بن نصر در ...
پسرش خروج کرده در سنه ۲۳۷ در بعضی ولایات
سیستان مستولی شد و در سنه ۲۵۳ بر تمامی سیستان
مستولی شد و بعد از قتل پادشاه کابل بر تمامی
خراسان دست یافت و با علی بن سعد جنگ کرده
فارس را در تصرف آورد معتمد خلیفه او را منشور و خلعت
فرستاد و در سنه ۲۶۲ در خوزستان درگذشت
مدت ملکش

عمرو

بن لیث صفار بعد از برادر پادشاه و بر خراسان و
عراق و فارس و کرمان و غیره مستولی شده در آخر
طمع در خوزستان و عراق عرب کرد معتضد خلیفه اسمعیل
سامانی را با ده هزار مرد بدفع او فرستاد و او
هشتاد هزار مرد آراسته در برابر آمد چون طبل
جنگ زدند اسب عمرو بن لیث نشاط کرده او را
در ربوده بمیان لشکر اسمعیل آورد ناچار گرفتار
شد اسمعیل او را مقید ساخته نزد خلیفه فرستاد
خلیفه او را حبس نمود تا از رنج بمرد
مدت ملکش

طاهر

بن محمد بن عمرو لیث بعد از جدش امرا او را بپادشاهی نشاندند اسمعیل سامانی بر او غلبه کرده پادشاهی از و بستد بعد از و نبیره اش نصر بن احمد حاکم شد و تا سنه ۲۹۸ حکم کرد عمرش از سال گذشته بود و تا این زمان نسل بر نسل حکومت سیستان بر ایشان تعلق دارد

مدت ملکش

عام

بنی سامان

از نسل بهرام چوبین اند و بعد از اسلام پدر سامان از گردش روزگار بسیار بیافتاده بسر دزدی و بعیاری مشغول شد و بعد از آن مدتی بر شهر آسیاس مستولی و پسرش اسد را در عهد مامون خلیفه حرمتی پیدا شد و طاهر ذو الیمینین او را کارهای بزرگ فرمود و بعد از آن مامون خلیفه او را امارت داد مدتی امارت بود تا در سنه ۲۶۱ معتمد خلیفه تمامت ولایت را به نصر بن احمد بن سامان داد

مدت ملکش

ما عام و
عا ماه و
شش ماه و
یوم

از ملوک پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند
بچهار دفعه بعد از ظهور اسلام
در ذکر خلفای بنی عباس

اسمعیل

بن احمد او بخارا را دار الملک ساخته تا ماوراء النهر در عهد او معمور شد چون بنی لیث دست بر آورد معتضد خلیفه فرمان داد تا ایشان را از مملکت بنی لیث بر اندازند

مدت ملکش

عام و
ماه

احمد

بن اسمعیل بعد از پدر والی شد عالم دوست بود و با علما مجالست داشتی و او مباشر احکام از زبان دری بعربی نقل کرد و تا در جمادی الاول سنه ۳۰۱ شب بر سر او رفته بقتل آوردند

مدت ملکش

عام و
ماه

نصر

بن احمد بعد از پدر پادشاه شد و تمامی غلامان قصد پدرش کرده بود و ماکان کاکی در زمان او خروج کرده نصر امیر علی را با لشکر گران بجنگ او فرستاد و او ماکان را بقتل آورد

مدت ملکش

عام و
ماه

نوح

بن نصر بعد از پدر پادشاه شد و میان او و عمش بن احمد محاربات رفت و البتکین در زمان او امارت یافت

مدت ملکش

عام
ماه و
یوم

عبد الملک

بن نوح بعد از پدر حاکم شد و در میدان گوی چوگان از اسب افتاده متوفی شد

مدت ملکش

عام و
ماه

منصور

بن عبد الملک بعد از پدرش امرا در جلوس مشورت کردند و از البتکین که بزرگترین امرا بود اجازت طلبیدند تا آنکه چه کس را پادشاه کنند البتکین عم او را اختیار کرد و پیش از آنکه جواب البتکین بامرا رسید او را پادشاه کرده بودند و البتکین عاصی شد او را سبکتکین داد و پانزده هزار کس

بجنگ البتکین فرستاده شکست خورد
مدت ملکش

عام

نوح
بن منصور بعد از پدر بجلوس نشست جمعی از ارکان
دولت او با ایلکخان وسیله جستند و قصبه بخارا را
کرده ابو الحرب بگریخت و ایلکخان بخارا را
تصرف نمود و ایالت بکسوران داد
مدت ملکش

منصور
بن نوح بعد از پدر حاکم شده وزارت با ابو الحسین
سیمجور داد در اواخر ابو الحسین سیمجور منهزم شده
بیقراخان که از نسل افراسیاب بود بر دو او را
بر سلطنت ملکشاهان تحریص نمود و بغراخان
عزیمت بخارا کرده نوح قرار بر قرار داده بجانب
رفت و بغراخان رنجور شده عزیمت ترکستان
نمود و در راه درگذشت
مدت ملکش

عام

عبد الملک
بن نوح بعد از پدر حاکم شده و او آخر سامانیان
مدت ملکش

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

۵
تا ایلچهار دفعه بعد از ظهور اسلام

۳
دوم در ذکر خلفای عباس

تتمه کورشولد ذیل

غزنویان
اصل ایشان از سبکتکین است تا میان ایشان در حینی که البتکین از منصور منهزم شده فرار نمود
شانزده سال در غزنه و هندوستان پادشاهی کرده با هند و ایشان غزا نمود چون او درگذشت اتباع سبکتکین
غلام و داماد او را از خود امیر کردند و ایشان چهارده نفر بودند که به موجب حکومت کرده اند

عام

یمین الدوله
ناصر الدین سبکتکین
الدوله محمود وفادار بالله در تاریخ لوای جلوس برافراشت
کتاب عتبی و مقامات ابونصر مشکانی و مجلدات ابو الفضل
بیهقی مشاهده حال اوست علما و شعرا در اوست و انوری
و در اوایل سال جلوس در سیستان معدن زر رسید
بشکل درخت چند آنکه بیشتر شکستند قوی تر
میشد و زر خالص برآمد و در زمان سلطان محمود
مسعود از وارکوه نامبرده شد و سلطان محمود
هیاطله و ملتان تا حدود کشمیر را مسخر کرده با ایلکخان
صلح کرد و در سنه ۴۱۶ فتح سومنات کرد و در سنه ۴۲۰
بر ملک عراق مستولی شده از تصرف آل بویه بیرون
آورد و هم درین سال بر خوارزم مستولی شد
مدت ملکش

مسعود بن محمود بعد از پدر بجلوس نشست هند
و غزنویه برادرش محمد داد چون یک سال گذشت
با برادر جنگ و او را اسیر کرده میل کشید و در
قلعه محبوس کرد و در آخر مسعود از سلجوقیان
منهزم شده محمد مکحول را از تخت نشاندند و مسعود را
گرفته پیش محمود آوردند و لشکریان او را کشتند بعد
از آن محمودیان نفر نوبت اطاعت کردند
مدت ملکش

عماد الدوله

محمد بن محمود در حیات برادر در اول عهد چهار سال در غزنین پادشاهی کرد پس بحکم برادرش مسعود نه سال محبوس بود بعد از قتل مسعود یکسال حکومت کرد و در سنه ۴۳۴ بدست برادرزاده کشته شد

مدت ملکش

بهاء الدوله

مودود بن مسعود بر عم خروج کرد بقصاص خون پدر او را با تمامت اولاد و هر که در خون مسعود ساعی بود بکشت و در سنه ۴۴۱ بدیدن جعفر جان عزیمت خراسان کرده در راه بعلت قولنج در گذشت

مدت ملکش

[illegible] عام

مسعود

بن مودود بعد از پدر بحکومت نشست چون طفل بود امرا و ارکان دولت بر عمش متفق شدند

مدت ملکش

بهاء الدوله

علی بن مسعود بعد از برادرزاده حاکم گشت و زن مودود دختر جعفر بیگ سلجوقی را در نکاح آورد عمش بر او خروج کرده او را منهزم گردانید

مدت حکمش

یکماه

عامان

۱۹

قسم [illegible]

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

صنف [illegible]

طبقه چهارم بعد از ظهور اسلام

فرع [illegible]

دوم در ذکر خلفای بنی عباس

غزنویان ۲

[illegible]

مجد الدوله

ابو منصور عبد الرشید بن محمود بعد از برادرزاده حاکم شد دختر جعفر بیگ تکین شوهر برادر او را اسیر و دستگیر کرده طغرل اسیر و طغرل بر آن ملک مستولی شده نه نفر شاهزاده که در قلعه دهک محبوس بودند طغرل بکشت و سه نفر شاهزاده دیگر که مانده بود طغرل کافر نعمت خواست بکشد اعلام بر تیغ کشیده او را پاره پاره کردند

مدت حکمش

جمال الدوله

فرخزاد بن عبد الرشید بعد از قتل طغرل کافر نعمت بحکومت نشست و از شاهزادگان که او را طغرل کشته بود از خانها بیرون آورده در گورستان سلاطین دفن کردند و در سنه ۴۵۰ بقولنج در گذشت

مدت حکمش

۶ عام

ظهیر الدوله

ابراهیم بن مسعود بوصیت عمزاده حاکم شده در بقاع خیر بعموم توفیق بسیار رسانید و در سنه ۴۹۲ در گذشت

[illegible]

مدت حکمش [illegible] عام

علاء الدوله

مسعود بن ابراهیم بعد از پدر بحکومت نشست و خواهر سلطان سنجر سلجوقی را در نکاح او بود و در سنه ۵۰۸ در گذشت

مدت حکمش [illegible] عام

جمال الدوله

شیرزاد بن مسعود بحکم وصیت پدر حاکم شد برادرش ارسلان شاه بر او خروج کرده در سنه ۵۰۹ او را بکشت

مدت حکمش

عامی

سلطان الدوله

ارسلان شاه بعد از برادر پادشاه شد میان او و بهرامشاه در کار شاهی نزاع شد بهرامشاه بامداد سلطان سنجر خال خود او را بکشت

مدت حکمش

یمین الدوله

بهرام شاه بن مسعود بعد از برادر حاکم شده بعد از مدتی علاء الدین حسن غوری بر وی خروج کرده شاه بهرام منهزم بهند رفت علاء الدین حسن برادر خود را نایب کرده خود بکوه بهری رفت بهرام شاه مراجعت نموده سیف الدین شاه را منهزم ساخت جمعی او را گرفته بسلطان اوردند کاو رانشانده گرد شهر بگردانیدند چون این خبر بعلاء الدین حسن رسید آهنگ رزم بهرام شاه کرد قبل از ورود او بهرام شاه در سنه ۵۴۴ درگذشت

مدت حکمش

ظهیر الدوله

خسرو شاه بن بهرام شاه بعد از پدر حاکم شد علاء الدین حسن بجنگ او امد بر نخیه و بهار هند رفت علاء الدین حسن برادر زاده خود غیاث الدین ابو الفتح را به نیابت در غزنین بازگذاشته بهرات رفت او خسرو شاه را امیدوار و ایمان بر خود امین کرد انیده دستگیر کرده بقلعه فرستاده محبوس ساخت و در سنه ۵۵۵ درگذشت و دولت غزنویان سپری شد

مدت حکمش

حکمرانی سلسلهٔ غزنویان ... ...

صه عام و

د عام

ازمنهٔ فتح پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند ۲۰

صف ۷

ملوک چهار دهه بعد از ظهور اسلام

در دور خلفای بنی عباس ۵

تتمه گوشوارهٔ ملوک

غوریان

اصل ایشان از نسل الغوری پادشاه غوریان بود که سلطان محمود غزنوی او را برانداخت

لله عام

مدت حکمرانی صه

علاء الدین

حسن و غیره

اهـ عام

لاله بعد

علاء الدین

حسن بن حسین بعد از غزنویان بر مملکت ایشان مستولی شد

مدت حکمش ۷ عام

سیف الدین

محمد بن ازاسم علاء الدین حسن بعد از پدر بحکومت نشست می بلخ را مستخلص کرد

مدت حکمش اهـ عام

غیاث الدین

ابو الفتح بن محمد بن سام بعد از عمزاده مملکت را در قرار گرفت

مدت حکمش لله عام

بهاء الدین

ابو المظفر بن سام از امرای سلطان بغزنین رفت و بعد از برادر قیام نمود حکومت بر او مقرر شد و در سنه ۶۰۱ بغزای هندوستان رفته مواضع چند مسخر کرد

مدت حکمش لاله عام

محمد

بن سام بن حسین بعد از عمش جمعی از امرا میل باو و جمعی بخواهرزادهٔ او سلطان شهاب الدین میکردند اگر چه شوکت و سلطنت او بیشتر بود اما تقدیر ازلی موافق تدبیر و شوکت نبود در راه غزنین درگذشت و محمود بر تخت سلطنت نشست و چون مرد کار نبود هر یک از غلامان او بر محلی مستولی شدند

مدت حکمش

اهـ عام

دیلمیان

تخصیص آل بویه که از تخم بهرام گور است در خدمت مرداویج بن زیار که حاکم دیلمان بود بودند و مرداویج
بعد از قتل عام کرده و خود را بر بند … جامه ابریشمین از شلوار معقولان بیرون کرد و از
انجا باصفهان رفته در سنه ۳۲۱ در نفر از غلامان او را در حمام بکشتند و علی بن بویه بعوض حکمداری
باصفهان آمد و با وشمگیر ابن زیار حرب کرده او بطرف استراباد گریخت بان قناعت نمود حکومت اصفهان

… عام

عماد الدوله
در شیراز بسرای یاقوت حاکم انجا نزول کرد و لشکریان
در سرا گرفته طلب مواجب میکردند ناگاه مار سیاهی
در سقف خانه ملاحظه نمود بترسید و فرمود تا سقف
خانه را شکافتند و در عوض مار صد صندوق
زر و جواهر یافتند خیاطی که جامه برید ان امده بود گمان
کرد که مگر بجهة مال و یاقوت او را طلب نموده شکنجه کنند
گفت زیاده از ده صندوق مال یاقوت پیش من
نیست عماد الدوله بخندید و چون یاقوت را
خبر شد بالشکر گران امده جنگ شد چند روز ظفر
دهر بمراد وی نمود عماد الدوله قرار بر فرار داد
شب بخواب دید که اسب فیروزه … سوار شده
سوار شده اندک راهی که رفت فیروزه یافت و لحظه
دیگر او را … صباح بر اسب فیروزه سوار
شده پاره راه رفت انگشتر فیروزه یافت ناگاه
خبر رسید که لشکر عرب گریخته اموال بامر
مدت ملکش … عام

رکن الدوله
حسن بن بویه … و غیره
حسن بن بویه او با پسر فرزند وشمگیر سپهدار سامانیان
بکرات محاربات نمود و در سنه ۳۴۰ … در گذشت
مدت حکمش … عام

معز الدوله
احمد بن بویه بفرمان برادر بر سر کرمان رفت امیر علی
الیاس حاکم کرمان روز جنگ کرده شب علوفه
میفرستاد معز الدوله ازین معنی خجل شده با او
صلح کرد و در سنه ۳۳۵ مستکفی خلیفه او را
ببغداد طلبیده امیر الامرا ساخت
مدت حکمش … عام

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند
صنف … بچهار دفعه بعد از ظهور اسلام
دویم در ذکر خلفای بنی عباس
دیلمیان

عضد الدوله
کیا خسرو بن رکن الدوله در فارس بحکومت نشست و در اول
بعد از آن ببغداد رفته خلیفه او را استقبال نمود
ایام وشمگیر بن زیار و بهودیه پسرش در جرجان …
طبرستان و گرگان بتصرف قابوس در امد و آثار
عضد الدوله … موجب است و در رمضان سنه ۳۷۲
مشهد امیر المومنین و امام … حضرت رسول صلی الله علیه و اله
حسین علیهما السلام
در بغداد … سراز
بموقف صحیح در گذشت و بمشهد حضرت امیر المومنین ع
مدفون است مدت ملکش … عام

فخر الدوله
علی بن رکن الدوله بعد از پدر رانده حکومت کرد
و میان او و برادرش بهاء الدوله محاربات رفت و فخر
الدوله عادات … در سنه ۳۸۷
در گذشت و … اموال او سوای مرصع آلات
… درم
… درم
جامه بریده … دست
و جامه بریده و طلا و نقره …
مدت ملکش … عام

عز الدوله
بختیار بن معز الدوله در اخر بجای پدر در بغداد بخت
خلیفه رفت
مدت ملکش … شخص شده

ابو نصر
بن رکن الدوله ابن عمید وزیر را … خانات
او ملک عضد الدوله رونق تمام پیدا کرد
مدت ملکش …
شخص شد

مجد الدوله
ابو طالب رستم بن مجد الدوله بعد از پدر بحکومت
عراق منصوب شد و در سنه ۳۸۸ قابوس بن
وشمگیر بعد از پانزده سال غیبت بر سر مملکت امد و بعد
از پانزده سال دیگر لشکری او را محبوس نمود و ازین …
در گذشت و رتق و فتق مهمات مجد الدوله با مادر
بود و حکومت همدان بشمس الدوله برادرش داد
بعد از آن مادرش فوت شد سلطان محمود
سبکتگین مجد الدوله و پسرش را بگرفت
مدت ملکش … عام

شرف الدوله ابو الفوارس شیرزیل بن عضد الدوله بود و بعد از پدر در سنه ۳۷۶ در کرمان بحکومت نشست و برادرش صمصام الدوله در حضرت خلیفه بود چون بغداد رفت صمصام الدوله را گرفته میل کشید و در قلعه کوهستان محبوس کرد تا در جمادی الآخر سنه ۳۷۹ درگذشت

مدت ملکش ۲ عام ۸ ماه

صمصام الدوله ابو کالنجار مرزبان بن عضد الدوله بعد از برادرش ارکان الدوله او را از قلعه بیرون آورده بپادشاهی نشاندند در سنه ۳۸۵ کشته شد

مدت ملکش نه ماه

قسم ۲۲

از رابع پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

تا حین تحریر این رقعه بعد از ظهور اسلام

در ذکر خلفای بنی عباس

دیلمیان

بقیه گوشوار دیلمی

بهاء الدوله ابو نصر شهنشاه بن عضد الدوله بعد از برادرش در صفر سنه ۳۸۰ بحکومت رسید و قادر بالله خلیفه او را قوام الدوله لقب فرمود و او با سلطان محمود غزنوی صلح کرد و از او دختر خواست و در ربیع الآخر سنه ۴۰۳ باو جان درگذشت مدت ملکش ۲۴ عام و

سلطان الدوله ابو شجاع بن بهاء الدوله بوصیت پدر پادشاهی فارس و کرمان بدو تعلق داشت برادرش قوام الدین بر وی خروج کرد سلطان الدوله غالب شد و قوام الدین بکرمان گریخت و سلطان الدوله در شعبان سنه ۴۱۲ در فارس ... مدت حکمش ... عام و

جلال الدوله ابو علی حسن بن بهاء الدوله بعد از پدر در بغداد برادرش در خدمت خلیفه بود در جمادی الآخر درگذشت مدت حکمش ... عام و ... ماه

مشرف الدوله ... بن بهاء الدوله بعد از قتل برادرش در بصره حاکم بود بعد از ایشان در بغداد امارت یافت خطبه نیکو داشت ... سنه ۴۳۰ درگذشت مدت حکمش ... عام

علاء الدوله عبد الملک ابو کالنجار مرزبان بن سلطان الدوله بعد از پدر در سنه ۴۱۶ در فارس بحکومت نشست عمش جلال الدوله در بغداد امیر بود ابو القاسم بامر الله خلیفه جهت او خلعت فرستاد و در سنه ۴۴۰ درگذشت

مدت حکمش ۲۴ عام

الملک الرحیم ابو نصر عماد الدین بحکم وصیت پدر امارت بغداد بدو تعلق گرفت در سنه ۴۴۷ سلطان طغرل بیگ او را بگرفت و بقلعه طبرک ری فرستاد و آنجا محبوس بود تا درگذشت

مدت حکمش مشخص نشده

الملک

ابو منصور بن عماد الدین بعد از پدر در فارس حاکم بود فضلویه شبانکاره بر او خروج کرده و در سنه ٤٤٨ او را گرفته محبوس کرد و همانجا درگذشت و در سنه ٤٥٨ فارس در تصرف فضلویه در آمد و در عهده برکیارق بن ملکشاه سلجوقی درگذشت و دولت آل بویه سپری شد

مدت حکمش

٩٥ عام

سلجوقیان

بشر شعبه منشعبند و چهارده تن از بعضی از ایران امارت کرده اند و مدت ملکشان ١٦١ عام و از ایشان یازده نفر در کرمان و یازده نفر در روم حکومت کرده اند و مدت حکومت ایشان بر تفصیل است

١٦١ عام

در ایران ١٥٥ عام

١٤ عام

در روم حکومت کرده اند ٢٢٠ عام

در ملک ایران و کرمان حکومت کرده اند ٢٧٠ عام

٣١٣ عام

٢٣

سلاطین فرس

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

قسم چهارم

بعد از ظهور اسلام

قسم دوم در ذکر خلفای بنی عباس

سلجوقیان

سلجوقیه که نسل تغلق تیمور اند

سلطان

طغرل بیک و غیره که در فارس و غیره حکومت کرده اند

سلطان

سلطان

طغرل بیک بن میکائیل سلجوق در سنه ٤٢٩ در نیشابور بر تخت مسعود بنشست و باستخلاص عراق و عجم و آذربایجان و غیره مشغول شد خلیفه باستحضار او اشاره فرمود و در سنه ٤٤٧ عزیمت عراق عرب کرد خلیفه نام او بخطبه و سکه بغداد در آورد و سلطان رکن الدین لقب یافت و در ماه رمضان شهر واسط را بتصرف در آورد و آل بویه را بر انداخت و جمعی کثیر در حران از کشت و در سنه ٤٥٣ الب ارسلان پسر برادرش را بجای او فرستاد و خلیفه دختر خود را باو داد و در هشتم رمضان سنه ٤٥٥ بعلت رعاف درگذشت و دختر خلیفه بمهر بکارت بخانه پدر آمد

مدت ملکش

٢٦ عام

الب ارسلان چون بجای پدر بنشست القائم بامر الله او را سلطان عضد الدین برهان امیر المؤمنین لقب داد و حسن صباح مصاحب سلطان شد و خواجه نظام الملک وزیر و میان او و حسن صباح عداوت بود چون قایم بعهد حسن صباح مداخل و مخارج ممالک را در چهل روز متعهد شده نوشت و در کاغذ را خواجه باد و اتدار او مصاحب شده دفتر حسن را از روز عرض بر یکدیگر زده و اتدار دفتر را بسته حسن در حضور سلطان مضطرب شده خواجه بعرض رسانید که این شخص دیوانه است سلطان حسن را اخراج کرد و سلطان بر دست یوسف کوتوال کشته شد

مدت ملکش

١٠ عام

سلطان

ملکشاه بن الب ارسلان بسعی خواجه نظام الملک
پادشاه شد در سنه ۴۶۵ تکش برادرش برو
عاصی شد سلطان او را بدست آورده میل
کشید و در سنه ۴۷۱ سمرقند را محاصره کرد
سلیمان خان را بگرفت و درین سفر ترکان خاتون
بنت طمغاج خان را بخواست و در سنه ۱۱ ۴
خواجه نظام الملک را عزل کرده ازین حرکت
خلل در ملک سلطان پدید شد نظام الملک را
در صحبت فدائی حسن ملحد در دار الخلافه سلطان
جلال الدوله معز الدین ملکشاه یمین امیر المومنین
لقب یافت و در اصفهان درگذشت
مدت حکمش

سلطان

جلال الدین برکیارق بن ملکشاه بعد از پدر بر
سریر پادشاهی نشست وزارت بموید الملک
بن نظام الملک داد و از دار الخلافه او را
رکن الدین قسیم امیر المومنین لقب داد سلطان
برکیارق در صفر سنه ۴۸۶ در حدود همدان
با عمش تکش جنگ کرد و مظفر شد و عمش را گرفته
در قلعه تکریت محبوس ساخت و از همانجا بمنزل
فنا رسید و درین سال فرنکان بیت المقدس را
گرفته هفتاد هزار مسلمان را شهید کردند و سلطان
در روز دهم شهر ربیع الثانی سنه ۴۹۸
در یزدجرد درگذشت
مدت ملکش

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند
باب چهارم [illegible] بعد از ظهور اسلام
[illegible] در ذکر خلفای بنی عباس
سلجوقیه

سلطان

محمد بن ملکشاه بعد از برادر بجنگ زنادقه رفته
ایشان را بدست و بخدمت خلیفه او را مستظهر خلیفه
او را سلطان غیاث الدین محمد قسیم امیر المومنین
لقب کرد و از آنجا بهندوستان بغزا رفته جنگها
ساخت کرد و بتی که بهترشان بود از بتخانها بیرون
آورد و قریب بده هزار من بود از سنگ هندوان زر
برابر بر وار بدو دادند قبول نکرده گفت مردم
از بت تراش میگویند مرا محمد بت فروش
خواهند گفت و آن بت را باصفهان آورده جهت
خواری و استخفاف در آستانه مدرسه که خوابگاه
او بود انداخت و امروز همچنان هست و در
شهر ذی حجه سنه ۵۱۱ درگذشت
مدت ملکش

سلطان

سنجر بن ملکشاه در عهد برادران حاکم
خراسان بود بعد از ایشان چهل و دو سال
سلطنت کرد و خلیفه او را برهان امیر المومنین
لقب داد و الده سلطان در سنه ۵۱۰
بعالم بقا پیوست و سلطان سنجر در غزه شهر
ربیع الاول سنه ۵۵۲ رحلت نمود
مدت حکمش

سلطان

محمود بن محمد بن ملکشاه بعد از پدر بر سریر حکومت
نشست و با عم خود جنگ کرده بصلح انجامید
خلیفه او را سلطان غیاث الدین محمود یمین امیر
المومنین لقب کرد و در سنه ۵۱۴ سلطان مسعود
برادرش بظاهر همدان با او مصاف کرده منهزم
بگرگان رفت و در شهر صفر سنه ۵۱۵ بری آمد
مسترشد خلیفه با او بد شد و در ماه شهر شوال سنه ۵۲۵
درگذشت
مدت حکمش [illegible] عام

سلطان

طغرل بن محمد بن ملکشاه بعد از برادر بپادشاهی رسید
عم بحکومت نشست مسترشد خلیفه او را رکن الدین طغرل
یمین امیر المومنین لقب داد و در همدان در سنه ۵۲۸
درگذشت
مدت حکمش [illegible] عام

سلطان

مسعود بن محمد بن ملکشاه بعد از برادرش بحکومت
نشست مقتفی خلیفه او را سلطان غیاث الدین مسعود
قسیم امیر المومنین لقب داد و او را [illegible] لشکر کشیده
بجنگ آمد در سنه ۵۴۱ در همدان جنگ کرده قتل بسیار
واقع شده عاقبت او را اسیر و کشته شد و او در
غره شهر رجب سنه ۵۴۷ در همدان درگذشت
مدت حکمش [illegible] عام

سلطان

ملکشاه بن طغرل بن محمود بعد از عم حکومت باو
داد و از دار الخلافه مغیث الدین ملکشاه یمین
امیر المومنین لقب یافت و او بلهو و لعب و طرب
مایل بود
مدت حکمش [illegible] عام

[illegible] پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

صنف ۱۲

[illegible] بعد از ظهور اسلام

[illegible] در ذکر خلفای بنی عباس

سلجوقیان

طغرل بک و غیره

سلطان

محمد بن محمود بعد از برادر بپادشاهی نشست در [illegible]
همدان حاجنگ بکناری و او را [illegible] آورده و از
دار الخلافه سلطان غیاث الدین محمد قسیم امیر المومنین
لقب یافت و در ذی حجه سنه ۵۵۴ درگذشت
مدت حکمش [illegible] ماه

سلطان

طغان شاه بن طغرل بک بعد از عم پادشاه شد
از دار الخلافه لقب او سلطان رکن الدین ارسلان
قسیم امیر المومنین دادند و او دختر خلیفه کرمان
و [illegible] فاطمه دختر علاء الدوله را در نکاح آورد
و در ۱۵ جمادی الآخر سنه ۵۷۱ درگذشت
مدت حکمش

سلطان

سلیمان شاه بن محمد [illegible] موقوف کرده بازو [illegible]
[illegible] امرا [illegible] از موصل آورده پادشاهی او دادند و بعد از
ششماه معزول و محبوس گشت و در سنه [illegible]
درگذشت و لقب او در دار الخلافه سلطان معز الدین
سلیمان شاه برهان امیر المومنین بود
مدت ملکش ۷ ماه

سلطان

طغرل بن ارسلان بعد از پدر پادشاه شد از دار الخلافه
او را سلطان رکن الدین طغرل قسیم امیر المومنین
لقب فرمودند و پادشاهی خوب صورت نیکو سیرت صاحب
شوکت بود اشعار نیکو دارد و در سنه ۵۸۱ هفت کوکب در
[illegible] هوایی بود منجمان حکم کردند که در این سال عالم را
خراب کند و انوری نیز گفته بود [illegible] باد باشد و در همان
سال چنگیز خان بر قوم سروری یافت [illegible] در این سال اتابک محمد
در ایران درگذشت و قزل ارسلان در همدان سلطان طغرل را
با پسرش گرفته در قلعه [illegible] محبوس کرد و حکومت
بر قزل ارسلان قرار گرفت و بعد از آن [illegible]
[illegible] در آمد
مدت حکمش [illegible] عام

در
ملک ابن جعفر ... و غیره که در کرمان حکومت کرده اند

[illegible] عام

ملک ابن جعفر ... بن میکائیل در سنه ۴۳۳ حاکم کرمان را گشت و در سنه ۴۵۰ شیراز را ستد و دیالمه کوتاه کردانید و در سنه ۴۶۵ در جنگ ملکشاه بن ارسلان اسیر و مسموم گشت

مدت حکمش

در توران ... و غیره [illegible] عام

ایرانشاه بن توران ... و برادرش ... صه عام

ارسلانشاه بن کرمانشاه ... محمد شاه بن بهرامشاه ... عام

ارسلانشاه ... مبارک ... و بهرامشاه و تورانشاه و ملکشاه و ... و غیره

[illegible] عام

[illegible] عام

[illegible] عام

۲۶

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

۱۳

صنف ... شانزده بچهار دفعه بعد از ظهور اسلام

... در ذکر خلفای بنی عباس

خوارزمشاهیه ... تمد کوشوار ...

اول ایشان نوشتکین عضد غلام ملکاپک و ملکاپک مملوک سلطان ملکشاه سلجوقی بود نوشتکین ترک نژاد بود سلطان ملکشاه بعد از ملکاپک جای او بنوشتکین داد در آن وقت خارزم در قبضه طشت خار بود و او طشت دار ... خوارزم با و تعلق گرفت و پسرش محمد بن نوشتکین از زمان برکیارق حاکم خارزم و بخوارزمشاه ملقب شد و در سنه ۴۹۱ در خدمتکاری و چاکری سلجوقیان مبالغه ...

[illegible] عام

خوارزمشاه اتسز بن محمد بن نوشتکین بعد از پدر بفرمان سنجر خوارزمشاهی لقب یافت و در سنه ۵۲۲ نام سلجوقیان از خطبه می‌انداخت

مدت حکمش

خوارزمشاه ارسلان بن اتسز چون بپادشاهی نشست ... اعلک و بعضی امرا را معزول کرد و ... کشت و در ۹ شهر رجب سنه ۵۶۸ درگذشت

مدت حکمش

[illegible] عام

... جلال الدین ... [illegible]

خوارزمشاه سلطانشاه بن ایل ارسلان بحکم وصیت پدر پادشاه شد چون کودک بود ملکه ترکان مدبر او بود و در سلخ شهر رمضان درگذشت

مدت حکمش

خوارزمشاه تکش خان بن ایل ارسلان بعد از انهدام برادر در ۱۲ شهر ربیع الآخر سنه ۵۶۸ بپادشاهی نشست و در ۱۹ شهر رمضان سنه ۵۹۶ نماند

مدت حکمش

[illegible] عام

[illegible] عام

سلطان

قطب الدین محمد بن تکش خان بعد از پدر پادشاهی
بدو تعلق گرفت و در سنه ۶۰۰ در نیشابور زلزله عظیمی شد
چنانچه تا ده ماه بود و از عمارات اثر نماند و در جای
دیگر بنای شهر کردند بعد از شصت و چهار سال در سنه ۶۶۵ [?]
آنجا را نیز زلزله خراب کرد بگوشه دیگر شهر بنا کرد و در سلطان را
ظل الله فی الارضین لقب کردند با چنگیز خان مخالفت
کرده در جزیره آبسکون در سنه ۶۱۷ [?] درگذشت
او را همانجا دفن کردند در اواخر مغول او را از گور در آورده
سوختند
مدت حکمش

رکن الدین غور وغیره

سلطان

رکن الدین غور سانجی بحکم پدر سلطنت عراق مفوض
بود مغول او را در قلعه گرفته محاصره نموده بعد از او
و در سنه ۶۱۹ با کسانش شهید کردند و انتقال در
سنه ۶۳۹ بود مدت حکمش

سلطان

جلال الدین منکبرنی بعد از پدر بخوارزم رفت امرای
خوارزم بد التفاتی کردند سلطان جلال الدین را جای
توقف نمانده عزیمت غزنین کرد با لشکر چنگیز خان هفت
مرتبه محاربه کرد و در آن همه او مظفر بود با چنگیز خان خود
بجنگ او رفت و در شوال سنه ۶۱۸ بکنار آب سند
جنگ کردند لشکر چنگیز خان مظفر گشت بکشتی از آب
سند گذر کرده بدیار هند رفت لشکر او جمع
گشته اکثر هند را بگرفت و از آنجا بعد از فتح
با لشکر عرب جنگ کرده مظفر شد و در اواخر بدست
گرفتار و کشته شد

ذوالفقار
نورالدین منشی از اعاظم کتاب حال جلال الدین [illegible]

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند
باب چهارم بعد از ظهور اسلام
در دور خلفای بنی عباس

تتمه خوارزمیه

اتابکان

که در شام و دیار بکر و فارس به موجب حکومت کرده اند
که در شام و دیار بکر حکومت کرده با ایران نیامده اند
که در ایران حکومت کرده اند

اتابک

سنقر بن مودود در عهد سلطان مسعود
در سنه ۵۴۳ ملک فارس را مسخر کرده در سنه ۵۵۰
درگذشت
مدت حکمش

اتابک

زنگی بن مودود بعد از برادر غزاد کاس شاه زاده
ملک فارس داشتند زنگی ایشان را مقهور
کرده ملک برو قرار گرفت و در سنه ۵۷۰ درگذشت
مدت حکمش

اتابک

تکله بن زنگی بعد از پدر پادشاه شد و در
سنه ۵۹۰ درگذشت
مدت حکمش

اتابک

طغرل بن سنقر بعد از عم زاده حکومت
برو تعلق گرفت و در سنه ۵۹۹ بدست
سعد بن زنگی کشته شد
مدت حکمش

لا
سعد بن زنگی بعد از ظفر بر طغرل پادشاهی بر و قرار
گرفت و در ایام او قحط و وبای عظیم پیدا شد
و در سنه ۶۱۳ هوس عراق کرده بر سلطان محمد
خوارزمشاه اسیر گشت با او صلح کرده بفارس
رفت پسرش اراده نمود که او را راه ندهد مردم
شهر او را بشهر برده ابوبکر پسر خود را محبوس کرده
تا سلطان جلال الدین از هند مراجعت و او را
خلاص کرد و در سنه ۶۱۸ درگذشت
مدت حکمش

سعد بن زنگی از وزرا
بیست و هشت سال
عام

لا
ابوبکر بن سعد بن زنگی بعد از پدر بپادشاهی نشست
عادل و خیرخواه و بزرگ منش بود و علما و فضلا را
دوست داشت کیش و بحرین و لحصا را مسخر کرد
و بسیار بقاع خیر بساخت و بر ابر شیخ عبد الله
خفیف و فقها کرد و در جمادی الاول سنه ۶۵۸
درگذشت
مدت حکمش

ملک سعد بن طغرل بن ...
از اولاد سلغر بن ...
سلغر ... فارس ...
اتابک مظفر الدین ... بود ...
نیکو و ... از ... و فخر الدین ...
فارس ... عام

لا
سعد بن ابوبکر بعد از پدر بپادشاهی بر و تعلق گرفت
و او رنجور بود تا درگذشت
مدت حکمش

عام

لا
محمد بن سعد زنگی از پدر و جد بپادشاهی نام او مقرر
شد چون او کوچک بود مادرش ترکان خاتون مدبر
ملک گشت دو سال و هفت ماه بر منوال بود و در
ذیحجه سنه ۶۶۰ قبل از بلوغ درگذشت
مدت حکمش
دو عام و ...
... ماه

ازتابعین پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند
فصل
مائه چهارده بعد از ظهور اسلام
۱۳
در ذکر خلفای بنی عباس

لا
تتمه کوسوار ...

لا
محمد شاه و غیره
... عام و یکماه

لا
محمد شاه بن سلغر شاه بعد از پسر عمزاده بپادشاهی
نشست ترکان خاتون در رمضان سنه ۶۶۱
با او حرب ... او را اسیر کرده بنزد قاآن فرستاد
مدت ملکش ... ماه

لا
سلجوق شاه بن سلغر شاه بانتقام برادر بجنگ
ترکان خاتون رفت و بر ملک فارس مستولی شد
ترکان خاتون پناه بهلاکو خان برد و لشکر
مغول آمد و ترکان خاتون بکمک سلجوق شاه رفتند
بعد از محاربه از ایشان منهزم شد امیر معز الدین
مسعود در الحال شیراز را از دست مغول نگاه داشت
و در صفر سنه ۶۶۳ سلجوق شاه بر دست مغول
اسیر و مقتول شد
مدت حکمش ... ماه
... عام

لا
آبش خاتون بنت سعد بن ابوبکر بعد از عمزاده
بجای مادرش ترکان خاتون بپادشاهی فارس بود
یکسال در فارس بود بعد از آن او را بحباله شاهزاده
منکوتمور بن هلاکو خان بخواستند و فارس در
تصرف مغول آمد
مدت ملکش

سلغریان
بعضی در مصر و شام و بعضی در ایران حکومت کرده اند چون مطلب از این نسخه احوال ایرانست
لهذا آنچه در مصر و شام حکومت کرده با ایران نیامده اند از حشو وضع میشود
... عام
... در مصر و شام و حلب حکومت کرده با ایران نیامده اند
... عام
... در ایران حکومت کرده اند
... عام

صباح

صباح بن علی در اول اثنی عشری و بعد از معزولی
در سنه ۴۷۱ بشام رفت و مدتی آنجا بود و از
آنجا باصفهان آمد و از اصفهان در سنه ۴۸۶ بقلعه
الموت رفته جمعی کثیر بمتابعت او در آمدند و در
چهارشنبه ۶ شهر ربیع الاول سنه ۵۱۸ بسقر
پیوست
مدت ملکش
لد عام
و ۲ ماه و ۲۰ روز

بزرگ
امید وغیره
الموت
بزرگ
امید رودباری بر جای او نشسته برادر ...
حسن اصرار نمود و در ۲۶ شهر رجب ۵۳۲ بجهنم
رفت
مدت ملکش لد عام

محمد
بزرگ امید و ولیعهد پدر بود و او نیز مذهب
ملاحده داشت در ۳ ربیع الاول سنه ۵۵۷
بجهنم رفت
مدت ملکش له عام

حسن
وغیره
الموت
حسن بن محمد بعد از پدر بحکومت نشست
مدت حکمش له عام

جلال
جلال الدین حسن بن محمد بعد از پدرش پادشاه
شد و او امر و نواهی شرع را رواج داد
و او را مسلمان خواندند کتب حسن و دیگر
ملاحده را سوخت مادر خود را در سنه ۶۰۷ بحج فرستاد و در ماه رمضان با سهال در
گذشت
مدت حکمش
له عام

علاء
محمد بن حسن بعد از پدر بر مسند شاهی نشست
و ملاحده در زمان او خیره نهار گشتند و در
ربیع الاول سنه ۶۵۳ بدوزخ شتافت
مدت ملکش
لد عام

ملوک ایران
از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند
۱۶
طبقه ها که چهار دفعه بعد از ظهور اسلام
و ملوک در خلفای بنی عباس
اسمعیلیه

تتمه کوشوار ذیل

خورشاه
جلال
جلال الدین محمد بن جلال الدین چون پدرش در
گذشت سه ساله بود ترک مسلمانی کرده بجانب ملحدین
و الحاد در زمان او قوت گرفت حسن نام شخصی
منظور او بود تا ریش او سفید شد با او لواط
میکرد و یکی از سرای خود بدو داد و در حضور زنان
و شوهر با هر کدام خواستی مباشرت کردی حسن
کین او در دل داشت در سر کوه چون مست
بخفت او را در سلخ شوال سنه ۶۵۳ بجهنم فرستاد
مدت حکمش
عام

رکن الدین خورشاه بن علاء الدین بعد از
پدر پادشاه شد و حسن را با فرزندان بخون پدر
بکشت و هلاکو خان بجنگ او رفت و تاب مقاومت
نیاورده فرار نمود و در سنه ۶۵۴ هلاکو خان فرمود
تا قلاع ملاحده را خراب کردند و دولت
اسمعیلیان باخر رسید
مدت حکمش
عام

سلاطین
قراختائیه که در کرمان حکومت کرده اند
عام

براق
براق حاجب از امراء قورخان قراختائی برادرش
بامنکو امیر الوس بود و از دار الخلافه قتلغ سلطان
لقب یافت و امرا سلطان جلال الدین محمد یافت
و در سنه ۶۳۲ وفات یافت
مدت حکمش
عام

قطب
رکن الدین مبارز بحکم یرلیغ اوکتای قاان پادشاه
شد و در سنه ۶۵۰ بحکم یرلیغ منکو قاان عزلت
یافت
مدت حکمش
عام

سلطان سلطان

قطب الدین بفرمان منکوقاان بسلطنت کرمان رسیده و در سنهٔ ۶۵۵ درگذشت

مدت حکمش

حجاج بن قطب الدین بعد از پدر بحکم ارث و فرمان منکوقاان پادشاهی کرمان مر و تعلق گرفت و چون کودک بود قتلغ ترکان منکوجه پدرش مدبر کار او گشت

مدت حکمش عا عام

۷ عام

قتلغ سلطان

و غیره

نصرت

لک عا عام

قتلغ سلطان

بعد از سلطان حجاج فرمان جلال الدین سیورغتمش رواشد

مدت حکمش

بحکم ابغا ارغون خان بسلطنت کرمان رسید و در سنهٔ ۶۹۱ معزول گشت

مدت حکمش لـ عام

۳ عام

سلطان

محمد شاه بن حجاج در سنهٔ ۶۹۸ بسلطنت کرمان نامزد شد و وزارت بقاضی فخر الدین هروی داد و او در سنهٔ ۷۰۳ بافراط شراب درگذشت

مدت حکمش

۶ عام

سلطان

خواتون بن قطب الدین

مدت حکمش

قطب الدین شاه جهان بعد از غزاده بسلطنت کرمان رسید

مدت حکمش ۶ عام

۶ عام

که چند سال و چند طایفه و هر طایفه چند نفر در ایام خلفای مذکور در ایران فرمان روا بوده و خلاف خلفا به جهت ... اینها ... در ایران حکومت کرده خلفا دخل داده اند

مدت ... عام ... ماه

جنگیز خان و اولاد او

الکا ... عام

... ماه

۶۷

فصل

از سلاطین پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

قسم

ثانی بحیار دفعه بعد از ظهور اسلام

در ذکر خلفای بنی عباس

العباسیه

و غیره

السفاح المنصور

ابو العباس عبد الله بن محمد بن علی ابن عباس است در روز ادینه ۱۳ ربیع الثانی سنه ۱۳۲ با او بیعت کردند فصیح اللسان و بلند بالا و کریم اخلاق بود چون بخلافت نشست رو بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را بخواب دید و ابو جعفر برادر خود را بجنگ یزید بن هبیره بواسط فرستاد که از قبل مروان حاکم بود ابو جعفر کار او بساخت و سرش برادر امد سفاح او را ولیعهد ساخت و بحران فرستاد تا از کار ابو مسلم واقف شده بیعت ستاند ابو جعفر اهل خراسان را در جمیع امور مطیع ابو مسلم دید با او مواضع درامد و وزارت بخالد برمکی داد و سفاح در ۱۳ ذیحجه درگذشت در جزیره عمارات خاطر ساخته در انجا مدفون است

مدت خلافتش

ابو جعفر عبد الله محمد بن علی اورا ابو دوانیق خواندندی ابو مسلم را طلب داشت و بر ابو مسلم مانع شد او قبول نکرده بدرگاه خلافت رفت خلیفه او را طلب داشت ابو مسلم را بتیغ از دو سند و بقتل رسانید و در سنه ۱۵۰ شهر بغداد را بنا کرده خواست عمارت کسری را خراب کند سلیمان بن خالد برمکی را بدان وزیر قضاه بر... عرض کرده قبول نکرده او را محبوس ساختند و در زمان حبس فوت شد

مدت خلافتش

حسن ... جعفر صادق علیه السلام ... دوم ... ابو ... لکن ... ماه

اول وزیر او خالد برمکی و بعد از ان ربیع ابن یونس و بعد ازان ... بن ...

لـ عام

... ماه

عام ... ماه

لعه عام و

لعه ماه

المهدی

بالله ابو عبدالله بن محمد چون پدرش درگذشت با او
بیعت کردند ضمیر نیکو خلق بود تا ... زندانیان را
خلاص کرده و با خویشان نیکویی کرده معاش ایشان را
فراخ گردانید و در حق اولاد صحابه از مهاجر و انصار
انعامات فرمود در عهد او نخشبی با نخشب لباس خدو خلق بسیار
بدو گروید مهدی فرمود تا او را تعاقب ... در فرو انجا ل
سنه ۱۶۳ ... و در روز پنجشنبه ۲۲ ... ۱۶۹ مسموم شد
مدت خلافتش

الهادی

ابو محمد موسی بن مهدی منصور بعد از پدر بحکم وصیت خلافت وی
بدو تعلق گرفت و او در گرگان بود صالح بن عبدالقدوس و عبدالله
داود عم‌زاده سفاح و عبدالله هاشمی خواستند نقض قرآن
انشا کنند ابن المقفع که افصح فصحا و اعلم علمای آن عهد
نشسته و بدین کار رنج برد و کنجاره از ستوده کرده
و یک کلمه نتوانست کرد هادی از حالات ایشان واقف شد و
تمامی را کشت و هادی در ربیع الاول سنه ۱۶ ۷
وفات کرد
مدت خلافتش

[illegible]

هو

۳۱

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند

صنف ۱۹

پادشاهان بعد از ظهور اسلام

در ذکر خلفای بنی عباس ۱۶

ابو جعفر هارون و غیره

الرشید

ابو جعفر هارون بن مهدی همان شب که برادرش بمرد با او
بیعت کردند چون بخلافت نشست وزارت به یحیی برمکی داد
و او را پدر خواند و کار یحیی در دولت هارون بمرتبه رسید
که وزارت در چشم او حقیر نمودی هارون مذهب مالک داشت
بر نماز و روزه نافله مداومت نمودی و هر روز هزار درم از
مال خود صدقه دادی چون قافله حج میرفت صد مرد فقیر را
از مال خود راحله دادی و بعد از چند مدت آل برمک را
بتجربه جنایتی که با عباسه خواهرش شد برانداخت و بعد از
آنکه وزارت بفضل بن ربیع داد این حرکات هارون
مبارک نبود چنانکه نهال سعادت را برانداخت منتقم حقیقی نهال
عمر او را برانداخت و او در شهر طوس در شب سه‌شنبه ۳ جمادی
الآخر سنه ۱۹۳ درگذشت و در آنجا که مشهد امام ثامن ضامن علیه السلام است
دفن کردند مدت خلافتش

الامین

محمد بن هارون بن مهدی بعد از هارون الرشید در بغداد
خلافت بروی مقرر شد از بنی عباس هیچکس را غیر او مادر
و پدر عباسی نبود او در زمان مبلغی تمام در اسباب ملاهی
فراخ اختراع او نمود ... پسر خود موسی را ولیعهد کرده الناطق
بالله لقب داد و درس ... غلام طاهر محمد امین را کشت و در
خامس محرم سنه ۱۹۸ چون خبر قتل امین به برادرش رسید ... داد
گفت لعن الله اللجاج چون معنی این سخن را از او پرسیدند
گفت روزی هارون خواستی با من مباشرت کند او را از خود
منع کردم الحاح و لجاج بسیار از طرفین واقع شد او را
از غلبه شهوت شب کنیزک حبشیه رفت و او با مامون
حامله و سبب هلاک فرزند من امین شد
مدت خلافتش

[illegible]

المأمون | المعتصم

ابو العباس عبد الله بن هارون مامون را از علویان را
سهل بر ان داشت تا حضرت امام ثامن ضامن علیه السلام را
ولیعهد کرد و دختر خود زینب را به او داد و شعار سیاه
عباسیان را بستر علویان سهیل کرد و بامتنه علویان افزود
شنیده و در بغداد بنی عباس ازین حرکت مامون را
خلع کردند و خلافت با ابراهیم بن مهدی عمش دادند و در
شهر ذیحجه سنه ۲۰۳ مامون به بغداد رفت ابراهیم را خلع کرد
و هم درین سال بابک خرم دین خروج کرد که استغفار کرد مامون
محمد بن حمید طوسی را بجنگ او فرستاد و بابک او را
بکشت و کار بابک قوت گرفت مامون پیش از آنکه
تدارک کند در ۱۷ شهر رجب سنه ۲۱۸ بجهنم واصل شد
مدت خلافتش

بیست عام

محمد بن اسحق بن هارون الرشید بعد از مامون بر تخت
نشست و او بخریدن غلام میل تمام داشت و ترکان را ای
که بسامره اشتهار دارد بنا کرد و قبل از بنا سام بن نوح
انموضع را شهر کرده خراب شده بود تجدید بنا شهر کرد
بابک بر او خروج کرد و آخر الامر گرفتار شد عدد مقتولان
بابک که دران خروج کشته بودند سه هزار هزار بود
و در سنه ۲۲۳ بابک و برادرش را کشتند معتصم را خلیفه
مثمن میگفتند بجهة آنکه هشتمین آل عباس بود و هشت فتح نمود
و هشت نفر از ملوک زادگان عجم در خدمت او بودند و
هشت عام و هشت یوم عمر یافت و هشت پسر و هشت دختر
داشت و متروکات او هشت هزار هزار درهم سیم
و هجده هزار هزار دینار طلا و هشتاد هزار اسب از او
باز ماند و هشت هزار غلام و هشت هزار کنیزک داشت و هشت
هزار قصر بنا کرد و در سنه ۲۲۷ در گذشت
مدت خلافتش

نه عام

هو

۳۲
از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

۱۹
صنف
باب چهارم دفعه بعد از ظهور اسلام

۱۷
در ذکر خلفای بنی عباس

الواثق بالله

الواثق بالله | المتوکل

هارون بن معتصم او مذهب اعتزال و صلی و علماء را اجر
داشتی در ایام او احمد بن نصر خروج کرده بقتل رسید و در سخاوت
هیچیک از خلفا مثل او نبودند در ایام او در مکه معظمه و مدینه
مشرفه درویشی نامز روزی درویشی صد هزار درم طلبید
گفت بدهند درویش چون آن هدیه قبول نکرد خلیفه
او را طلب نمود از سبب قبول نکردن پرسید درویش
گفت مناجات کردم که الهی هیچیک از حکام صد هزار درم
بکسی نمیدهند جواب شنیدم که پیش خلیفه برو حاجت میشود
نمودم خلیفه فرمود مضاعف آن بشکرانه صدقه دادند
و از کثرت اکل بمرض استسقا در گذشت
مدت خلافتش

پنج عام و نه ماه

علی الله ابو الفضل جعفر بن معتصم بعد از الواثق
خلافت بر او قرار گرفت و در سنه ۲۳۵ فرمان داد که ارباب
ذمه زنار ببندند و دران زمان سیزده قریه از
قرای قزوین بزمین فرو رفت در سنه ۲۴۲ در دامغان
زلزله واقع شد که نصف عمارات آن شهر خراب شد
و در ری و جرجان و نیشابور و اصفهان همین حادثه روی نمود
و در ولایت یمن مرغی از جایی بجایی افتاد و دیگر در
خوزستان شخصی وفات یافت و مرغی در آنجا نزول کرده
بزبان خوزی گفت که خدای تعالی این میت را که در چهل سال
حاضر گشته بیامرزد و درین سال متوکل فرمود تا قبر مبارک
منور حضرت امام حسین علیه السلام را با شهدای کربلا هموار
کردند و در سنه ۲۴۹ بدست غلام خود باقر ترک کشته شد
مدت خلافتش

چهارده عام و نه ماه و ... روز

المستنصر بالله

و عشره

لغرات ... عام و ۶ ماه

ابو جعفر محمد بن المتوکل چون بعد از پدر بر تخت خلافت

نشست بدوم را رخصت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلم

داده علویان را ایمن گردانید

مدت خلافتش

۶ ماه

المستعین بالله

ابو العباس احمد بن المعتصم بعد از فوت منتصر بالله

بر مسند خلافت قرار گرفت امرای ترک با مستعین بیعت

کردند و در سنه ۲۵۰ یحیی بن عمر بن یحیی بن زید العلوی

در کوفه خروج کرده کشته شد و در صفر سنه ۲۵۱

وصیف و بوقا با قرار گشتند و از جمعی از اتراک

از او برگشته او را خلع کرده در راه مکه معظمه بقتل رسانیدند

مدت خلافتش

شیخ ابو علی احمد ... [illegible]

... عام و ... ماه

المعتز بالله

محمد بن جعفر چون بخلافت نشست احمد بن اسرائیل که در خلع

مستعین سعی بلیغ نموده بود وزیر کرده شنید که ترکان اراده

دارند که مؤید و موفق را از قید نجات داده با او بیعت کنند

فرمان داد که تا آن بیچاره را دست و پا بسته میان برف

و آب برآن بریختند تا جان بداد آنگاه پوستین سمور

بر او پوشانیده فریاد بر آورد که برادرم بمرگ طبیعی درگذشت

و موفق را به بصره فرستاده محبوس گردانید ترکان

وصیف و بوقا را کشتند صالح بن وصیف و محمد بن بوقا

جمعی را با خود متفق ساخته با معتز را گرفته از تخت بزیر آورده او را

از خلافت خلع کردند و آب و نان در زندان از او باز گرفتند

تا از تشنگی و گرسنگی بمرد

مدت خلافتش

خروج امام حسن علی النقی علیه السلام در زمان او [illegible]

... عام و ۶ ماه

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

باب چهارم در ... بعد از ظهور اسلام

در ذکر خلفای بنی عباس

المهتدی بالله

و عیره

ابو عبدالله محمد بن الواثق چون بخلافت نشست روش عمر

عبدالعزیز پیش گرفت و امر معروف و نهی منکر شعار خود ساخت و اوانی

ذهب و فضه را شکسته مسکوک کردند و صورتها که بر بساط و فرش

بود محو کردند و ... شرعی اهتمام داشتند و سباع ضاره

که خلفا در زنجیر کشیده بودند بقتل رسانیدند بعد از او

او در صنادیق ... و جامه پشمین بود در ... پوشیده

قتل در کردن بعبادت اشتغال نمودی

مدت خلافتش

... عام و ... ماه

المعتمد علی الله

علی الله احمد بن جعفر المتوکل چون بخلافت نشست ملک و ملت را

رواج و رونق پدید آمد و صاحب الزنج در عهد او خروج

کرده بقتل رسید و معتمد جشنی ترتیب داده خود را

از خلافت خلع و معتضد برادرزاده خود را ولیعهد ساخته

مدت خلافتش

شیخ ابو ... [illegible]

شیخ ابو الحسن ... [illegible]

شیخ محمد بن اسمعیل ... [illegible]

شیخ ابو محمد عبدالله ... [illegible]

وزیر او ... عبدالله بن خاقان ... وزارت داد

یعقوب ابن لیث صفار ... خروج کرد ... [illegible]

... عام

المعتضد بالله — المکتفی بالله

ابو العباس احمد بن الموفق چون بخلافت نشست فتنها تسکین یافته و ولایات معمور گشت و در سنه ۲۸۰ اراده نمود خطبا بر منابر لعن بنی امیه کنند و در آن شش نکته اشنت و در سنه ۲۸۳ شخصی بصورت مختلف در قصر خلافت معتضد ظاهر میشد گاهی بمحاسن سفید و گاهی بصورت جوانی خوبروی و هیچکس آن را ندانست و در ربیع الاخر سنه ۲۹۰ در گذشت

مدت خلافتش

علی بن احمد بن المعتضد چون بخلافت نشست فرمان داد که مکانها که معتضد بجهة تعدی ساخته بود ویران کرده بجای او مساجد بنا کردند و در عهد او صاحب الشامه خروج کرده اکثر ولایات را بگرفت و قتل عام کرد مکتفی خود بحرب او رفته با پانصد نفر از متابعان بدست آورده با تقریر بکشت و صاحب الشامه را به بغداد آورده دست و پا جدا ساخت و در سنه ۲۹۵ در گذشت

مدت خلافتش

شیخ ابو الحسین علی بن سهل اصفهانی و شیخ ابو بکر احمد بن نصر دقاق بغدادی و شیخ ابو بکر ... معاصر او بوده اند

عمرو بن لیث در عهد دولت او بدار الاماره ... گرفتار شد
معتضد احمد سامانی را امر فرموده او را بگرفت ...
دولت آل سامانی قوی گردید

نه عام و
نه ماه

نه عام و
نه ماه و
... ایام

قسم ... از تاریخ پادشاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده اند
صنف ... مالک چهار دفعه بعد از ظهور اسلام
... در ذکر خلفای بنی عباس

المقتدر بالله

وغیره

المقتدر بالله — القاهر بالله

ابو الفضل جعفر بن احمد بخلافت نشست منصور حلاج را بقتل رسانیده جسد او را بسوخت و در سنه ۳۱۷ جمعی از او شوریده خلع او را بخلافت متمکن و بعد از آن در جنگ مونس گشته شد

مدت خلافتش

ابو منصور محمد بن المعتضد چون بخلافت نشست ابن مقله را از فارس طلبیده وزارت داد و مادر مقتدر که مستغنی بود بمحصلان سپرد که او را شکنجه کنند از دار او ریخته آنچه داشت از وی گرفت و از این معنی باعث نفرت جماعت بزرگان شده او را گرفته میل کشیدند و بعد از این حادثه سال بهار زنده ...

مدت خلافتش

شیخ ابو ... نعمان و شیخ جنید بغدادی و شیخ ... و شیخ ابو العباس بن ... محمد بن اسمعیل مغربی و شیخ ابو العباس احمد ... و شیخ ابو بکر شبلی و شیخ ابو العباس ... و شیخ ... شجاع کرمانی و شیخ حسین منصور حلاج و شیخ ابو محمد بغدادی و شیخ ابو الحسین ... و شیخ مظفر ... و شیخ ابو ... معاصر او بوده اند

شیخ ابو بکر محمد بن علی ... معاصر او بود

... عام و
... ماه و
... ایام

... عام و
... ایام

الراضی بالله — المتقی بالله

ابو العباس محمد بن مقتدر در وقت خلع قاهر در زندان بود چون بخلافت نشست ابن مقله را از کنج اختفا بیرون اورده وزیر کرد و بعد از مدتی باز خیانتی که ازو صادر شده دست او را قطع کرد و در سنه ۳۲۹ بعلت استسقا درگذشت

مدت خلافتش

ابو اسحق ابراهیم بن مقتدر در ایام خلافتش توزان او را میل کشیده از خلافت قطع کرده و بعد از ان بیست و پنج سال زنده بود

مدت خلافتش

شیخ ابو محمد مرتعش نیشابوری [illegible]

شیخ ابو الحسن البغدادی [illegible]

شیخ ابو الحسن [illegible] و شیخ ابو عبد الله [illegible]

و شیخ ابو بکر عبد الله الطالکانی [illegible]

۷ عام و [illegible] ماه

۷ عام و [illegible] ماه

المستکفی بالله

المستکفی بالله — المطیع لله

ابو القاسم عبد الله بن المکتفی چون توزان متقی را میل کشید بالمستکفی بیعت کردند و در چهل و یکسالگی بخلافت نشست و او را امام الحق میخواندند و در ایام توزان احمد معز الدوله بر وی خروج کرده وفات نمود و در او را بگرفت و میل کشید کفران نعمت کرد

مدت خلافتش

ابو القاسم فضل بن جعفر المقتدر بر تخت خلافت نشست و در اخر خود را از خلافت خلع کرده معاف داشت و خلافت را به پسرش طایع داد

مدت خلافتش

شیخ ابو علی [illegible] و شیخ ابو بکر [illegible] و شیخ ابو العباس [illegible]

شیخ ابو عبد الله احمد بن نصر [illegible] و شیخ ابو جعفر [illegible]

و شیخ ابو عمرو محمد بن ابراهیم [illegible] و شیخ ابو عبد الله [illegible]

و شیخ ابو الحسن [illegible]

محمد بن نصر و شیخ ابو سعید [illegible]

و ابن [illegible] از شیخ [illegible] از اولیاست [illegible]

[illegible] چون [illegible] نشست [illegible]

۷ عام و [illegible] ماه

[illegible] عام [illegible] ماه

الطایع لله — القادر بالله

ابو بکر عبد الکریم بن مطیع بالله در سنه ۳۶۳ با او بیعت کردند
چون دو ماه از خلافت او بگذشت پدرش فوت شد
و ریاست بغداد را به بهاء الدوله داد

مدت خلافتش

ابو العباس احمد بن عباس در ۳ رمضان در بغداد
خطبه بنام او خواندند و در سنه ۴۸۶ فوت شد

مدت خلافتش

شیخ ابو القاسم ابراهیم
شیخ ابو عمرو اسمعیل بن محمد و شیخ ابو القاسم
شیخ ابو عبد الله و شیخ ابو عثمان
شیخ احمد عطار و شیخ احمد بن محمد و شیخ ابو عثمان
ابو العباس احمد بن ابی الخیر معاصر او بوده اند

عام ... ماه ...

عام ... و ... ماه ... و ... ایام

القائم بامر الله — المقتدی بامر الله

ابو جعفر عبد الله بن احمد القادر در ایام خلافت او
آل بویه انقراض یافته ملک ایشان به سلاجقه منتقل شد
و دران ایام در عراق عرب باران عظیم آمده آب دجله
بسیار زیاد شد و در روی آب سباع ظاهر گشتند
و ناگاه آب از زیر منبر خلیفه بیرون آمد در کورستان
بغداد افتاد و اکثر توبها بر روی آب افتاد و در سنه ۴۲۷
وفات یافت مدت خلافتش

عام ... و ... ماه

ابو القاسم عبد الله بن ابو القاسم بعد از پدر خلیفه شد
در مبداء خلافت او آتش در بغداد افتاده اکثر خانها
بسوخت و او دختر ملکشاه سلجوقی را خطبه کرد و در سنه ۴۲۸
با تجملی تمام متوجه بغداد شد و آنچه از تجمل او گفته اند از ان جمله
کنجایش ان نیست از انجمله چهل هزار شتر در روز طوی
صرف شده بود ما بقی خوارج را ازین قبیل حساب باید کرد
و مقتدی در سنه ۴۸۷ وفات یافت

مدت خلافتش عام ... و ... ماه

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند ۳۶

باب چهارم دفعه بعد از ظهور اسلام ۲۳۱

در ذکر خلفای بنی عباس ۳۱

المستظهر بالله

و عمره

المسترشد بالله — المقتفی بالله

ابو العباس احمد بن المقتدی در روز فوت مقتدی بر کنار
بن ملکشاه سلجوقی که در بغداد بود با جمع کثیری بیعت کردند
و در ایام او کار حسن صباح و اسمعیل بالاکرفت و دران
ایامش کوکب در برج حوت قران کردند و دران
سال دویست هزار کس را از قافله حاج آب برد و در
سنه ۵۱۲ مریض شده درگذشت

مدت خلافتش عام و ... ماه

ابو منصور بن فضل بن المستظهر در روز فوت پدر
بیعت کردند و در سنه ۵۲۹ بدست ملحدان کشته شد

مدت خلافتش عام و ... ماه

الراشد بالله — المقتفی بامر الله

ابو جعفر منصور بن المسترشد چون بخلافت نشست
متابعان مسعود که پنجاه نفر در بغداد بودند با خلیفه برآشفتند
و در آخر منهزم شد نزد خلیفه فرمود تا نام مسعود بن محمود
نموده داود بن محمود بن ملکشاه را بجای او در خطبه
نام خلیفه ثبت نمایند و آخر بزخم کاردی از ملاحده درگذشت

مدت خلافتش عام

ابو عبد الله بن محمد بن احمد بر سریر خلافت نشست و دران
ایام وبای عظیم در بغداد ظاهر شد و در مناره جامع
کعبه دری در غایت تکلف ترتیب داده در گوشه
از مکه به بغداد داده از برای خود تابوتی تراشیده بعد از
فوت او دران تابوت نهادند و در سنه ۵۵۵
از دار دنیا رحلت نمود

مدت خلافتش

عام ... و ... ماه ... و ... ایام

المستنجد بالله

ابوالمظفر یوسف بن محمد چون بر سریر خلافت نشست
در بلاد شام و جزیره و غیره زلزله واقع شد که اکثر
عمارات دمشق منهدم شد و هر کس فرار نموده بموضعی
میرفت و در آن موضع نیز قضیه روی میداد و در سنه ۵۶۶
وفات یافت
مدت خلافتش
[illegible] عام و [illegible] ماه

المستضیء بالله

ابو محمد الحسن چون بخلافت نشست و [illegible] جواهر
قیمتی بمردم بخشید و در سنه ۵۷۵ رخت بسرای آخرت
کشید
مدت خلافتش
[illegible] عام و [illegible] ماه

الناصر بالله

ابوالعباس احمد بن الحسن چون بر سریر خلافت متمکن
شد منع شراب نمود و از آنجا نهارا ریختند و جاسوس بولایات
فرستاده از احوال همه امرا اطلاع داشت مساجد و خوانق
بسیار احداث کرده در سنه ۶۱۴ سلطان قطب الدین
تکش لشکر بجانب بغداد کشیده بآخر خلیفه شیخ بهاء
الدین سهروردی را برسالت فرستاده چون وارد مجلس سلطان شد
جواب سلام نشنیده رخصت نشستن نیافت بر سر پا ایستاده
خطبه در نهایت فصاحت در شأن خلیفه و رسالت سلطان
ادا فرمود سلطان لب بجواب نگشوده شیخ بجانب
بغداد رفت خلیفه تهیه حصارداری کرد و [illegible] در عقبه
حیوان برف افتاد که اکثر لشکریان و چهارپایان تلف
شدند از آنجا برگشته بدست تاتار گرفتار شد و در
سنه ۶۲۲ بآخر خلیفه درگذشت
مدت خلافتش
[illegible] عام

شیخ [illegible] و در زمان [illegible]
شیخ [illegible] الدین [illegible]
[illegible]

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند
[illegible]
ما قبل اسلام و بعد از ظهور اسلام
در ذکر خلفای بنی عباس

الظاهر بالله وغیره

الظاهر بالله

محمد بن ناصر بالله و بعهد پدر بود و در زندان گذشت و در
زمان حیات پنجاه و دو ساله بود بعد از عمر عبدالعزیز خلیفه
عدالت او [illegible] خلافت نشست و در سنه ۶۲۳ درگذشت
مدت خلافتش
[illegible] عام و [illegible] ماه

المستنصر بالله

ابوجعفر منصور بن الظاهر سیرتی پسندیده داشت
مساجد و مدارس و کتابخانه با تمام رسانیده طلبه علوم را
محترم داشته وظائف بسیار میداد و دارالشفا
با تمام رسانیده مستغلات و قرای مرغوب را بآن ضمیمه
وقف کرد و در محلات بغداد دارالضیافه قرار داد و در
آنجا انواع اطعمه بجهت غریب و مفلس پخته قند قدر طلا و نقره
بطریق گلوله میساخت و بغلامان میداد که در [illegible] گروهی
مسکن داشته بخانه مردمان می‌انداختند تا خلایق وجه معیشت
خود کنند روزی بتفحص خزانه بیرون آمده حوضی پر از طلا
دید گفت آیا ما چندان عمر داشته باشیم که این را
بخوریم و ببخشیم منتقری خنده کرده گفت روزی با ظاهر
بکنار این حوض رسیدیم و [illegible] نامزد بود که پر شود
ظاهر گفت آیا اینقدر عمر بیابم که این را پر کنم و مستنصر در
سنه ۶۴۰ وفات یافت
مدت خلافتش
[illegible] عام و [illegible] ماه

المستعصم بالله

ابو احمد عبد الله بن المستنصر اوست سی و هفتم خلیفه
و از خلفای بنی عباس به تجبر و تکبر و کثرت اموال
و نفایس و زر مسکوک و جواهر و رخوت گرانمایه
ممتاز بود و در ایام دولت او بادی صعب روی نمود
و در سنه ۶۴۰ منصب وزارت با بن علقمی داد و در
سنه ۶۵۴ آب دجله طغیان کرده اکثر محلات
بغداد خراب شد و در سنه ۶۵۱ هلاکو خان از شرق متوجه
غرب شد و در سنه ۶۵۴ مجموع قلاع رودبار را در
تحت تصرف در آورده ملاحده را برانداخت و بعد از ان
بمشوره خواجه نصیر الدین محمد طوسی متوجه بغداد شده
و بران مملکت استیلا یافته خلیفه را با پسران و چند هزار
کس مقتول ساخت
مدت خلافتش
[illegible] عام
و [illegible] ماه

هو

۴۱

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند
تا [illegible] چهار و [illegible] بعد از ظهور اسلام

سیم در ذکر پادشاهان مغول که لوای کشورستانی برافراشته‌اند اصل ایشان از یافث
بن نوح است مغولان یافث را تولنجه خان گویند ترک که جد ترکان است از فرزندان او
و دیلک جد مغولان و مغولان او را ابلوخان خوانند و او را چهار پسر بود قراخان و اورخان
و کرخان و کوج خان قراخان را پسری بود اغوز نام و مغولان او را اغوز خوانند چون اغوز
از مادر متولد شد تا مادرش کلمه شهادت نمیگفت شیر او را نمیخورد و بعد از مغول و ترک پادشاهی
یکچند از ایشان در نسل ایشان ماند و در عهد فریدون تور با ایشان جنگ کرده از قوم اغوز و ترک کس
یکی نکوز و دیگری قیان نام داشت بگریختند و دو زن همراه داشتند [illegible] رفتند که کسی راه [illegible]
ایشان زاد در آنجا فرزندان آمدند و چهارپایان بسیار بر ایشان جمع شد و بعضی گویند این نکوز
و قیان دو زن بودند که [illegible] ایشان جمع شده این فرزندان بهم رسیدند و چون از هجرت حضرت
رسول صلی الله علیه و آله چند سال گذشت این قوم از آن دره بیرون آمدند و در سنه [illegible] بعد از [illegible] که
شوهر الانقوا مرده بود کفی روشنی از سر خرگاه در آمد و [illegible] حامله شده [illegible]
اراده برادران او وقوف کرده [illegible] خواستند او را بکشند چون [illegible] ملاحظه [illegible] نمودند
از و باز داشتند و او بیک شکم سه پسر آورد کهتر تورنجه خان نام داشت که نهم جد چنگیز خان بود
و نوزده نفر [illegible] پادشاهی کرده‌اند مقرر اعم آنکه در ایران سلطنت کرده‌اند

از ابتدای سلطنت چنگیز خان الی سلطان حسین بن سلطان اویس
[illegible] در ملک ترکستان پادشاهی کرده با ایران نیز [illegible]
مدت ملکش [illegible] عام المعرر آنکه در ایران سلطنت کرده‌اند [illegible] عام

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

قسم ٢٦١

صنف پنجم و چهاردهم بعد از ظهور اسلام

قسم دوم در ذکر پادشاهان مغول

از ابتداء الغو خان

چنگیز خان

بن یسوکا بهادر بن برتان بن قبلخان بن تومنه بن بایسنقر
بن قیدو بن دوتومنین بن بوقا بن بودنجر بن الانقوا و در
اول معاصی بود ولادتش در ۲۰ شهر ذیقعده سنه ۵۴۹ و چون
بسیزده سالگی رسید پدرش فوت شد قوم سوران
که در حکم پدرش بودند از و برگشته او را تنها گذاشتند
و او تا سی سالگی زحمتها کشید اما چون دولت یار بود در ان
اوان حکمت بود از همه بلاها خلاصی یافت و در سی سالگی بسرداری
قوم رسید و اقوام دیگر را در حکم خود در اورد و در چهل
سالگی با اوزبک خان جنگ کرده او را اسیر نمود
و چهل سال با هم طریق موافقت نمودند و جهت دختر
خواستن میانه ایشان خصومت شد و در سنه ۵۹۹
بر و مستولی شده اسم پادشاهی بر او اطلاق کردند
و در سنه ۶۰۳ عطا ملک خان پادشاه قوم نایمان را اسیر کرد
بر تمامت مغول و صحرانشینان ملک توران و ختا و ختن
مستولی شد و بایران فرستاده با سلطان محمود
خوارزمشاه صلح کرد ملازم خوارزمشاه بخارا را ازرده
میان ایشان خصومت شد و در سنه ۶۱۵ آهنگ ایران
کرده اینالجق را بکشت و در سنه ۶۱۷ بلاد ایران مسخر کرد
و عسکر بطلب خوارزمشاه فرستاد ایشان در ایران
قتل عام کرده از راه سند غزنه بتوران رفتند

اوکتای قاآن

خان بعد از پدرش چنگیز خان بدولت پادشاهی رسید و
شد و در سنه ۶۲۶ بر جای اجداد که پدرش کرده بود
جود و عطا و کارنجار در عهد او در جمیع عالم یافت عطایا
او را حصر کرده اند از صد بار و صد هزار تومان
و در وقتی که چنگیز خان از دشت قبچاق عود نمود
هزار خروار زر سرخ در ان پنهان که داشته
کس نگهبان ان نمود و در ان ایام چنگیز خان
رحلت کرد بعد از ان با اوکتا قاآن گفتند کران
مبلغ از والد شما در فلان مکان مانده کس فرستاده
از ان بیاورند در جواب گفتند که با پدرم چه وفا کرد
با من کند با انعام جاهی که محافظت ان نموده اند داده
و در سنه ۶۲۷ بجنگ ختا رفته رنجور شد اما بسیار
گرفته و در سنه ۶۲۶ سلطان جلال الدین خوارزمشاه را با
خوارزم شاهیه بر انداخت و او امیر تیمور را بایران
فرستاده تا در سنه ۶۳۳ حاکم بود و بعد از ان امیر
ارغون آقا بر جای او نامزد شده و ده سال باستقلال
حکومت کرد و چون هلاکو خان بایران امد
با ارغون آقا بود و در زمان القای خان
و اوکتای قاآن در پنجم جمادی الاخر سنه ۶۳۹

و بعد از آن خود از آب جیحون گذشت و تمام خراسان ... از افراط شراب در گذشت
مدت حکمش
و بلاد ایران را مسخر کرد و قتلهای عجیب نمود و در سنه ٦٢١
از ایران مراجعت کرد و در رمضان سنه ٦٢٤ در گذشت
مدت ملکش

و از پسران او چهار نفر نامدار بودند
توشی و جغتای و اوکتای و تولی ...
چنگیزخان داد و در بین ترکستان جغتای خان و اوکتای
و لیعهد کرد و ... تولی را
اموال و خزاین ... خود داد

ع عام

دع عام

از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند
صنف چهارم بعد از ظهور اسلام
در ذکر پادشاهان مغول
از ابتدای چنگیزخان

کیوک خان و غیره

بن اکتا قاآن بعد از اوکتای مادرش چهار سال حکومت کرد تا کیوک خان در سنه ٦٤٣ پادشاه کردند و او قتل پدرش ... بخشنده بود
مدت حکمش

منکو قاآن

بن تولیخان را پادشاهی دادند بعد از شاهزاده چهار سال پادشاهی نشست و چون ملک بر او مسلم شد برادران خود قبلای و قرا ... و هلاکو خان را به شرق و غرب عالم بجهانگیری فرستاد ممالک تسخیر کردند و در سنه ٦٥٢ زمان او در انجا از اعظم ... آبادانیها خراب شد و خود عزیمت استخلاص چین و ماچین کرد و در انجا در گذشت
مدت ملکش ده عام

هلاکو خان حه عام

بن تولیخان بن چنگیزخان بفرمان برادرش و التماس قاضی شمس الدین قزوینی جهت دفع ملاحده در سنه ٦٥٣ به ایران آمده بجنگ ملاحده رفت و قلاع ایشان را ویران کرد و خورشاه پادشاه اسمعیلیان در سلخ شهر شوال سنه ٦٥٤ از قلعه میمون دز بخدمت او آمده هلاکو خان او را بحضرت منکو قاآن فرستاده فرمان رسید که در راه او را بقتل رسانیدند پس هلاکو خان عازم استخلاص بغداد شد در ولایت همدان و کردستان قتل عام نمود اکثر امرا و اولاد را بکشت و بغداد در رفته با معتصم خلیفه حرب کرد و بغداد را بگرفت و در آن قتلعام کرد که یکهزار و هشتصد هزار آدم کشته شدند و خلیفه در چهارم شهر صفر سنه ٦٥٦ پیش هلاکو خان رفت و بعد از چند ماه با چهار پسر کشته شد

اباقا خان

خان بن هلاکو خان بعد از پدرش بفرمان عمش قبلا قاآن پادشاهی تعلق به او گرفت و نام او بر عنوان احکام ثبت کردند و در رمضان سنه ٦٦٣ به پادشاهی نشست برکای خان شاهزاده بوقا را با سپاه گران به ایران فرستاد و در صفر سنه ٦٦٤ جنگ کرده برکای خان مقهور و عازم مقام خود شد چون از آب کر محل عبور نبود بتفلیس رفت که از آب بگذرد بعلت قولنج در گذشت و در ربیع الآخر سنه ٦٦٧ ... براق خان مقتول شد و در سنه ٦٧٣ در بخارا خروج کرده ... واقع شد و در سنه ٦٧٤ جمعی از ملاحده با پسر خورشاه خروج کردند لشکر فرستاده قلعه الموت را خراب کرده ایشان [illegible] بکشتند و در این سال در اغلاط و [illegible] عظیم شد

و ملک و اموال خلیفه که از انجا حوضی که نیم گز در نیم گز مملوا از طلا بود

بدست مغول امد بعد از ان باستخلاص دیگر ولایات عراق

عرب و کردستان و دیار بکر مشغول شد و تمامت در

تصرف او در امد پس شام و دمشق بستد و در انجا خبر فوت

منکوقاان بدو رسیده مراجعت نمود و در ۹ شهر ربیع

الاول سنه ۶۶۳ در مراغه در گذشت

مدت حکمش

و در سنه ۶۷۵ بندقدار پادشاه مصر و شام بروم رفت

و با توران بهادر جنگ کرده و ایشان شکست و در سنه ۶۷۱

لشکر مصر داری فارس تاخت کرده و خرابی بسیار کردند

و در سنه ۶۸۰ منکوتیمور بجنگ شام رفت و شکست خورده عزیمت

همدان نموده در گذشت و شهزاده منکوتیمور در سنه ۶۸۱

بغداد در گذشت و در نهم شهر ذیحجه سنه ۶۸۱ اباقا خان

در گذشت

مدت ملکش

خواجه نصیر الدین طوسی و خواجه صفی الدین و حسام الدین منجم

و صدر الدین ساوجی و عماد الدین معروف بمعصوم او بوده اند

ابو یعقوب ... که وجیه ... الاولاد

جغتای خان در توران ... کرده

در وقت او ... بوده

امرای ... او بوده اند

کرمعاصر

جلال الدین ... صدر الدین ... طوطیک

نصر الدین ... عماد الدین ... علیک

نظام الدین اصفهانی صدر الدین ... رضی الدین

نظام الدین ... عام

سیف ...

قاضی عام

قصر عام

از ملوک نیم پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

صنف چهارم دفعه بعد از ظهور اسلام

قسم دوم در ذکر پادشاهان مغول

از ابتدای النجه خان

احمد خان و غیره

احمد خان بن هلاکو خان بعد از برادرش باقا پادشاهی کرده اما

از ارغون خان متوهم بود دستگیر کرده ارغون را بهانه غزا ...

بار و خوانده و در کار پادشاهی سخن گفتند ارغون خان

ناچار رضا داده احمد خان در ربیع الاول سنه ۶۸۱

در الاطاق پادشاهی نشست و وزارت بخواجه شمس الدین

صاحب دیوان داد و در سنه ۶۸۳ امیر الیناق را با شهزاده ...

بجنگ ارغون خان که طریق عصیان پیش گرفته بود فرستاد

و در صفر سنه ۶۸۳ در قزوین جنگ واقع شد و ارغون خان

مظفر شد احمد خان با لشکر از استر در عقب ایشان روان

شد لشکر احمد خان در دامغان قتل و غارت کرده و

ارغون زا بدست اورده محبوس نمود جمعی از هواخواهان ارغون

او را از حبس بیرون اوردند و بر سر الناق و احمد یان

شبیخون برده ایشان را بقتل اوردند و احمد خان منهزم

گشت و از ان بگریخت بر در قزوین مولانا تیمور که از

امرای ارغون بود رسیده او را با پسران بکشتند

مدت ملکش

ارغون خان بن اباقا خان بن هلاکو خان بعد از عم پادشاهی

نشست خواجه شمس الدین صاحب دیوان را که بیست و

هفت عام وزارت جد و عمش کرده بود در غره شهر

شعبان سنه ۶۸۳ در اهر بکشت و پسر خواجه شمس الدین را

در سنه ۶۸۰ بکشتند و وزارت ایران بملک جلال

الدین سمنانی مفوض شد ارغون خان در ذیحجه سنه ۶۸۷

ملک جلال الدین را از وزارت عزل نمود و در ۱۵

شهر رجب سنه ۶۸۸ وزارت بخواجه سعد الدوله جهود مفوض

فرمود از بغض جهودی با فخر الدوله بد بود تا اگر در مستی

اجازت قتل او گرفت و او را در شب غره شهر رمضان

سنه ۶۸۹ در صعودان بدرجه شهادت رسید و در ان

چند گاه ارغون خان رنجور شد و در ان امرا بر سعی

ساختن سعد الدوله وزیر را بکشتند و ارغون خان ...

در ان نزدیکی در گذشت و گویند سببش مرض ...

مدت ملکش

کیخاتو خان

بن اباقا خان بعد از برادر پادشاه شد و وزارت
بصاحب سعید خواجه صدر الدین احمد خالدی داد
و در ذیحجه سنه ۶۹۲ پادشاه و وزیر کرم جهان بودند
کرم بود و کیخاتو خان امیر طوغان قهستانی را در
سنه ۶۹۱ بقصاص امرا که وقت رنجوری ارغون خان
کشته بودند بکشت بایدو خان بن طرغای بن
هلاکو خان خروج کرده امرا و ارکان دولت کیخاتو خان
جهت افراط شراب و مباشرت با او بد بودند طرف
بایدو گرفته بایدو قوت یافت کیخاتو ناچار
بگریخت و بمغان رفت او را شناخته بگرفتند
و بفرمان بایدو کشتند
مدت ملکش

[illegible] عام

بایدو خان

بن طرغای بن هلاکو خان بعد از عمزاده پادشاه شد
وزارت بخواجه ضیاء الدین دستگردانی داد
غازان خان با او منازعت کرده بسعی امیر نوروز
و خواجه صدر الدین احمد خالدی و میران بایدو و چوپان
و دیگران با غازان متفق شده میانه غازان خان
و بایدو محاربه سخت رفت آخر قرار بران شد که ولایت
عراق عرب و دیاربکر و آذربایجان و اران و ارمن
و گرجستان و روم از بایدو خان و عراق عجم و
فارس و شبانکاره و خوزستان و کردستان
و آنچه بود با غازان عهد و پیمان کردند بایدو از
عهد برگشت و خواست قصد غازان کند در باب
و بجز آن رفته ترتیب لشکر کرد و بایدو نیز لشکر [illegible]
و طغاچار که سرکرده لشکر بایدو بود بطرف غازان رفت
چون خبر به بایدو رسید ناچار بگریخت غازان از
عقب رسید و او را گرفته در سنه ۶۹۴ بکشت
مدت ملکش

۷ ماه

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند
فرقه ۹
[illegible] بعد از ظهور اسلام
سیم در ذکر پادشاهان مغول
از ابتداء چنگیز خان

غازان خان

غازان خان

بن ارغون خان بعد از عمزاده بیدو در ذیحجه سنه ۶۹۴ بپادشاهی
نشست و امیر نوروز را نایب خود کرد و وزارت و تفویض
دین اسلام کوشیده بتخانها و کلیساها خراب کرد و
و تمامت مغولان مسلمان شدند و امیر چوپان بجنگ
ارسلان رفته در سنه ۶۹۵ در بیلقان جنگ کرده ارسلان
کشته شد و هم درین سال وزارت بخواجه جمال الدین دستگردانی
داد و بعد از دو ماه بکشت و وزارت بخواجه صدر الدین خالدی
داد و عراق بمثابه خراب شده بود که در قزوین تمام جماعت
دست نمیداد و خواجه صدر الدین را با دانالغی [illegible] مال مقرری
بتمغا بر کرد و ازین تدبیر چون مال متعاقب حاصل میکرد و مردم
در آسایش و راهها ایمن شده و بسخن بدگویان در ماه
رجب سنه ۶۹۷ خواجه صدر الدین را بدرجه شهادت رسانیده وزارت
بخواجه رشید داد و غازان خان در ماه شوال سنه ۷۰۳
بحدود قزوین در گذشت او را در تبریز در عمارتی که جهة خوابگاه
ساخته بود دفن کردند و از تخمه پادشاهان مغول پیش از آن
هیچکس را گور آشکار نبود
مدت ملکش [illegible] عام

اولجایتو خان

خدابنده محمد بن ارغون خان چون در عراق خبر فوت
برادر شنید در ماه ذی الحجه الحرام سنه ۷۰۳ بر تخت نشست و
بر سایر جهود مقرر کرده و در شب چهارشنبه سنه ۷۰۴
ابو سعید بهادر خان متولد شد و در ذیحجه سنه ۷۰۵ سلطان
عزیمت جیلان و سخر کرده شهر سلطانیه را در اندک زمان
بساخت و در سنه ۷۱۱ خواجه سعد الدین ساوجی را امیر
الدین [illegible] جلال الدین پسر و خواجه زین الدین
و خواجه شهاب الدین را شهید کردند و در ۳ ذیحجه سنه ۷۱۱
تاج الدین را که پیشوای شیعه بود با پسرش بکشتند
و خواجه عماد الدین سمنانی را [illegible] کشته وزارت
بخواجه علیشاه تبریزی دادند بشرط آنکه در تدبیر داری
خواجه رشید تجاوز نکند و در شهر شوال سنه ۷۱۶
اولجایتو سلطان در سلطانیه رحلت کرده و در دخمه
که ساخته مشهور بابواب البر مدفون شد
مدت ملکش

[illegible] عام

افاضل و صلحا که معاصر او بوده
مولانا ... هبت الله
... فخر الدین ... سلمان ساوجی ... کرمانی
... شمس الدین ... عبد ... کاشی شمس الدین
... که معاصر او بوده
جلال الدین ... قطب الدین ... مجد الدین ... ... بهاء الدین ... حمد الله
... شمس الدین ... عز الدین ... حبیب ...
فخر الدین داود ... شمس الدین
... خواجه ... عماد فقیه ...
... سعید و علم ...
... که از او نام ... ده ولد الفضل
... سلطان ابوالمجال اولجایتو ... دریا ...
... المعلول ... سلطان ...
... نفس ... الذکا ...
وصحا ... ... اسمعیل ...

از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

طبقه چهارم بعد از ظهور اسلام

قسم دوم در ذکر پادشاهان مغول

از ابتدا الی آخر خان

ابوسعید بهادرخان بن اولجایتو خان سلطان چون خبر وفات پدرش بخراسان رسید با امیر سونج عزیمت
عراق کرده در سلطانیه بپادشاهی نشست چون دوازده ساله بود کفایت ملک با امیر چوپان مفوض شد
در آن سال خواجه رشید از وزارت معزول شد و در سنه ٧١٨ بحدود خشکدر ابهر خواجه رشید و پسرش را
بقتل رسانیدند و در شهر ربیع الاول سنه ٧١٩ قورمشی لشکر عظیمی بجنگ آورده پادشاه بنفس خود
در آن جنگ مردانگیها نموده قورمشی را شکست داده بهادرخان مصاف لقب همایون او شد
و در ١٢ شهر رجب سنه ٧١٩ خواجه علیشاه در اوجان درگذشت وزارت به پسر بهتر او امیر محمد نام نامزد شد
و برادر کهتر با او مناقشه کرده وزارت بملک ناصر الدین که نایب امیر چوپان بود مقرر شد و ...
و در لقب یافت چون بیگانه وزارت ... کاری از پیش نرفت او نقیض کار را از دمشق خواجه ...
و پادشاه را در حق امیر چوپان و دمشق خواجه بدگمان کرد امیر چوپان ... را یافته او را همراه بخراسان
برده وزارت آن سرکار به دمشق خواجه مقرر شد امیر چوپان پسر کهتر خود را بولایت کابل
و زابل فرستاده قتل و غارت بسیار و کور سلطان محمود در ... مصاف ... پاره
کرده در شب ٥ شهر شوال سنه ٧٢٧ آوازه افکندند که امیر چوپان را در خراسان کشته سرهای ایشان را
می آورند دمشق خواجه را در سلطانیه کشته سر او را از حصار آویختند و کس بکشتن امیر چوپان بخراسان
فرستاده امرا با او متفق شدند و او را در عوض دمشق خواجه صاین وزیر را بکمک امیر چوپان با لشکر
فراوان عازم عراق گشت پادشاه نیز از سلطانیه با لشکر فراوان برابر رفت چون پادشاه
بقزوین رسید امیر چوپان باز از اسیم آباد در ... یک روزه راه مانده امرا اکثر گریخته
بحضرت پادشاه آمدند امیر چوپان چون دید شکسته فرار نمود فرزندان او که در ولایت با امر ...
و سرداری مشغول بودند برابر رسیدند جان از شور و شر این گشت وزارت شمس الدین محمد بن
نظام الحسینی الرازی قرار گرفت

از ملوک پارس[4]ان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند ۴۴

۳۱ فرقهٔ چهار دوم بعد از ظهور اسلام

در ذکر پادشاهان مغول

۷ از ابتداء الجخان

لا ... آن ... وغیره که بعد از سلطان ابوسعید دارالکرده‌اند چون مدت هر یکی معلوم نبود دما بدین در حشو نوشته میشود و سلطنت کل ایشان بموجب ...

۷ نفر

لا ... این ... بعد از فوت ابوسعید خان بحکم وصیت از باقا آن را بحکم جانشینی نشانده امرا کمر خدمت بر میان بستند و در اوایل اقبال اختلال بحال او راه یافته در معار او جان بهار عدم شتافت و خواجه سلیمان ساوجی فرموده چون ملک ابوسعید از باد دلو خوش حالی و نعمت آبادا داد

موسی ... خان علی وغیره نفر

موسی محمد ... خان ابن علی بایدو بر سریر سلطنت هنوز متمکن نشده بود که امیر شیخ حسن ایلکانی خرمن حیوه او را بباد فنا داد لو

بعد از موسی خان بر سریر جهانبانی نشسته امیر شیخ حسن ایلکانی و نشاد خاتون ابکفخات بغداد خاتون که سلطان ابوسعید از ... کرفته بود بحباله نکاح در آورده و محمد خان در ایام صغر بدست امیر شیخ حسن جوبان افتاده ...

نفر نفر

که با او معاصر بوده‌اند

صفی الدین ... علاء الدین سمنانی

شرف الدین طویل ... شرف الدین محمد قزوینی

معین ... عبدالرحمن جامی ... قطب الدین رازی ... عبد الرزاق

اوحد الدین اصفهانی ... ابن احمد ... امید ... مستوفی ... للسن ...

جلال الدین مصنف ... عبد ... ارفی ... مصرع

... صاین

سلطنت بموجب استصواب امیر شیخ حسن چوبان بر تخت نشست و عزم رزم شیخ حسن بزرگ نمود صلح کردند

جهان تیمور

و عمره

جهان تیمور بن امیر ... را امیر شیخ حسن ایلکانی بر تخت نشاند مدتی میان اشرف بن تیمورتاش بن چوبان مدتی حکومت کرده ایشان منازعه بود در سنه ۷۳۹ درگذشت

سلیمان خان را که از اولاد هلاکو خان بود به پادشاهی برگزیدند

المقرر مدت ملکش ... ن

... عام

۴۵

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند ۳۲

صف ... تا بچهار دفعه بعد از ظهور اسلام ۸

سیم در ذکر پادشاهان مغول ۸

از ابتدای سلطنت ایلخانان

سلطان

اویس و عمره

سلطان

اویس بن شیخ حسن ایلکانی در سنه ۷۶۰ امیر مبارز مظفر از شیراز لشکر بتبریز کشیده اخیجوق ... و در سنه ۷۶۱ در تبریز وبای صعب افتاد سیصد هزار کس بعدم آباد رفتند و در سنه ۷۷۴ امیر ولی حاکم جرجان عصیان ورزید در حدود ری مقاتله دست داد فرار نمود و در سنه ۷۷۳ امیر زاهد برادر سلطان اویس از بام کوشک او جان افتاده براه عدم رفت و در سنه ۷۷۶ آب دجله طغیان کرد و بهر کس در زیر دیوار مانده وفات یافتند و در ۲ شهر جمادی الآخر سنه ۷۷۶ سلطان اویس بعالم بقا شتافتند

مدت ملکش

سلطان

حسین بن سلطان اویس در همان اوان که پدرش وفات یافت باتفاق امرا در تبریز قدم بر مسند سلطنت نهاد و در اوایل بهار سنه ۷۷۷ رایات بقصد بیرام خواجه و قراحمد ترکمان برافراخت و بعضی قلاع ایشان را فتح نمود و در صفر سنه ۷۸۴ برادر سلطان حسین او را بقتل رسانید و در عمارت دمشقیه مدفون شد

مدت ملکش

سلطان ... حسین ... شیخ ... بود

... عام

احمد عام

قسم ۴۶ از سلاطین پادشاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده اند

صنف ۳۳ طبقه بیست و چهارم دفعه بعد از ظهور اسلام

قسم سیم ۹ در ذکر پادشاهان مغول

از ابتدای سلطنت صاحبقران اعظم امیر تیمور تا انقراض دولت امیرزاده الوند و از امیر
تیمور و از تکینه خاتون در خانه امیر طرغای بود متولد شد و مدت سلطنتش ابن رجب بود

ما سه ای عام
امیر عز ق

صاحبقران
اعظم امیر تیمور گورکان در سنه ۷۸۳ تمامی خراسان مسخر کرده در سنه ۷۸۵ تا سیستان و قندهار را
تصرف نمود و در سنه ۷۸۶ امیر ولی را مقهور کرده دانید و در سنه ابا الوان اقبال بر افراشت و در سنه ۷۸۸
عراق و فارس و آذربایجان را مسخر کرده از آنجا به دشت قبچاق شتافت و در رجب سنه ۷۹۳ در موضع
قندزچه با تقتمش خان حرب کرده او را منهزم و در رجب سنه ۷۹۴ بهم احکام مازندران و آل مظفر
و سایر ولایات عراق و دیار بکر را به نهج دلخواه ساخت و در جمادی الاول سنه ۷۹۷ از راه دربند
بجانب دشت قبچاق خرامید و بار دیگر به تقتمش خان معاتله نمود او را مستاصل کردانید و در بهار
سنه ۷۹۸ از همان راه به آذربایجان برگشته الکای آن مملکت را امیرزاده میرانشاه تفویض کرده
بسمرقند رفت و در سنه ۷۹۹ ولایت خراسان را با میرزاده شاهرخ سپرد و در سنه ۸۰۰ عزم غزا
و جهاد نموده لشکر به هند و هندوستان کشید و در روز سه شنبه ۷ ربیع الآخر بظاهر دهلی رسیده
میان آنحضرت و سلطان محمود و ملوخان حاکم آن ولایت محاربه عظیم بوقوع انجامید نسیم فتح و فیروزی
بر شقه رایتش وزید و در سه شنبه سلخ شهر شعبان در سمرقند نزول نمود و در شهر
محرم سنه ۸۰۲ بعزم یورش هفت ساله پای در رکاب آورده از توران با ایران توجه نمود و در
اواسط جمادی الاول سنه ۸۰۳ در ظاهر دمشق با پادشاه مصر ملک فرج مقاتله کرده او را منهزم
کردانید و تمامی بلاد شام در حیز تسخیر کشیده از دمشق بصوب بغداد خرامید و آن خطه را از
فرج نامی که گماشته سلطان احمد جلایر بود انتزاع نموده در هفتم شهر ذیحجه سنه ۸۰۳ بقتل عام فرمان

فرمان فرمود و در سیم شهر رجب سنه ۸۰۴ بعزم رزم ایلدرم بایزید سلطان روم متوجه آن مملکت شده

در حوالی انکوریه میان آنحضرت و قیصر مقاتله رفته سپاه روم را منهزم کردانید قیصر اسیر پنجه

تقدیر شد و در شهر شعبان سنه ۸۰۵ ایلدرم بایزید وفات یافت و صاحبقران آن ممالک را

به پسرش باز گذاشته عنان بطرف آذربایجان تافت و در سنه ۸۰۶ بطرف ختا رفته

بسیاری از قلاع کفار را گرفت و در محرم سنه ۸۰۷ داخل سمرقند شد و در شعبان سنه ۸۰۷

بجوار رحمت ایزدی پیوست

مدت ملکش

مشایخ و علما و فضلا

مولانا جلال الدین زاهد — میر سید علی همدانی سلوک

خواجه بهاء الدین نقشبند — خواجه علاء الدین عطار

مولانا زین الدین — مولانا ...

شعرا

خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی — مولانا لطف الله نیشابوری

کمال خجندی — خواجه عبد الملک سمرقندی

مولانا ... بزرق

عام

ذکر ۴۷

از تابع پادشاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده اند

صنف چهارم دفعه بعد از ظهور اسلام

قسم دوم در ذکر پادشاهان مغول

از اولاد او سلطنت صاحبقران

شاهرخ بهادر

شاهرخ بشجاعت رستم بعبادت ابراهیم ادهم بود در رمضان سنه ۸۰۷ ... پادشاه عالم

رعیت بر مسند شاهی نشست و در سنه ۸۱۱ مازندران را مسخر ساخت و در سنه ۸۱۲ ... رایت

بصوب ماوراء النهر تافت و در سنه ۸۱۸ مملکت فارس در حوزه دیوان قرار گرفت و در سنه ۸۲۳ ولایت

کرمان را مسخر کرد و در همین سال قرا یوسف وفات یافته فتح آذربایجان بوقوع انجامید و در روز

جمعه ۲۳ شهر ربیع الاول سنه ۸۳۰ احمد نامی در مسجد جامع هرات کاردی بر بدن آنحضرت رسانید

احمد در همان ساعت کشته شد و در ولایت ری در ذی حجه سنه ۸۵۰ عنان عزیمت بصوب آخرت

انعطاف داد

مدت ملکش

وزرا

نظام ... — خواجه قطب الدین ...

خواجه غیاث الدین ... — خواجه ... الدین ...

خواجه ... الدین احمد — خواجه شمس الدین ...

علما

مولانا جلال الدین لطف الله — مولانا تاج الدین ابراهیم

مولانا شمس الدین محمد ابن ... — مولانا عبد المحسن قزوینی

عام

جدول

فخر الدین محمد ابراهیم

شمس الدین محمد

حافظ سلطان — ابونصر — طاهر — منصور — اعوان

نورالدین نعمت الله — صدرالدین — جلال الدین

جلال الدین محمد — معین الدین — جلال الدین — صدرالدین — شمس الدین محمد

ابوالوفا خوارزمی — نورالدین محمد — عبدالرحمن — شمس الدین

قطب الدین محمد — عبدالقادر — علاء الدین علی — نورالدین

ابوسعید — عمادالدین — کمال الدین — جلال الدین — ابوالفتح

قوام الدین — جعفر — شهاب الدین — آذر — طاهر

جلال الدین — علاء الدوله — رضا — محمد

محمود — یوسف — محمد صغیر

۱۸۱

از نهم تا پادشاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده اند

۱۴۵

صفحه چهارم در ذکر بعد از ظهور اسلام

سیم در ذکر پادشاهان مغول

۳

از امرا سلطنت صاحبقران اعظم

را

الغ بیک وغیره

را

عبداللطیف وغیره

اسم تمام او

را

الغ بیک اسم محمد طراز نام داشت پادشاهی بود بکثرت فضلت و هنرپروری آراسته و مثل او سروری با این کمال بر تخت نشسته و در سنه ۸۱۲ حاکم ماوراءالنهر شد و در سمرقند مدارس و خانقاه با تمام رسانید و در سمرقند رصدی با اتفاق قاضیزاده رومی و مولانا غیاث الدین جمشید و مولانا معین الدین کاشی اتمام رسانید و زیج گورکانی گویند و تقاویم اکنون از آن زیج استخراج میشود بعد از استماع خبر وفات خاقان لوای جهانگشایی بصوب خراسان برافراشت و خراسان را فتح نموده بر میرزا علاء الدوله غلبه کرد اما ناگاه میان او و پسرش نزاع شد و در سنه ۸۵۳ پسرش میرزا عبداللطیف او را بقتل رسانید عباس نامی او را کشته عباس گشت تاریخ شد مدت ملکش

عبداللطیف پادشاهی بلطف طبع و حدت ذهن موصوف در سمرقند بر مسند سلطنت نشست تقلید خلفا کرده در روز جمعه بقرائت خطبه و امر پیشنمازی پرداخت و جمعی از امرا که نسبت با او خدمت بجا آورده بودند در مجلس طلبیده بقتل رسانید از آنجمله نوکران میرزا الغ بیک و میرزا عبدالعزیز در باره استیصال او صورت نمود در راه باغ او را بقتل رسانیده به تیرزدند و بابا حسین نامی سر او را جدا کرده در پیش طاق مدرسه میرزا الغ بیک او بیختند بابا حسین گشت تاریخ شد مدت ملکش

ماه

را

ابوالقاسم با میرزا علاء الدوله برادر خود جنگ کرده او را در سنه ۸۵۵ بر آورده میل کشید و آن شخص از چشم او را ضایع کرد و بنا بر دغدغه که از میرزا سلطان محمد بهادر خان داشت از استراباد شد میرزا محمد از فارس عازم خراسان شد در استراباد ملاقات فریقین دست داد

میرزا عبدالله

برادر خود

عبداللطیف

ماه

اسیر و کشته شد و در سنه ۸۵۷ میرزا علاء الدوله لشکری
فراهم آورد اراده سلطنت داشت لشکریان با میرزا [illegible] رات
دادند فرار بر قرار اختیار نمود و در سنه ۸۶۹ عازم مشهد مقدس شد
و در مشهد دیوانه ژولیده موی چون نظر بر میرزا افتاد
آغاز [illegible] خواندن گرفت که بیت او [illegible]

این همه طمطراق کن فیکون / شمه ایست [illegible]

میرزا از اقبال مدد دانسته در سیم شهر ربیع الثانی سنه ۸۱۶
عازم الکک رادکان شد ناگاه [illegible] میرزا
شکست و در پنجم شهر جمادی الاول سنه ۸۱۶ [illegible]
مدتی ملک ش[illegible]

و شعرا که معاصر او بودند
مولانا [illegible] مولانا معین الدین [illegible] صلاح الدین
غیاث الدین [illegible] مولانا [illegible] افضل الدین
مولانا [illegible] عالم مولانا [illegible]
علاء [illegible] عباس [illegible]
خواجه [illegible] عطاء الدین [illegible]
قاضی [illegible] شمس الدین [illegible] مولانا [illegible]
عبد الرحمن خواجه [illegible] عصمت بخاری

از فضلا و مشایخ و شعرا که معاصر او بودند
قاضی [illegible] مولانا سعد الدین [illegible] مولانا [illegible]
قطب الدین خواجه [illegible] شمس الدین [illegible]
مولانا [illegible] مولانا [illegible]

اعلم عام

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند
طبقه چهارم بعد از ظهور اسلام
قسم دوم در ذکر پادشاهان مغول
از عهد سلطنت صاحبقران اعظم

شاه محمود و میرزا سلطان ابراهیم و میرزا ابو سعید و میرزا جهانشاه و یادگار محمد را
سلطنت کرده اند و بعد از آن دیگری بر مملکت استیلا یافته لوای حشمت برافراشته و بموجب ایام
سلطنت ایشان میشود [illegible] عام

شاه محمود و میرزا سلطان ابراهیم
[illegible]

شاه محمود بعد از میرزا بابر در سن یازده سالگی بر تخت
نشست و خبر رسید که سلطان ابراهیم بکنار آب
مرغاب رسید جمع کثیری بر سر او جمعیت نموده امرا از استماع
این خبر میرزا شاه محمود را ایلغار کرده در شب بیست و ششم
شهر جمادی الاول سنه ۸۶۱ که در باغ مختار نزول نموده در آن
اثنا خبر رسید که میرزا ابراهیم با جمع کثیری متوجه دار السلطنه
هرات شد بنابران که امیر شیر حاجی میرزا شاه محمود را
بباغ مختار برده هرات خالی شد قاضی قطب الدین
احمد باستصواب گوهرشاد آغا قلعه و شهر را مضبوط
ساخت و چون میرزا شاه محمود از میرزا ابراهیم فرار نمود
بجرجان شتافت لشکری فراهم آورد [illegible]
میرزا ابراهیم داشت که خبر وصول میرزا [illegible] جهانشاه
با سپاه عراق شایع شد فرار نمود

سلطان ابراهیم در صباح پنجشنبه ۷ ماه رجب سنه ۸۶۱
نزدیک باغ مختار رسید میرزا شاه محمود فرار نموده بطرف
مشهد مقدس آورد و میرزا ابراهیم قدم بر سریر سلطنت
آبا و اجداد نهاد و بعد از چند روز روانه مشهد مقدس شده
میرزا شاه محمود لشکری جمع او نمود در قصد [illegible] آن
[illegible] پادشاهزاده با لشکریان و تیغ و دستار در میدان
تاخته و میرزا شاه محمود باز مغلوب گشته بجانب [illegible]
شتافت و از آنجا در خواف و باخرز اوقات میگذرانید
میرزا ابراهیم لشکری جمع آورده [illegible] میرزا [illegible] نمود
میرزا شاه محمود روانه جرجان شد و در راه غافل در عقب
صندوق شکست بعد از آنکه میرزا جهانشاه [illegible] خورده تاب
مقاومت نیاورده فرار و داخل هرات شده با میرزا
ابو سعید صلح کرد و میرزا علاء الدوله از دشت قبچاق
بهرات آمده در کنار پنجاب میرزا ابراهیم استقبال نمود
پدر و پسر یکدیگر را دریافتند و میرزا علاء الدوله

چند روزی در هرات بعیش و نوش مشغول بود
چون خبر توجه میرزا جهانشاه شنید فرار نمود

مولانا کمال الدین عبد الرزاق
و طالب جاجرمی معاصر او بودند

از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند
نامه چهار دفعه بعد از ظهور اسلام
سیم دوره ذکر پادشاهان مغول
از ابتدا سلطنت صاحبقران اعظم
شاه محمود و غیره

جهانشاه در روز سه شنبه ۲۵ شهر محرم الحرام سنه ٨٦٢ بر ملک جرجان متمکن شده و از انجا بتسخیر خراسان
امد با لشکر قیامت اثر متوجه دار السلطنه هرات گردید چون میرزا سلطان ابراهیم خبر یافت
عنان بصوب کوهستان تافت و میرزا علاء الدوله با صد درد وداع هرات گفت بتاریخ غره شهر شعبان
سنه ٨٦٥ رو بار دیگر در هرات آمد و مابین میرزا علاء الدوله و میرزا ابراهیم نزاع و میرزا ابراهیم گرفتار شد
بوساطت امیر عبد الله ترخان نجات یافت و میرزا جهانشاه میرزا علاء الدوله را طلب نموده بحبس فرمود
و سلطان ابو سعید لشکری برداشته متوجه حرب میرزا جهانشاه شد چون خبر به میرزا ابو سعید گذاشته روانه
عراق شد و در سنه ٨٧٢ درگذشت میرزا ابو داق ولد او از راه عصیان درامد با والد او شیراز رفته
اورا روانه بغداد نمود و میرزا جهانشاه از امر فراغ حاصل نموده ایالت شیراز را به پسر دیگر امیرزاده یوسف
داده میرزا پیر بداق در بغداد بعیش و طرب مشغول بوده متعرض احوال میرزا جهانشاه نمیشد و در سنه ٨٧١
میرزا جهانشاه بنظام بغداد شتافت میرزا پیر بوداق برج و بارو را مستحکم ساخته میرزا جهانشاه محمدی پسر دیگر
اورا بقتل اورده از انجا متوجه دفع امیر حسن بیگ شده و بدیار بکر شتافت امیر حسن بیگ رسولان چرب زبان
فرستاده خود در کوه متحصن شد تا آنکه لشکریان از کثرت سرما متفرق شدند و حسن بیگ با هزار سوار
بر سر او تاخته محمدی و یوسف را اسیر ساخت و میرزا جهانشاه فرار نموده بدست سکندر نام شخصی مجهول بقتل
رسید و حسن بیگ محمدی را کشته میرزا یوسف را میل کشید

از زمانیکه پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند ۵۱

تا حال چهار دفعه بعد از ظهور اسلام ۸۱۳

سیم ورود کر پادشاهان مغول ۱۴

از عهد السلطنت صاحبقران اعظم ۶

شاه محمود و غیره را ۳

ابو سعید از بدایت جلوس بر تخت سمرقند پیوسته آرزوی هرات در خاطر داشت تا آنکه خبر فوت سلطان
میرزا بابر شنیده در روز پنجشنبه ۱۲ شهر شعبان داخل هرات شد و مهد علیا گوهرشاد آغا را بسخن
بدگویان و تعصب ان بقتل رسانید و در این اثنا خبر خروج اولاد میرزا عبداللطیف شنیده روانه جنگ شد
و با میرزا احمد ولد میرزا عبداللطیف برخورده او را بقتل رسانید و باز متوجه هرات شد و در ۸۶۲ هرات را میرزا
جهانشاه بگرفت و در دارالسلطنه هرات نزول نمود لشکریان را از قلت آذوقه بیمار افتادند و
و میرزا علاءالدوله و میرزا ابراهیم فرصت یافته لشکر بر سر میرزا ابوسعید آوردند میرزا ابوسعید مظفر شد
میرزا علاءالدوله با ولد فرار نمودند و حصار تربت تسخیر میرزا ابوسعید در آمد و از آنجا بجرجان رفت
ملک از دست میرزا سلطان حسین بگرفت و بولد خود میرزا سلطان محمود عنایت فرمود و میرزا
علاءالدوله در خانه ملک پشتون رستمداری درگذشت و سلطان حسین میرزا بعد از میرزا ابوسعید
جرجان را فتح نموده روانه هرات شده قلعه را قبل نموده و چون خبر وصول میرزا ابوسعید شنید راه
جرجان بشتافت میرزا ابوسعید تا قریب بجرجان رفت و سلطان حسین میرزا براه عراق رفت
ایالت جرجان تجدید بمیرزا سلطان محمود مفوض شد و چون داخل هرات گردید خواجه معزالدین را سیاسا
در قرغان گذاشته جوشانید و از آنجا بدفع میرزا محمد جوکی روانه شاهرخیه شد و بمحاصره
پرداخت تا یکسال فتح نشد و بعد از آن میرزا محمد جوکی از روی مصالحه بخدمت میرزا ابوسعید آمده
آنگاه او را در قلعه اختیارالدین محبوس کرده تا درگذشت و در سنه ۸۷۰ میرزا بایسنقر
متولد شد و درین سال اهل ... سر در خط حکم او کشید و در این اثنا خبر رسید که میرزا جهانشاه

مقتول و میرزا ابو سعید عازم آذربایجان شد و در اوایل شهر شعبان سنه ۸۷۲ اکثر ممالک عراق را
بحیطه ضبط درآورد و امیر حسن بیگ بعد از قتل میرزا جهانشاه ایلچی بجانب میرزا ابو سعید فرستاد
در کالبوس سعید خلعت پادشاهی جهت امیر حسن بیگ روانه ساخت و چون بسلطانیه رسید
ولدان میرزا جهانشاه با پنجاه کس ملحق باردوی میرزا ابو سعید شدند و درین اثنا امیر حسن بیگ
رخصت طلبیده که دران زمستان در قراباغ مقیم باشد میرزا ابو سعید قبول ننموده یوما فیوما
روانه شد و اراده شیروان داشت شیروان شاه که دم از اخلاص میزد از راه عصیان درآمده
لشکر میرزا ابو سعید متفرق شد و امیر حسن بیگ فرصت یافته در اردبیل بسر او ریخته او را
دستگیر کرد و در شهر رجب سنه ۸۷۳ بقتل رسانید

خواجه [illegible] صاحب [illegible]

بعد

۵۲

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند
۳۹
تا حال [illegible] بعد از ظهور اسلام
۱۵
در ذکر پادشاهان مغول
۷
از عهد سلطنت صاحبقران
۴۳ نفر

سلطان محمد
میرزا و غیره معاصر او بودند
عام

سلطان حسین
میرزا در ذیحجه سنه ۸۶۲ استرآباد را از حسین سعد لوخوش میرزا جهانشاه انتزاع نمود
و در سنه ۸۷۳ بعد از واقعه میرزا ابو سعید هرات را بتصرف درآورد و در سنه ۸۷۴ با یادگار محمد
در موضع چناران مقاتله نموده یادگار محمد فراری و در آخر همین سال بمدد حسن بیگ مستظهر شده بهرات
آمد و سلطان حسین میرزا عنان عزیمت بطرف خیمه و فاریاب انعطاف داد و در ۲۳
شهر صفر بعد از چهل روز بباغ زاغان درآمد یادگار محمد را بجهان جاودان فرستاد و در آخر
همین سال در موضع کلمن با سلطان محمود میرزا مقابله دست داد و سلطان محمود منهزم شده از کنار
آمویه تا سمنان در تحت تصرف درآورد و در سنه ۹۱۱ بعزم رزم محمد شیبانی که در ملک ماوراء
النهر استیلا یافته بود روان شد و در منزل بابا الهی در روز یازدهم ذیحجه بریاض جنان انتقال نمود
مدت ملکش [illegible]

صدور
امیر نظام‌الدین [illegible]
صدرالدین [illegible]
سعدالدین سلطان ابراهیم
خواجه [illegible] حبیب آقا
مولانا عبدالرحمن جامی
شیخ [illegible]
میرزا جلال‌الدین حاکم
امیر معزالدین
خواجه افضل‌الدین
احمد شهاب
عبدالله مروارید

وزرا
خواجه [illegible]
خواجه شمس‌الدین محمد مروارید
خواجه عبدالله خطیب
خواجه عطاءالله
خواجه نظام‌الملک
عام

۵۴

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند

صحیفه چهارم در بعد از ظهور اسلام

قسم در ذکر پادشاهان مغول

از سلاطین صاحبقران اعظم سلطان حسین میرزا و غیره

امیر حسن بیک و اولاد

مدت سلطنت عام

امیر حسن بیک ابن علی بیک بن قرا عثمان بعد از قتل جهانشاه میرزا میرزا ابو سعید گورکان تسخیر ملک آذربایجان اهم در دست امیر حسن بیک بقتل رسیده و ولایات آران و آذربایجان و کردستان و دیار بکر و عراقین و فارس و کرمان و عراق عرب و عجم تا سرحد خراسان در زیر تسخیر آورده بود و حسن بیک را نسبت به شیخ صفوی بسیار ارادت و اخلاص فراوان بود خواهر خود خدیجه بیگم را با سلطان جنید و حلیمه بیگم آغا صبیه خود را با سلطان حیدر عقد بست و در سنه ۸۸۲ بعالم بقا رحلت کرد

مدت ملکش عام

اولاد امیر حسن بیک مشار الیه

سلطان خلیل بن امیر حسن بیک

مدت سلطنت عام

خلیل در زمان حیات پدر والی فارس بود بعد از فوت پدر بتبریز شتافته بر مسند سلطنت نهاد و دیار بکر را بسلطان یعقوب برادر خود داده بود و اکثر بیگان لشکری از او متنفر شده بسلطان یعقوب پیوستند سلطان یعقوب با لشکر بیگران بر سر او آمد در حدود مرند خوی جنگی اتفاق افتاد خلیل از لشکریان کشته شد

قسم ۵
از مقالهٔ پادشاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده‌اند

صحیفهٔ چهارم در ذکر پادشاهان بعد از ظهور اسلام

قسم سیم در ذکر پادشاهان مغول ۱۲

۱۷ از جمله سلاطین صاحبقران اعظم

سلطان حسن میرزا وغیره

حسن بیگ و اولاد

اولاد امیر حسن بیگ

سلطان یعقوب وغیره

سلطان یعقوب بیگ

یعقوب بیگ بعد از پدر در سنه ... با تفرقه ممالک متمکن گشت
اعمال حسنه را با فعال ذمیمه مبدل ساخت و در اوایل
سلطان حیدر بجهاد شیروان رفته بود سلیمان بیگ را با چهار
هزار نفر بکومک شیروانشاه فرستاد و سلطان حیدر شهید شد
سلطان یعقوب سلطانعلی میرزا و سید ابراهیم و شاه
اسمعیل را با والده‌اش حلیمه بیگی آغا بشیراز برده
نزد منصور بیگ پرناک محبوس نموده در این اثنا سلطان
در گذشت

بایسنقر میرزا

بایسنقر میرزا بن یعقوب بیگ بعد از پدر بر تخت نشسته جمعی مسیح را
میرزا ولد امیر حسن بیگ را پادشاه کردند و در قراباغ
مقابله و مقاتله روی نمود مسیح میرزا بقتل رسیده اغورلو
محمد میرزا بن حسن بیگ بطلب سلطنت جمعی بر یک خروج نموده
در درجزین مقابله و مقاتله واقع و اغورلو محمد گرفتار و کشته شد
و میرزا بایسنقر بعالم آخرت شتافت

رستم بیگ

رستم بیک بعد از فوت عم خود مسیح میرزا بر بایسنقر افتاده
مدتی محبوس بود و چون داماد شیروانشاه بود بانجا رفت
و میرزا بایسنقر به بدین شیروانشاه فیروز و قصی
یافته به تبریز رسید و محال آذربایجان و عراق و کردستان را
تصرف نمود و شاه دین پناه را با برادران و والده
از قید نجات داده مصحوب ایبه سلطان بمقام شیروانشاه
و میرزا بایسنقر روانه ساخت سلطان علی میرزا بکنار
کر رسیده لشکر مخالف شیروان و سلطانعلی میرزا

احمد پادشاه وغیره

احمد پادشاه بعد از قتل رستم بیگ ... از آذربایجان
متمکن گشته ایبه سلطان و قاسم بیگ پرناک با یکدیگر هم
عهد شده احمد پادشاه را از ولایت دیار عدم آباد نموده

مراد بیگ

میرزا ولد یوسف بیگ در روز جنگ در خدمت احمد پاشا
بود چون احمد پاشا کشته شد فرار نموده بیزد رفت و مراد بیگ
بایندر را در آنجا پادشاه برداشت و تمامی ولایت عراق را

به تبریز خرامید حاجی بایندر حاکم اصفهان سکه بنام میرزا بایسنقر در تصرف اورد و در ملک ری رحل اقامت انداخت و ایبه
زد و بایسنقر از شیروان با مارشکین امد رستم بیک بار سلطان سپاه اذربایجان را جمع نموده بر سر او تاخت
دیگر سلطانعلی میرزا را با ایبه سلطان بجنگ فرستاد فتح نمود محمدی میرزا او را منهزم گردانیده و درین اثنا سلطان
و بایسنقر میرزا و حاجی بایندر را بعدم اباد فرستاد مراد با کوزل احمد برادر ایبه سلطان و از شفعه شیراز
و در اخر سلطانعلی میرزا را پادشاه دین پناه و والده مخصوص رفت و محمدی میرزا بتبریز شتافت
ساخته باردبیل فرستاد و در اخر از جمعیت صوفیان ایبه
تاک شده ایبه سلطان را باردبیل فرستاد تا سلطانعلی میرزا را
شهید کرده و شاه دین پناه بلاهیجان رفته کارکیا میرزا علی
مقدم انحضرت را معزز داشته بجهه سکنا منازل مرغوب تعیین نمود
واحمد پاشا ولد اغورلو محمد بعد از فوت یعقوب میرزا بروم
رفته ایلدرم بایزید یکی از بنات خود را باو داده بعد از
چند سال لشکری نامعدود برداشته هوس تسخیر ملک موروث
نمود رستم بیک استقبال کرده در کنار اب کر بیکدیگر
رسیدند امراء اذربایجان رستم بیک را گرفته بدست
احمد پاشا داد با تیر و کمان از میان برداشت

هو

۵۵

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

نامه چهارده صد و نود بعد از ظهور اسلام

سیم در ذکر پادشاهان مغول

از ابتداء سلطنت صاحبقران اعظم

سلطان

حسن میرزا و غیره

حسن بیک اوزون

اولاد ابو الحسن بیگ

الوند میرزا در دفع احمد پاشا گشته شد بدیار بکر رسیده قاسم بیک اسم سلطنت بر او اطلاق
کرده لوای استظهار مرتفع گردانید و اکثر لشکریان و امرا با وی اتفاق کرده رو باذربایجان
نهاد محمدی میرزا چون از امدن برادر اگاه شد از تبریز بسلطانیه شتافت و الوند میرزا بتبریز
امده لوای سلطنت بلند گردانید و محمدی میرزا باصفهان شتافت سلطان مراد از این خبر
یافته با سپاه گران عازم اصفهان شد محمدی میرزا باستقبال عم از شهر بیرون رفته بعد از تلاقی
فریقین گرفتار شد و سلطان مراد و الوند میرزا با یکدیگر صلح نموده هر کدام بولایت خود رفتند

[illegible]

فهرست از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

نامه چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

چهارم در ذکر پادشاهان رضوان مکان ناجیه صفویه

کیتی ستان فردوس مکان شاه اسمعیل بهادر خان انار الله برهانه شاه اسمعیل بن سلطان

حیدر بن شیخ جنید بن شیخ ابراهیم بن شیخ خواجه علی بن شیخ صدر الدین بن شیخ

صفی الدین اسحق بن شیخ امین الدین جبرئیل بن شیخ صالح بن سید قطب الدین بن

سید صلاح الدین رشید بن محمد الحافظ بن سید عوض بن فیروز شاه بن محمد بن حسین بن محمد بن

ابراهیم بن جعفر بن محمد بن اسمعیل بن محمد احمد بن اعرابی بن ابو محمد القاسم حمزه بن الامام الهمام

موسی الکاظم علیه السلام بعد از واقعه سلطان علی میرزا در لاهیجان با کارکیا میرزا علی بود و از انجا

بجانب اردبیل در حرکت امده با صوفیان روانه کوکجه تنگز شد و سلطان حسین بارانی که از امرای

میرزا جهانشاه در کوکجه تنگز می بود از راه حیله و مکر ایلچی فرستاده اراده حبس ان اقبال

جهانگیر داشت انحضرت را بنور هدایت در یافته از انجا روانه چوخور سعد شد قراجه الیاس

بپایه سریر اعلی امده قلعه را فتح نموده اموال و غنایم از ان بصوفیان قسمت نموده از انجا روانه شیروان

شده و قتل و غارت کرجستان نموده در صدد تکالشت ارم بشیروان شاه برخورده او را

والا ملک عدم کردانیده حکومت انجا بحیله قاتک شفقت شده و در بهار فتح قلعه

باکو نموده روانه اذربایجان شده و امیرزاده الوند لشکر جمع آورده چون خبر توجه رایات

اقبال شنیده با ذربایجان شتافت و در سنه ٩١٤ بچهار باغ میرزا ابر بود اق نزول نمود و از انجا روانه

عراق عرب شده بغداد و حویزه و شوشتر را فتح نمود و از آنجا روانه شیراز و امیر یار احمد اصفهانی
بمنصب وزارت سرافراز شد و در سنه ۹۱۵ فتح قلعه دربند نموده نعش سلطان حیدر را باردبیل آورده
و در سنه ۹۱۶ عازم جنگ محمد خان شیبانی شده خواجه مظفر بتکچی در جاجرم بشرف ملازمت
مشرف گردیده بمنصب وزارت پادشاه مشغول شد و محمد خان شیبانی از هرات بمرو گریخته در آنجا محاربه بوقوع
محمد خان کشته شد و سایر سلاطین اوزبک باج فرستاده سکه و خطبه بنام نامی آنحضرت ساختند
و بابر پادشاه بدرگاه آمده فرمانفرمای ترکستان شد بعد از چند سال سلاطین اوزبک ازین امر تمرد و
عصیان ورزیده نجم ثانی با ساداب الشان رفته کشته شد و در سنه ۹۱۸ شاهزاده طهماسب متولد شده و
و درین سال هرات بزینل خان مفوض شد و در سنه ۹۲۰ بولایت آذربایجان آمده با پادشاه روم محاربه نمود
و در سنه ۹۲۲ ولایت خراسان تا کنار آب اموی بطهماسب میرزا مفوض شد و در ۲۱ شهر شعبان سنه ۹۲۳ سام میرزا
تولد یافت و در همین ماه رستم میرزا از دایره عدم بوجود آمده بعد از چهار روز دیگر بهرام میرزا قدم
بدایره وجود نهاد و در ذی الحجه سنه ۹۲۴ رستمدار مازندران فتح شد و در بهار سنه ۹۲۷ عبدالله خان بهرات
آمده بدنیال مقصود برگشت و درین سال خراسان بسام میرزا مفوض شد و در بیستم شهر صفر سنه ۹۲۸ طهماسب میرزا
و امیر خان بپایه سریر اعلی آمدند و با شاهنشاه وصلت واقع شد و منصب امیرالامرائی بخان محمد سلطان استاجلو
و وزارت بخواجه شاه حسین اصفهانی ارزانی داشتند و منصب صدارت بامیر جلال الدین محمد استرابادی مفوض شد
سلطان مراد بن یعقوب بیگ بتیغ غازیان در دیار بکر کشته شد و در سنه ۹۳۰ خان محمد سلطان استاجلو عازم
دیار عدم و منصب امیرالامرائی بدیو سلطان روملو مفوض شد و نواب همایون درین سال در شکار شیراز
بیکار رفته در سراب [illegible] روز دوشنبه ۹ رجب سنه ۹۳۰ بجوار رحمت ایزدی و فردوس جنان
انتقال نمودند

قسم ازتاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

باب چهاردهم بعد از ظهور اسلام

چهارم در ذکر پادشاهان ناجیه صفویه

گیتی ستان شاه اسمعیل

ذکر اسامی سادات عظام و فضلاء کرام و شعرا که معاصر آنحضرت بوده اند

امیر صدرالدین محمد	امیر غیاث الدین منصور	مولانا جلال دوانی	مولانا نورالدین سعد
مولانا ابوزید	مولانا شرف الدین علی	مولانا عبدالله	مولانا اهلی شیرازی
امیر نعمت الله ثانی	امیر تاج الدین کرمانی	قاضی میر حسین یزدی	امیر غیاث الدین محمد
خواجه قوام اصفهانی	امیر قوام الدین حسین	امیر معزالدین محمد	مولانا نورالدین
امیر اسمعیل شیخ علازاده	امیر عبدالوهاب	میر صفی الله	قاضی مسافر
قاضی نصرالله بغدادی	مولانا عبدالصمد	مولانا [illegible] قناد	شیخ
میر علاءالدین	مولانا حسین	میر ابراهیم علی	میر محمد
میر زین الدین علی	میر نعمت الله علی	قاضی ضیاءالدین	قاضی نورالدین عبدالله
درویش دهکی	مولانا شهیدی	مولانا شمس الدین محمد	میر جعفر
میر قاسم نورعلی	میر قوام الدین بن شمس الدین بهاءالدوله		مولانا امیدی
امیر رکن الدین محمد	امیر قاسم نجفی	مولانا سلطان حسین	امیر شمس الدین علی سبزواری
امیر ابوالقاسم	امیر جعفر	امیر زاده محمد	امیر علی اکبر
امیر غیاث الدین محمد	امیر محمد موسوی	امیر نظام الدین علی استرابادی	امیر علاءالدوله ثانی
امیر ابوالحسن رازی	امیر کمال الدین حسین	مولانا عبدالحسین مصری	امیر سید احمد [illegible]

قاسم راحلت محمد مومن حالت عبد المومن میبت خاطر واعظ

نظام الدین بیک نظام الدین احمد جیلانی

هو

فهرست از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند ۵۸

فصل ما که چهار دفعه بعد از ظهور اسلام ۵۶

باب چهارم در ذکر پادشاهان صفویه ۳

۵ طهماسب بهادر خان انار الله برهانه بعد از شاه گیتی ستان ۳ لکا در سنه ۹۳۰ در سن یازده سالگی بر تخت
سلطنت جلوس فرموده اعادی مخذول العاقبه طمع در ملک ایران نمود در میان ارکان دولت و بعضی او یماقات
فتنه و جدال بود تا آنکه نهال طوبی مثالش در چمن کامرانی بالا کشید و امراء صاحب داعیه را از میان برداشتند
و دیو سلطان برتبه وکالت و کپک سلطان بمنصب اجتماع امیر الامرائی سرافراز شدند درین اثنا خبر رسید
که عبید خان اراده تسخیر خراسان دارد دیو سلطان با امرا جهت دفع او روانه خراسان شدند عبید خان
کوچم بن ابو الخیر خان و ابو سعید سلطان و سونجک سلطان والی تاشکند را برداشته بر سر خراسان آمدند و
هرات را محاصره نموده بی نیل مقصود بوطن خود رفتند و باز در سنه ۹۳۳ لشکری فراهم آورده از قلت آذوقه
مشهد مقدس را گرفته از آنجا روانه استراباد شد و با زینلخان مصاف نموده زینلخان فرار نمود و عبید خان
استراباد را بعبد العزیز ولد خود داده توجه بجانب بلخ نمود و بعد از چند روز اخی سلطان تکلو با عساکر منصوره
بر سر عبد العزیز خان رفته عبد العزیز فرار نموده به پدر ملحق شد و عبید خان مراجعت نموده در بسطام با اخی سلطان
محاربه نموده اخی سلطان مقتول و لشکر فراری گردیده بار دیگر استراباد را تصرف کرده به پسر بهادر داده
خود روانه هرات شد و در سنه ۹۳۴ بر سر قلعه هرات رفته حسین خان شاملو حاکم هرات بقلعه داری مشغول شده
و آذوقه در قلعه نایاب شده درین اثنا یاری بدولت جانوفا میرزا یورش بقلعه هرات نموده با جمعی کثیر از او زخمی
گشته شده و خبر توجه شاه عالم پناه شیوع یافته عبید خان بمسکن خود رفته شاه جنت مکان فتح قلعه مشهد مقدس
نموده و عبید خان بار دیگر امراء آنجا را مثل کوچم خان و براق خان و فولاد سلطان و عبد العزیز سلطان و عبد
اللطیف سلطان و جانی بیک سلطان و کلدی محمد سلطان و ابو سعید سلطان و سونجک محمد سلطان و قرا
کسکن محمد سلطان را برداشته عازم خراسان شده و در نهم شهر محرم سنه ۹۳۵ در ساروقمش جام محاربه عظیم روی داده

سلاطین اوزبک فرار نموده بیست هزار نفر از جماعه اوزبکیه بقتل رسیدند و رایات جاه و جلال
عازم عراق گشته عبید خان بار دیگر لشکر فراهم آورده بر سر مشهد مقدس آمده آن بلده طیبه را بگرفت و از
آنجا بهرات رفته حسینخان از فقدان آذوقه قلعه را گذاشته بسیستان رفت و عبید خان بر کل ممالک خراسان
استیلا یافته در این اثنا خبر توجه همیون شنیده از هرات بمرو و از مرو بمقر خود رفت و چون نواب
اشرف داخل هرات شد دار السلطنه خراسان را ببرادر اعیانی خود بهرام میرزا عنایت و غازیخان تکلو را لله
میرزا و امیر الامراء خراسان و بدولت بجانب عراق حرکت فرمودند و در سنه ۹۳۷ بار دیگر عبید خان لشکر
فراهم و روی بخراسان آورده قلعه هرات را قبل و عبد العزیز پسر خود را بمشهد مقدس و قمش اغلان را با استرآباد
و خانکلدی بهادر را بسبزوار و جمعی دیگر را بتخت بسطام روانه نمود و جنود اوزبکیه بر سر ذو القدر سلطان
حاکم دامغان رفته بودند محاربه نمودند غازیان بعضی را دستگیر و برخی را بقتل رسانیدند و عبید خان یکسال
و نیم قلعه را محاصره نموده کار مردم باکل گوشت سگ و گربه رسیده شاه جنت مکان از آذربایجان
متوجه خراسان شده چند نفر از غازیان بر سر قمش اغلان رفته جمعی که با او بودند مقتول و قمش اغلان با هشت نفر
فرار نمود چهار برادر او با پانصد نفر اوزبک مقتول شدند و صوفیان خلیفه روملو را با جمعی کثیر بر سر خانکلدی
بهادر بسبزوار فرستاده لشکر اوزبک مغلوب شده به نیشابور آمدند و از آنجا نیز فرار نموده بمشهد مقدس
رفتند و عبد العزیز سلطان مشهد را گذاشته در هرات به پدر ملحق شد و عبید خان قرار بر فرار داده راه
بخارا پیش گرفت و سام میرزا با آغزیوار خان بر سر قندهار رفتند آغزیوار خان کشته و سام میرزا
فرار شد این خبر بعبید خان رسیده بار دیگر عازم خراسان گردید صوفیان خلیفه با او حرب نموده
بقتل رسید هرات را عبید خان مسخر نموده دست بقتل و غارت بر آورده تا چهار ماه فرمانفرما بوده

۵۹

قسم از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند ۱۴۶

صنف چهار دفعه بعد از ظهور اسلام

چهارم در ذکر پادشاهان ناجیه صفویه ۴

طهماسب بهادر خان ۲ ۵

شاه جمجاه چون در آذربایجان این خبر شنید و در سنه ۹۴۳ بجانب خراسان در حرکت آمد عبید خان واقف
و روانه بخارا گردید و الله دار السلطنه خراسان بسلطان محمد میرزا تفویض و در آن سال فتح قلعه قندهار شد
و در سنه ۹۴۶ عبید خان والی دیار عدم گردید سلطان سلیمان خواندگار روم با لشکر بیکران از راه آذربایجان
بسلطانیه آمد محمد خان ذو القدر و حسینخان شاملو و جمعی دیگر روی گردان شده بلشکر مخالف رفتند و از بی
اعتمادی عساکر جنگ بتاخیر افتاد تا آنکه در سلطانیه برفی عظیم بارید چنانچه جمعی کثیر از عساکر روم در زیر برف بعدم رفتند
و سلطان از راه شهرزور روانه موصل شد و ذو القدر اغلی و غازیان تکلو نمک بحرامی نموده بجانب وان گریختند
و سلطان سلیمان در آن سال در بغداد قشلاق کرده در بهار سنه ۹۴۷ از بغداد با لشکر بیکران تا در جزین آمد
و از آنجا روانه الکا خود شد و شاه جنت آرامگاه بر شیروان رفتند و برهم پاشا غالب گردید و بیسان
پاشا که بکومک می آمد بقتل رسید و آن و ارجیس بتصرف در آمد و القاص میرزا از کوته خردی بروم رفته بار دیگر
سلطان سلیمان عازم ایران شد و در آن سال ولایت شیروان با سمعیل میرزا تفویض شد و در سنه ۹۵۵ سلطان
سلیمان به تبریز آمده از فقدان آذوقه مراجعت نمود قلعه وان گرفت تعمیر و قلعه قارص نمود و عثمان چلبی و قولار آغاسی
بانی قارص از وان و ضرب تیغ اسمعیل میرزا بعدم رفتند و قلعه مذکور بار دیگر انهدام پذیرفت و شاه جمجاه
تا ولایت موس تعاقب نموده از آنجا بازنجان نزول فرمودند و در سنه ۹۶۱ باز خبر آمدن سلطان سلیمان شنیده
شاه جمجاه چهار سردار تعیین کرده بولایت روم فرستادند تا اکثر ولایات روم را قتل و غارت
نمودند و اسمعیل میرزا بر سر اسکندر میرزا پاشا رفته او فرار نمود چند نفر از پاشایان دستگیر و کشته شدند
و قلعه بارگیر و آرجیس بتصرف در آمد و سلطان سلیمان از قلت آذوقه مراجعت نمود و سنان بیک

سفیر بان خواندکار و مصاحب ملقب بود گرفتار شد و بعد از آن سلطان تکه را آزاد فرمودند و او و سلطان با سلطان
صلح واقع شد و در سنه ۹۶۴ سلطان سلیمان رحلت نمود و هم درین سال شروان و شکی بجهت تصرف در آمد
و رایات جاه و جلال با تجربه عازم گرجستان شد و در مرتبه پنجم لوارصاب خان بقتل رسیده بکنون خان
و پسرش گرفتار گشتند و درین سال فتح ولایت قندهار و زمین داور و گرمسیرات که راه ... شد
و بغداد و خوزستان مفتوح گردید محمد همیون پادشاه ملتجی بدرگاه سپهر اشتباه شد و در سنه ۹۶۱ ...
سلطان بایزید بن سلطان سلیمان پناه به سریر اعلی آمده هم درین سال یونس خان والی خوارزم و ...
برادر دولت شرف بساط بوسی دریافتند و درین سال محمد صالح بتکچی عصیان ورزیده بقتل رسید و هم درین
فتح گیلان و بدست امیر خان احمد خان والی آنجا اسیر واقع شد و در قاین خراسان زلزله عظیم شد چنانکه
هر کس در زیر دیوارها ماندند و در سنه ۹۸۰ آتشی در جانب قطب از آسمان ظاهر شد و مدتی تمام امتداد
یافت و ایضا در ولایت قاین باران شبیه دانه گندم از آسمان بارید و خلایق از آن جمع کرده
از آن نان پختند و سلطان حیدر میرزا جماعت استاجلو بقتل رسانیدند و مدت سلطنت آنحضرت ...

هفتم ... روحی
... آنحضرت ... روحی ... معلی
... طهران ... صاحب ...
در روز ... شهر صفر سنه ۹۸۴ ... وفات یافت

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند ۶۰
صفویه بعد از ظهور اسلام
چهارم در ذکر پادشاهان ناجیه صفویه
طهماسب بهادر خان

وزرای عظام
جلال الدین محمد — غیاث الدین علی شیرازی — ... اصفهانی — محمد معموری — شاه غازی اصفهانی
... محمد وراماتی — امیر بیگ ... — ممالک محروسه
... ابهری — معصوم ... — مسعود ... — شاه حسین ... — عنایت الله ...
... کمره — قاسم نطنزی — ... اصفهانی
غیاث الدین ... — ... اصفهانی

صدور
ابو القاسم وراماتی — غیاث الدین کاشی — کمال الدین حسین شیرازی
فضل الله ... — میرزا محمد ... — عماد الدین محمود
ابو نصر — ابو الفتح شیرازی
... طهرانی

مشاهیر علما
مولانا محمد ... — سید احمد ... — جمال الدین اصفهانی — مولانا محتشم کاشی
مولانا ... اصفهانی — عز الدین کاشی — ... — مولانا وحشی یزدی
محمد حسین ... — صدر الدین محمد ولد میرزا — حسن ... — حیدر معمائی
ابراهیم ولد شاه حسین — علاء الدین منصور — ... — ... داعی
احمد ولد میرزا عطا — محمد حسین ولد میرزا ... — ... — مولانا ...

مطلب وحدی — مطلب حاتم کاشی

حضوری قمی — ضمیری روزبهان اصفهانی

حبیبی — رائی صفی نوری اصفهانی

مطلب حلوایی اصفهانی — مطلب باباشاه اصفهانی

صدرالدین محمد ولد میرزا رفیع — مطلب ملا احمد

مطلب مطهری قمی — مطلب سروی عطار

مطلب صبحی وردی — مطلب بزمی

مطلب

لامع پنجم پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده‌اند

حصه ۴۱۹ پادشاهان بعد از ظهور اسلام

چهارم در ذکر پادشاهان صفویه

۵ مطلب

اسمعیل ثانی و غیره

تعریف عام

۵ اسمعیل ثانی که در قلعه قهقهه بود در سنه ۹۸۴ بر تخت سلطنت نشست اول خلفا را بچشم کنده و عمزادگان
خود را سوی شاه سلطان محمد بقتل رسانید و اکثر امرا را کشته فرمود که وجوه دنانیر را باین سکه منقوش و مسکوک
سازند — ز مشرق تا بمغرب گر امام است — علی و آل او ما را تمام است

مدت سلطنتش عامی

۶ سلطان محمد پادشاه شد در روز سه شنبه چهارم شهر ذی‌حجه که یازده ماه و نیم از ابتدای سنه ۹۸۵ گذشته بود مولانا
افضل منجم قزوینی ساعت جلوس اختیار نموده بود ترتیب داده شد و شمخال سلطان را با نواب خانم در چهار روز بقتل رسانیدند
و نواب بیگم در کمال عظمت و استقلال متکفل امور دیوانی گردید و ضبط احکام و ارقام بالای مهر وزیر مهر میکرد و میرزا سلمان
بمنصب وزارت سرافراز گشته و جلال خان ازبک بخراسان آمده بسعی مرتضی قلیخان ترکمان بقتل رسید و پادشاه روم
لشکر بر شیروان و آذربایجان فرستاده بود شاهزاده سلطان حسن میرزا بجانب شیروان و قراباغ رفته
و فتح نمودن و سر از اطاعت پیچیدن میرزا و سلطان مازندران و بدست در آمدن و ناچیز گردیدن جماعت
تکلو ترکمان نواب بیگم را با والده درین سال واقع شد و در اوایل سنه ۹۸۸ سلیمان خان بشرف مصاهرت مشرف
شد و جمشید خان نواده مظفر سلطان والی بیه پس گیلان که داماد شاه جنت مکان بود بدست میرزا کامران گوهری گرفتار شد
و درین سال عادل گرای خان تاتار لشکر بر شیروان و آذربایجان آورده گرفتار شد و در اوایل سنه ۹۸۹
شاه عباس در خراسان جلوس فرموده نواب اسکندر شان بجهت اطفای نایره فساد بجانب خراسان توجه فرموده در حوالی
هرات لشکر عراق و خراسان محاربه نموده لشکر خراسان منهزم شدند و درین سال امرای عراق میرزا سلمان وزیر را بقتل رسانیدند
و هم درین سال رومیان بعضی از ولایات ایران را گرفته توجه کومک همایون بصوب آذربایجان و گرفتار شدن امیر خان ترکمان واقع

وهم درین سال جماعت تکلو و ترکمان عصیان ورزیده عثمان پاشا برسر قلعهٔ تبریز آمده مسخر ساخت و نواب سکندر شان
برسر عثمان پاشا رفته در هنگام جدال قورچی که در آن ایام الله قلی بیک بود تکبر [illegible] نموده میان لشکر روم رفت
و درین سال تکلو و ترکمان آغاز فتنه نموده آتش فتنه ایشان از آب تیغ صاعقه کردار سلطان حمزه میرزا
انطفا پذیرفته بجانب بغداد گریختند و در ۲۲ شهر ذیحجه سنه ۹۹۴ شاهزاده جوان بخت از زخم خنجر خودی
دلاک شربت شهادت نوشیده نواب ابوطالب میرزا را ولیعهد کردند و خصومت تمام در میان طوایف
قزلباش بهم رسیده اکثر ولایات بتصرف دشمنان درآمد و درین سال طایفهٔ قزلباش بخراسان رفته نواب
گیتی ستان شاه عباس بهادر خان را بعراق آورده ولیعهد کردند
مدت سلطنت نواب سکندر شان

عام

۶۲

قسم سیم از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند
تا [illegible] چهار دهه بعد از ظهور اسلام
فصل چهارم در ذکر پادشاهان صفویه

ذکر جلوس گیتی ستان علیین آشیان شاه عباس انار الله برهانه بر تخت سلطنت جلوس فرموده در تنکوزئیل سنه ۹۹۶
مرشد قلیخان لله بود و در پیچقان ئیل عبدالله خان اوزبک هرات را گرفته علیقلی خان [illegible] شاملو حاکم آنجا را بقتل رسانید
و درین سال موکب همایون عازم خراسان شده در حوالی بسطام مرشد قلیخان بقتل رسید و فرهاد پاشا تبریز را مسخر ساخت
و جغال اغلی از بغداد بقلمرو علیشکر آمده در نهاوند قلعه ساخت و در ایت ئیل سنه ۹۹۸ عبدالمؤمن خان اوزبک بخراسان آمده
مشهد مقدس را گرفته قتل عام نمود و درین سال بوداق خان و امرا با نورمحمد خان و جنود اوزبک محاربه نموده شکست یافتند
خان حاکم یزد سر از اطاعت پیچیده کشته شد و یولی بیک غلام خاصه شریفه قلعه طبرک اصفهان را مستحکم نموده اراده
در خاطر داشت بقتل رسید و در بارس ئیل ۹۹۹ یعقوب خان از ظفر یافتن بر [illegible] سر از فرمان
پیچیده کشته شد و در توشقان ئیل ۱۰۰۰ امهدی قلیخان [illegible] مرشد قلیخان چاوشلو بقتل رسیده و مرادخان
برادرش را قطع رجلین کردند دیگر برادرش فرار نموده بروم رفت و درین سال فرهاد خان تسخیر قلعه [illegible] نموده
در لوی ئیل ۱۰۰۱ با پادشاه روم مصالحه واقع شد و هم درین سال فتح گیلان و خراسان شده لشکر اوزبکیه [illegible]
رفتند و در گیلان [illegible] گیلانیان عصیان ورزیده تادیب یافتند و نورمحمد خان از عبدالمؤمن خان فرار نموده [illegible]
آمد و عبدالمؤمن خان بماوراءالنهر رفت و درین سال فتح لرستان شد و درویش خسرو قزوینی [illegible]
الحاد داشت با مریدان بقتل رسیدند و اولاد سلطان حسین میرزا که حاکم قندهار بودند بهندوستان رفتند
و درین سال لشکر قزلباش در [illegible] ترشیز با اوزبکیه محاربه نموده انهزام یافتند و در [illegible] ئیل ۱۰۰۲
در گیلان دیگر فتنه و آشوب بهم رسیده غازیان [illegible] ساختند و هم درین سال اعتماد الدوله فرهاد خان

[illegible]

بخوزستان و عربستان رفته فتح نمودند و در قوی ئیل ۱۰۰۴ الکا دامغان و بسطام بفرهاد خان شفقت شده امام قلی بیک
باکنزه قورچی سرو کمان بایلچیگری اروس مامور و روانه و اردوی معلی متوجه خراسان شد عبدالمومن خان از هرات بیرون و
گذاشته فرار نمود و ذوالفقار خان بایلچیگری بروم رفت و درین سال حمزه نام با گیلانیان یاغی شده بقتل رسیدند
و نواب شاه سلطانم بجوار رحمت ایزدی پیوست و در پیچی ئیل ۱۰۰۵ مازندران فتح و ایالت آن بفرهاد خان شفقت
شد فرهاد خان بلاریجان رفته ملک بهمن گرفتار شد و حاجی محمد خان والی خوارزم پناه بدرگاه شاهی آورده
و مهدیقلیخان حاکم شوشتر را با طایفه افشار در عربستان نزاع شد الله وردی خان بقصد تنبیه بختیاری
برگشتگان افشار بکوه گیلویه رفته هم درین سال اوزبکیه بتاخت دار العباده یزد رفته علیقلیخان شاملو
ایشان را شکست داده و درین سال آقا شاه عطا مستوفی فوت شد و در تخاقوی ئیل ۱۰۰۶ احمد خان چکنی
حاکم بسطام و میرزا علاء عرب عامری با اوزبکیه محاربه نموده بقتل رسیدند و درین سال تسخیر ولایت سمنان و خوار
شده ملک جهانگیر گرفتار گردید و شاهوردی خان لر مقتول شده ایالت لرستان بحسین خان [illegible]
شفقت شد و علیخان گرایلی از کفران گرفتار شد و قلعه اولاد در مازندران بدست در آمد در ایت ئیل ۱۰۰۷ عبدالله خان
فوت شده دارالسلطنه ماوراءالنهر بعبدالمومن خان قرار گرفت و در همان سال کشته شد پیر محمد خان در بخارا و عبد
الامین خان در بلخ متمکن شدند و دین محمد خان در هرات بمسند سلطنت نشسته باقی خان برادرش در ماوراء
النهر والی شد و درین سال در خراسان با دین محمد خان اوزبک محاربه واقع شده دین محمد خان منهزم گردیده و
فرهاد خان بقتل رسیده و نور محمد خان با جنود قزلباش در مرو و حاجی محمد خان والی خوارزم بر سر ملک
موروث و بدست آوردن ابراهیم سلطان و مراجعت موکب ظفر نشان بصوب عراق و شکار کردن
در صحرای رادکان و توجه باسترآباد و ساختن قلعه مبارک آباد و بدست در آمدن الوند دیو مازندران

از تاریخ پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند

باب چهارم بعد از ظهور اسلام

چهارم در ذکر پادشاهان صفویه

کیفیت سلطنت شاه عباس

واقع و تخفیف وجوه خوبان [illegible] خراسان کردن دینار رایج و دینار نو به بیستی دینار مقرر و در تنگوز ئیل موکب همایون
متوجه مشهد مقدس شده و در پیچقان ئیل ۱۰۰۹ از رایات ظفر آیات عزم ابیورد و مرو شاهیجان نمود سنجر فرار نمود
و نور محمد خان را بدست در آوردند و محمد ابراهیم خان والی بلخ شده باقی خان تسلط یافته یار محمد میرزا
در رفقا در موکب سلاطین زادهای اوزبک بدرگاه معلی آمدند و در اودئیل ۱۰۱۰ حضرت اعلی پیاده بزیارت امام
ثامن علیه السلام مشرف شدند و بحرین و لار بسعی الله وردی خان مسخر گردیده و در بارس ئیل ۱۰۱۱ فتح قلعه اندخود
و رایات فیروزی آیات عازم بلخ شده و از آنجا بعراق مراجعت نموده و در توشقان ئیل قلعه نهاوند بدست در آمده
یورش جهانگشای همایون اعلی بجانب آذربایجان و فتوحات قلاع عظیمه و محاربه با علی پاشا حاکم تبریز و فتح قلعه
واقع و نخجوان و ایروان فتح شد و الله وردی خان بغداد رفته بی نیل مطلوب برگشت و در لوی ئیل ۱۰۱۲ از میان
بقراباغ با حسینخان مصاحب قاجار مصاف نموده الله قلی بیک قورچی باشی بتاخت قراباغ رفت و درین سال
اوزن احمد با جنود بغداد قلعه علیشکر آمده با امرای آنحدود محاربه نموده شکست خورد و چغال اغلی با دربایجان آمده بی نیل
مطلب برگشت و قشلاق در تبریز واقع شد و قلعه [illegible] قندهار بدست در آمد و در ئیلان ئیل ۱۰۱۴ آمدن اکراد در یوم
بجانب خوی و تنبیه یافتن و محاربه [illegible] خان با رومیان و ظفر یافتن و هم درین سال قلعه در تبریز ساخته شد
و الله وردی خان لشکر بخطر دان بر سر چغال اغلی برده و رایات جاه و جلال عازم ییلاقات خوی شد و از آنجا
بجهة تنبیه اکراد محمودی عازم ماکو شد و کرجیان از راه عصیان در آمده [illegible] خان را بقتل رسانیده
و چغال اغلی با جنود ارض روم بجانب تبریز آمده شکست یافت جهانگیر خان و محمد سلیم سلطان سلاطین اوزبک
با یار محمد میرزا از حدود نخجوان بجانب خراسان و غرجستان روانه شدند و درین سال قلعه گنجه فتح شد

و جلال الدین محمد اکبر پادشاه بجهان جاودان شتافت و در لوی ئیل ۱۰۱۰ قلاع گوری و تفلیس تصرف در امده
قلعه ایروان تعمیر شده و اردوی معلی عازم تسخیر شیروان شده بدست در اورده و قلعه شماخی و قلعه بادکوبه فتح شده
و در قوی ئیل ۱۰۱۶ امیر گونه خان قلعه قارص و بعضی قلاع را فتح نمود جهانگیر خان و محمد سلیم سلطان از غرجستان بابا
نج رفته بنیل مقصود برگشتند و یار محمد میرزا کشته شد سپاه ماوراء النهر تا تخت خراسان امده خایب و خاسر
باز گشتند و درین سال نواب همایون اعلی تمامی متملکات خود را بر چهارده معصوم علیهم السلم وقف فرموده در تخاقوی ئیل ۱۰۱۷
جیلانیان بدرگاه جهان پناه شاهی امدند و استقبال نمودن حاتم بیک اعتماد الدوله واقع شده و در تخاقوی ئیل ۱۰۱۸
یادگار بیک طالش را با ایلچیگری هندوستان فرستادند محاربه ذوالفقار خان با سرسران و رفتن امیر گونه خان
بجانب گرجستان و توجه رایات شاهی بجانب اذربایجان و فرستادن جلالیان بکردستان بوقوع پیوسته هم درین
سال امیر خان برادوست عصیان ورزیده حاتم بیک اعتماد الدوله بر سر او رفته بعضی را بقتل گذرانیده و غازیان امیر خان را
گرفته بدرگاه شاهی اوردند و در ایت ئیل ۱۰۱۹ ولیمحمد خان اوزبک ایلچی فرستاده محمد بیگ ولد کور خلفاء روملو
بمرافقت خیر الدین چاوش بایلچیگری بروم رفت و امیر گونه خان بر سر ارض روم رفته با حسن پاشا محاربه نموده مراد پاشا
وزیر اعظم لشکر باذربایجان اورده شکست خورده چهل نفر پاشا کشته شدند و در تنگوزئیل ۱۰۲۰ ابنای مسجد جامع
کبیر صفهان شده و درین سال ولیمحمد خان از اختلال در احوال بهم رسیده بپایه سریر اعلی امده با جنود نامعدود بماوراء
النهر رفته در سمرقند با امامقلیخان محاربه نموده بقتل رسیده و درین سال فرحاباد بنا شد و در سیچقان ئیل ۱۰۲۱
احداث خیابان و توسیع صحن و اجرای میاه باستانه مقدسه منوره رضویه و عمارت اشرف مازندران شد
و در اودی ئیل ۱۰۲۲ فتح قلعه سرحل کیج و مکران نموده ایلچیان و پادریان فرنگ بدرگاه معلی امدند و غازیخان صدر

از منه پادشاهان عجم که در ملک ایران سلطنت کرده اند ۶۴

هادی عشر در دهر بعد از ظهور اسلام ۵۱

چهارم در ذکر پادشاهان ناجیه صفویه

[illegible] جنت مکان شاه عباس انار الله برهانه

از رسالت روم مراجعت نموده رستم محمد خان ولد ولیمحمد خان از غرجستان بتسخیر بلخ رفته منهزم بازگشت و بهمین
نزدیک غازیبک گرجستان واقع شده و در بارس ئیل ۱۰۲۳ لوارصاب خان از باش اچوق بدرگاه معلی امده گردهمون
مراجعت بمازندران نزول اجلال فرمودند و در توشقان ئیل طهمورث خان بجانب کاخت گرجستان امده طغیان و اکراد
برادوست عصیان ورزیده مابین طهمورث و علیقلیخان محاربه واقع و جنود قزلباش منهزم شده و درین سال قرچقای
ولد حسینخان بیگلربیگی خراسان بقتل رسید و مالوجهات سر رمضان المبارک تخفیف مقرر شد و در لوی ئیل ۱۰۲۵
اردوی معلی عازم گرجستان و در سلماس فیمابین بیگلو پاشا و میر بوداق محاربه واقع و میر بوداق کشته شده و محمد پاشا
وزیر اعظم بر سر ایروان امده محاصره و بی نیل مطلب بازگشت نمود و در ئیلان ئیل ۱۰۲۶ در دوتقی قشلاق واقع شد
و در بهاران سال قلعه قراالقلوچ فتح شده زمان بیک [illegible] غلامان بر سر گرجستان رفته بعضی را مقتول و بعضی را اسیر
و دستگیر نمودند و قرچقای خان بر سر ارض روم و وان رفته تاخت و تاراج نمود و درین سال بیگلو پاشا بدست چرکس
ولد دکریا بیک کشته شد و خلیل پاشا سردار روم بدیار بکر امده لشکر بجد قلمرو علیشکر فرستاد و سلطان احمد
پادشاه روم درین سال از عالم بقا انتقال و سلطان مصطفی بر سریر سلطنت انجا جلوس نمود و در یونت ئیل ۱۰۲۷
سلطان مصطفی خلع و سلطان عثمان ولد سلطان احمد در سلطنت متمکن شده و خلیل پاشا با سپاه تاتار باذربایجان
امده با قرچقای خان محاربه نموده برگشت و هم درین سال ایلچیان از اطراف بدرگاه معلی امدند و در قوی ئیل ۱۰۲۸
ایالت مشهد مقدس بقرچقای خان و تبریز بشاهبنده خان شفقت شده و درین سال ستاره ذو ذنبه ظاهر شد
ذیحجه بیگ محمد بیگ منشی الممالک با اقوام کشته شدند امیر قلیچ بیگ کوس منصب امارت یافت در الجغد روز تیمور خان نیک
نامی از جماعت کردوس اورا بقتل رسانیده امارت بمنصور سلطان ولد او شفقت شده و در بیچی ئیل ۱۰۳۰ در ب

کرنک فرمودند و قلعه دورق بتصرف درامد و در تخاقوی ئیل ۱۰۳۰ والی کیچ و مکران بدرگاه معلی امده لالای جو بسبب
منصور خان شفقت شده و لشکر بر سر فرنگیه پرتکالیه فرستاده شد و رایات حضرت اعلی عازم خراسان شده
سلاطین اوزبک ایلچی بدرگاه معلی فرستادند و شیخ المحققین و برهان المدققین بهاء الملة والدین وداع حیات
مستعار کرده ایت ئیل ۱۰۳۱ قندهار فتح شد و ایالتش بگنجعلیخان و ایلچی خارزم بدرگاه معلی امده امور
امام قلیخان ولد الله وردی خان مفتوح شد و سلطان عثمان فرمان فرمای روم کشته شد و توسیع شوارع
مازندران شد و در تنکوزئیل ۱۰۳۲ فتح قلعه بغداد و دراک زیارت روضات مطهرات عالیات عالیات
میسر و ایالت انجا بصفی قلیخان شفقت شد و قرچقای خان فتح کرکوک و موصل نموده امیر گونه خان قلعه اخسقه را
در اورده ایالت انجا بسلیم خان شفقت شد و در سیچقان ئیل ۱۰۳۳ مورا کرجی طغیان و عصیان ورزیده قرچقای خان
بجهت تنبیه او مامور و روانه گرجستان گردید در اودئیل ۱۰۳۴ قرچقای خان و یوسف خان و بعضی از امرای
آن ملک بحیله و مکر مقتول نمود و فوجی از عساکر منصور بقره اقاج [illegible] بنده خان تعاقب رسیده و مورا تقی
پاشا بر سر قلعه اخسقه امده سلیم خان قلعه را خالی کرده فرار نموده حافظ احمد پاشا وزیر اعظم با لشکر بیکران
بر سر بغداد امده نه ماه قلعه را محاصره و بی نیل مطلوب خائب و خاسر بازگشت نمود صفی قلیخان حاکم بغداد بنابر حسن
و دلاوری و نیکو خدمتی که در عهد قلعه را محافظت نموده رومیه را جواب گفته بود بشیر علی ملقب و بمورد شفقت
و توجهات بیکران پادشاهانه گردید و در بارس ئیل سنه ۱۰۳۵ در دار المرز مازندران قشلاق فرمودند
و در توشقان ئیل ۱۰۳۶ عیسی خان شیخاوند قورچی باشی بر سر قلعه اخسقه رفته فتح نمود و مورا و طهمورث
بار دیگر لشکر او شکست یافتند و طهمورث بوساطت داود خان برادر امام قلیخان ملتجی بدرگاه جهان پناه

هو

۶۵

از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند
تا [illegible] بعد از ظهور اسلام

چهارم در ذکر پادشاهان ناجیه صفویه
[illegible] شاه عباس بهادر خان

واما مقطع میرزا محول شده رایات جاه و جلال بفیروزی و اقبال از دارالسلطنه عازم قشلاق مازندران گردید
شاه سلیم پادشاه والاجاه هندوستان و بن سال جهانگیر جاودان خرامید و در لوی ئیل سنه ۱۰۳۷
امام قلیخان باراده تسخیر بصره نهضت نمود و نواب جهانبان را عارضه روی داده مدبر طبیعت دست از تقویت قوای خود
باز کشیده کوتاه داشته بمدلول ایه شریفه کل نفس ذائقة الموت در شب پنجشنبه بیست و چهارم شهر جمادی
الاول سنه ۱۰۳۸ هنگام طلوع صبح مرغ روح پر فتوح از قفس قالب مقدس گسسته
بجانب ریاض رضوان و فرادیس جنان پرواز نمود انا لله و انا الیه راجعون
مدت سلطنتش [illegible]

و اختتام یافت [illegible] سلاطین ماضی و مستقبل ملک ایران [illegible]
[illegible] از [illegible]
[illegible] جامع اصفهان [illegible]
عباد اصفهان [illegible] مازندران
[illegible]

۶۶

از تاریخ پادشاهان عجم که در مملکت ایران سلطنت کرده اند

تا حال که هزار و ... بعد از ظهور اسلام

چهارم در ذکر پادشاهان ناجیه صفویه

که ... شاه عباس ثانی انار الله برهانه

وغیره

باسم عیسی خان قورچی باشی — محمد ... سلطان حاکم — سلطان حاکم نخجوان — ... حاکم ری — ... هرات

... سلطان حاکم ... — سلطان حاکم بالام ... — ... سلطان حاکم

سلطان ... از امرا — سلطان ... از ... اصفهان — ... سلطان حاکم

وغیره

خان حاکم کرمان — سلطان ... حاکم — سلطان حاکم — بعضی از فارس

سلطان حاکم اروان — حاکم بردع — خان حاکم ... — سلطان حاکم قپانات — سلطان حاکم ... — سلطان ولد ... — سلطان حاکم ... حاکم کبودجامه

باسم حیدر سلطان حاکم تنکابن

سلطان حاکم ارومی — سلطان حاکم قراه

خان حاکم کاورود

وغیره — و اکراد

باسم ... سلطان حاکم ... — باسم برهان الدین خلفا ... حاکم قراجه داغ — ... — احمد خان ... اردلان

... — طالش — خان حاکم بختیاری — خان ... حاکم ...

سلطان حاکم قلعه ... — سلطان حاکم قلعه باکو — حاکم استارا — سلطان ... — سلطان ... حاکم سبزوار — خان ... حاکم ...

سلطان حاکم ...

الف ... باسم منصور سلطان حاکم ایروان باسم قاسم محمد سلطان لا ... سلطان حاکم اسفراین رضا ... سلطان قلعه ...
الف دارد

ولی ... باسم شمس الدین خان حاکم باسم مراد خان حاکم ... علی سلطان حاکم دیلمان امام علی ... خان زیک حاکم قندهار
دارا بجرد ... استرآباد ... سلطان حاکم ... علی ... سلطان ...
شجاع الدین سلطان ... ایروان ... سلطان ...
... سلطان حاکم زنجان ... سلطان
مصطفی سلطان ...

حمزه ... ی ... بیگ ...

... سلطان حاکم ... خان ... حاکم مراغه ... سلطان ...
... سلطان حاکم شوشتر ... حسین سلطان حاکم ترشیز ... رضا سلطان حاکم زنوز ... سلطان ...
... سلطان حاکم جام ... طهماسب سلطان ... جلال الدین ... سلطان ... حاکم ...
... سلطان حاکم ... حسین سلطان حاکم ... از غیان ... خان افغان حاکم ... سلطان اردی ...
... سلطان ... محمد سلطان غوری

از تاریخ پادشاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده‌اند
صفحه ۶۲
... بعد از ظهور اسلام
چهارم در ذکر ... سپاهیان ... صفویه
... در زمان شاه عباس

علی ... ل
سرکار خاصه شریفه
... ع ...

الله ... صفی ... خان ولد الله وردی خان بیگلربیگی فارس خان ولد امام قلی خان میر دیوان و حاکم لار
داود ... خان برادر امام قلی خان حاکم قراباغ ... صفی ... خان ملقب به شیر علی بیگلربیگی عراق عرب و قلمرو علیشکر و متولی عتبات عالیات علی بن ابی طالب علیه السلام و قورچی باشی
محمد ... چرکس بیگلربیگی شیروان ... ل ... سلطان حاکم دربند ... ح
... سلطان حاکم ... یوسف ... سلطان میر حمید ...
... سلطان ... حاکم ... اعلی ... سلطان ... حاکم ...
... سلطان میر ... ار ... سلطان حاکم ...
... خان ... بیگلربیگی استرآباد ... خان بیگلربیگی مشهد مقدس معلی

از تاریخ پادشاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده‌اند

فصل

... چهاردهم بعد از ظهور اسلام

عدد وزرای پادشاهان صفویه

... شاه عباس

وزرای عظام [illegible]

[illegible] [illegible]

ابوالولی انجوی شیرازی ولد میرزا ... [illegible] سلمان ... شاه ...

رضی الدین محمد [illegible] رفیع الدین محمد [illegible]

رفیع [illegible] لطف الله شیرازی ... ولد بهرام ... نصیری

ابوطالب ولد میرزا ... خان ولد میرزا ... شاه ...

سلطان ...

از تاریخ پادشاهان عجم که در ممالک ایران سلطنت کرده اند

۵۶

باب چهارم در وقعه بعد از ظهور اسلام

۱۴

چهارم در ذکر پادشاهان صفویه

رضوان بارگاه شاه صفی انار الله برهانه در ششماهه لوی ئیل ۱۰۳۷ بعد از انتقال نواب گیتی ستان در دار
السلطنه اصفهان بر تخت سلطنت جلوس و خسرو میرزا ملقب برستم خان شد در سال ۱۰۳۸ غریب شاه
نام مجهول از گیلان بیرون خروج و جمع کثیر از مردم آنجا بر سر او جمعیت نمودند ساروخان طالش و کرکین خان
با غازیان بر سر او رفته دستگیر نمودند و در اصفهان مقتول گردید بعد از غریب شاه آتش فتنه عادل
شاه نامی اشتعال یافته باب تدبیر صوفی خاندان صفویه بنیان میرزا محمد تقی وزیر فرو نشست خان احمد
خان حاکم کردستان خانزاده خانم حاکم مکری را گرفته بدرگاه معلی فرستاد و در یونت ئیل ۱۰۳۹ خسرو پاشا
وزیر اعظم اراده تسخیر بغداد نمود چون بحلب رسید مورا د هر ور را بقتل رسانید چون در ایام خان احمد خان
حاکم کردستان از کت جنود بهم رسانیده و بهمدان آمده در موکب همایون بعهده مامون برادر [illegible]
از کوته خردی خسرو پاشا را از راه کردستان بهمدان آورد کردستان را بتصرف داد در پنجشنبه زینلخان
در کوتل جهان با او محاربه نمود منهزم شد و خسرو پاشا بهمدان و درجزین رفته از آنجا روانه بغداد گردید زینلخان
مقتول و رستم خان سپهسالار شد خسرو پاشا بغداد را محاصره نموده مراد او راق در قلعه مذکوره در
عرض چهل یوم بضرب چهل هزار گلوله از ده توپ صاعقه کردار دیوارهای قلعه را با هامون برابر کرده در روز
چهلم حکم یورش نمود صفی قلیخان شیر علی ثبات قدم ورزیده سی هزار از عساکر کفار رومیه را گلوله [illegible] قتیل
قلعه عدم گردانید روز دیگر خسرو پاشا برخاسته روانه آنجا شد و جلیل پاشا را در قلعه حله
گذاشته قلعه حله را ضبط نمود با قلعه داری پرداخت رستم خان با عساکر منصوره مانند ماه قلعه را محاصره نمود
و خلیل پاشا قلعه را گذاشته فرار نمود و در توی ئیل ۱۰۴۰ از حرکت معلا عازم اصفهان و شاهزادها مقتول

و بمحول شدند و عیسی خان شیخاوند با فرزندان و ولد ان حسنخان حاکم سابق هرات و یوسف آقا و چراغ خان
و تخته خان بقتل رسیدند خلیفه سلطان از وزارت معزول و میرزا ابو طالب برتبه وزارت سرافراز
شد و میرزا رفیع صدر معزول شد و میرزا حبیب الله منصب صدارت یافت و قراقخان بیگلربیگی شیروان
عزل و فرخ خان بجای او منصوب و در ییجی ئیل سنه ۱۰۴۱ داود خان تمرد و عصیان نموده ملتجی بخواندکار شد
رستم خان بر سر شیروان رفته بلا نیل مطلب بازگشت نمود و در حین سهند میرزا ابو طالب اعتماد الدوله
و اغورلو خان و حسن بیگ ... صحبت تقبل رسیدند و وزارت اعظم بمیرزا محمد تقی شفقت شد و سلطان
بلاغی نواده شاه سلیم از عم خود فراری شده در دار السلطنه اصفهان شرف بساط بوسی یافت و در
تخاقوی ئیل سنه ۱۰۴۲ سلطان مراد خواندکار روم بر سر ایروان آمد طهماسب قلیخان حاکم آنجا قلعه را بتصرف
وداد و خواندکار تا دار السلطنه تبریز آمده مراجعت نمود بعد از مراجعت نمودن نواب سکندر شان قلعه مذکور را
قبل کرده در ایام محاصره امام قلیخان ایشیک آقاسی باشی و فرخ خان حاکم شیروان بقتل رسیدند و بعد از
سه ماه قلعه مفتوح و ایالت آن بکلبعلی خان شفقت شد و در ... ولد او را با اولاد مقتول ساخته خانواده او
مستاصل شد و در تنگوزئیل سنه ۱۰۴۳ ابو الغازی گرفتار شد و در سیچقان ئیل ۱۰۴۶ ارض معلی دار السلطنه اصفهان
نزول اجلال داشت و در سنه بارس ئیل سنه ۱۰۴۷ علیمردان خان زیک روگردان شده قلعه قندهار را
بتصرف جغتای داده خود بهندوستان رفت و قلعه بست بمحراب بیک قللر آقاسی غلامان خاصه شفقت شد و بعد
تعاقب بمحراب سلطان شده جغتای قلعه مذکور را محاصره نمود بعد از سه ماه قلعه را بدست آورده محراب سلطان
مرخص گشته بپایه سریر اعلی آمد و سلطان مراد خواندکار روم بر سر بغداد آمده بکتاش خان قلعه را
بتصرف خواندکار داده در آن صلح شد و در توشقان ئیل سنه ۱۰۴۸ ابنای عمارت صفی آباد اشرف

از تاریخ پادشاهانی که در ممالک ایران سلطنت کرده‌اند ۵۱۵
تا حین چهار دفعه بعد از ظهور اسلام
چهارم در دودمان پادشاهان صفویه ۹۰۵
رضوان مکان شاه صفی انار الله برهانه

و در لوی ئیل سنه ۱۰۴۹ ییلاق و قشلاق در دار السلطنه اصفهان واقع شد و در ییلان ئیل سنه ۱۰۵۰
حسینخان بیگلربیگی استرآباد فوت شده ایالت استرآباد بمحراب خان شفقت شد و در این سال رستم خان
سپهسالار با امرا بعزم یورش قندهار در خراسان جمعیت نمودند و در یونت ئیل سنه ۱۰۵۱ نواب رضوان
مکان همایون بعزم یورش دار القرار قندهار از دار السلطنه اصفهان بیرون آمده در دار المومنین
کاشان مریض و صاحب فراش شده بتاریخ شب چهارشنبه ۱۸ شهر صفر بعالم بقا و جنت الماوی
و فردوس اعلی انتقال فرمودند انا لله و انا الیه راجعون

مدت سلطنتش

دی ماه عام